

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۷۹۴

جمعه ۲۳ آذر ۱۳۹۷، ۱۴ دسامبر ۲۰۱۸

هفت تپه و صحنه سیاسی ایران

کاظم نیکخواه

کارگران نقل قول می آورد. امام جمعه ها کارگر دوست

شده اند. آمد نیوز به منبع اخبار کارگری تبدیل شده

است. بی بی سی و رادیو فردا و صدای آمریکا "تحلیلگران

کارگری" شان را جلو میکشند تا در مورد ادامه اعتصاب

"هفت تپه" راهکار بدهند. انجمن طلبه های قم در دفاع

از آزادی اسماعیل بخشی و کارگران نیشکر هفت تپه

کارزار راه می اندازد. خواننده های رپ در رسای هفت تپه

سرود و آواز میخوانند. و... نمونه ها بسیار زیاد و

وسیع است. واقعا میشود ساعتها نمونه و فاکت ردیف

کرد. اینکه مضمون بحثها و تبلیغات و جدلها در چپ و

راست بر سر مسائل کارگری

صفحه ۶

روزهای جالبی است. روزهای تاریخی و هیجان

انگیزی است. این روزها در ایران همه "متخصص" جنبش

کارگری شده اند. ولوله ای حول و حوش جنبش کارگری براف

افتاده است. این جنب و جوش فقط در میان رگه های چپ

نیست، بلکه همه جریانات و رسانه ها و احزاب از هر رنگ

و گزایشی توجه شان به کارگر را برجسته میکنند. حتی

جریانی مثل حزب مشروطه در ضرورت اعتصاب کارگری و

اعتصاب عمومی بیانیه صادر میکنند. رضا پهلوی به

بازداشت ظالمانه کارگران توسط "فرقه تبهکار" اعتراض

میکند، سایت کلمه از میرحسین موسوی در دفاع از

صفحه ۲ طبقه کارگر و کمونیسم در جلوی صحنه
سخنرانی افتتاحیه حمید تقوایی در پنوم ۴۹ کمیته مرکزی حزب

صفحه ۵ کارگران در هفته ای که گذشت
شهلا دانشفر

صفحه ۷ جایگاه و دستاوردهای اعتصاب هفت تپه و اختلاف نظرات
مصاحبه با حمید تقوایی

صفحه ۱۱ اطلاعیه پایانی پنوم ۴۹
کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران

صفحه ۱۲ آینده از آن ماست!
بیانیه کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران

صفحه ۱۳ نوبت ما فرا رسیده است!
پیام کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران به کارگران

صفحه ۱۵ بمناسبت بیست و هفتمین سالگرد تاسیس حزب
آزاده دربندی و آرش دشتی

صفحه ۱۶ نامه ای از یک واحد حزب در داخل کشور

صفحه ۱۷ روز شمار کمپین آزادی اسماعیل بخشی. تلاشی به وسعت جهان
سیامک بهاری

صفحه ۱۹ نقش ویژه و سازمانده دانشجویان زن، و تاثیر چشمگیر
جنبش نوین رهایی زن در شانزده آذر ۹۷، روز دانشجو
شیرین شمس

صفحه ۲۰ برگزیت؟
سینا پدram

صفحه ۲۱ گزارشی از سخنرانی مینا احدی در کنفرانس آنتی فاشیست ها
در حمایت از جنبش کارگری در ایران

صفحه ۲۲ گزارشی از جنبش جلیقه زردها در فرانسه

صفحه ۲۲ رضا پهلوی و معمایی در سه کلمه
خلیل کیوان

صفحه ۲۳ اطلاعیه ها:

تجمع کارگران نیشکر هفت تپه در اعتراض به عدم آزادی اسماعیل بخشی
موج همبستگی شکوهمند با کارگران هفت تپه و نیشکر هفت تپه ادامه دارد
بیست همبستگی با کارگران نیشکر هفت تپه:

کارخانجاتی که از کارگران نیشکر هفت تپه و گروه ملی اعلام حمایت کرده اند:
اسماعیل بخشی آزاد شد!

سی و یکمین روز اعتراض یکپارچه کارگران فولاد اهواز

میثم آل مهدی از فعالین فولاد اهواز آزاد شد

اعتراضات کارگران با قدرت ادامه دارد

دانشجویان بمناسبت شانزده آذر ۹۷ روز دانشجو،

ندای انقلاب، و سرتگونی جمهوری اسلامی سر دادند.

جمهوری اسلامی مسئول مرگ وحید صیادی نصیری است!

اتحادیه بین المللی معلمان (Ei) خواستار آزادی همه مظلومان زندانی در ایران شد

فراخوان رانندگان کامیون به اعتصاب سراسری

فراخوان بازنشستگان به تجمع در مقابل مجلس اسلامی

سی و ششمین روز اعتراضات گسترده کارگران فولاد اهواز همراه با خانواده ها

و ادامه ...

تصویب شده باتفاق آرا
قرار در مورد شوراها در شرایط انقلابی

صفحه ۱۴

تصویب شده با سه رای ممتنع
قرار در مورد سخنگوی حزب

صفحه ۱۴

تصویب شده باتفاق آرا
اصول سازمانی سازمان جوانان کمونیست

صفحه ۱۵

طبقه کارگر و کمونیسم در جلوی صحنه سخنرانی افتتاحیه حمید تقوایی در پلنوم ۴۹ کمیته مرکزی حزب



در شش ماه گذشته - از پلنوم قبلی حزب تا امروز - وضعیت سیاسی در ایران کاملاً متحول شده است. تغییری که در این فاصله در فضای سیاسی رخ داده است کاملاً محسوس است. صحبت من بر سر این تغییر است و معنای آن برای جنبش عظیمی که در ایران جاری است و نتایج و دستاوردهائی که میتواند در بر داشته باشد.

در پلنوم گذشته که دو ماه بعد از دیماه ۹۶ برگزار شد صحبت بر سر این بود که جنبش انقلابی عظیمی در ایران شروع شده، مردم در نزدیک به نود شهر با شعار مرگ بر جمهوری اسلامی و نه به این جناح و نه به آن جناح خیابان آمده اند و جامعه بلند شده است برای اینکه با جمهوری اسلامی تعیین تکلیف کند. ما شاهد یک جنبش عمومی بودیم که دختران خیابان انقلاب در آن نقش برجسته ای داشتند، اعتصابات کارگری که کل جنبش سرنگونی طلبانه روی دوش آن شکل گرفته و سر بلند کرده بود بیش از پیش گسترش یافته بود و مالباختگان و بازنشستگان و جوانان و بخشهای مختلف جامعه پیا خاسته بودند و پایان ماجرا را به اصول گرا و اصلاح طلب اعلام میکردند. این یک جنبش سرنگونی طلبانه صریح و روشن و شفاف بود بدون هیچ توهم و بدون هیچ سازشی با هیچ جناحی از حکومت و با هیچ گفتمان و طرحی که بخواهند از بالا به مردم

تحمیل کنند. از خیابان و از پائین مردم بلند شدند و اعلام کردند حکومت با همه باندها و جناحهایش جواب نیست و باید برود. اولین شعارها علیه فقر و بیکاری و تورم بود، جمهوری اسلامی نمیخواهیم جزو اولین شعارها بود و نه فقط در تهران و یا چند شهر بلکه به گفته خود مقامات حکومتی در بیش از نود شهر.

این حرکت عظیم از دیماه شروع شد ولی در این فاصله ۶ ماهه اخیر تحول کیفی ای در این روند رخ داده است. آن جنبش عظیم به آن شکل ادامه پیدا نکرد - و نمیتوانست ادامه پیدا کند - بلکه در شاخه ها و عرصه های مختلف شروع به گسترش کرد. جنبش مثل یک انفجار اجتماعی با شورش خیابانی آغاز شد ولی بزودی معلوم شد که این فقط یک طغیان نبوده است. معلوم شد این یک حرکت عمیق اجتماعی است. معلوم شد سرنگونی طلبی در عمق جامعه ریشه دارد. و فقط اینطور نیست که مردم سر مساله معینی - مانند مثلاً شرایط امروز فرانسه - خشمگین شده اند و به خیابان ریخته اند بلکه خواهان تغییر بنیادی کل وضعیت موجود هستند. در فرانسه بر سر گرانی بنزین شورش شروع شده است و ممکن است با کوتاه آمدن دولت و پاسخ به خواست مردم اعتراض فروبخواهد ولی در ایران هیچ نوع

کوتاه آمدنی حکومت را نجات نخواهد داد. هم مردم این را میدانند و هم حکومت. این برای رژیم جنگ مرگ و زندگی است و خود حکومتیها بارها به این امر اعتراف کرده اند. حکومت باید برود به گفتمان عمومی تبدیل شده و این اولین دستاورد جنبش دیماه است.

در فاصله یکسال گذشته جنبش در سیر پیشروی خودش هم گسترش پیدا کرد و هم عمیق تر شد و عمیق شدنش تنها میتواسست به معنای سر بلند کردن کمونیسم و طبقه کارگر باشد.

جنبش عمومی سرنگونی که از دیماه شروع شد رگه ها و گرایشها و طبقات و دیدگاهها و جنبش های طبقاتی مختلف را فعال کرد و اینها همه بمیدان آمدند که نقش بازی کنند. دیدیم که نیروهای راست با شعار رضا شاه روح شاد و غیره تفلاتی کردند. از سوی دیگر اصلاح طلبان به اپوزیسیون رانده شده و در حکومت باقیمانده به دست و پا افتادند. حتی روحانی خواستار رفتارندم شد که تکلیف روشن بشود. در میان حکومتی ها بحث از این بود که مثل اینکه باید چمدانها را بست و مردم دارند ما را بدريا میریزند و غیره. نیروهای راست و ناسیونالیسم قومی نیز در اپوزیسیون تحرکاتی را شروع کردند. و اینها همه طبیعی بود. وقتی زمین زیر پای همه داغ میشود همه فعال میشوند. رژیم ها برای اینکه آینده خود را به نحوی نجات بدهند و اپوزیسیون راست با این هدف که مهر خود را به حرکت مردم بزند و از رادیکالیزه شدن "بیش از حد" آن جلوگیری کند.

یک عاملی این غائله را تمام کرد. و آن به میدان آمدن طبقه کارگر بود. طبقه کارگری که با مبارزات و اعتصاباتش شانه هایش را زیر این جنبش داده بود و به آن شکل داده بود، خودش مستقیماً بمیدان آمد، با زبان خودش صحبت کرد و در پیشاپیش صف قرار گرفت. این پیشتازی از اعتصاب معلمان که حرکتی سراسری بود

شروع شد و بعد تظاهرات و راهپیمائی کارگران هیکو را شاهد بودیم - و همچنین اعتصابات زیادی که اینجا فرصت نیست حتی به لیست آنها اشاره کنم فقط سعی میکنم نقاط اوج این مبارزات را ذکر کنم. از جمله اعتصابات سراسری کارگران راه آهن و رانندگان کامیون و امروز هم اعتصابات هفت تپه و گروه ملی فولاد اهواز. این جنبش بمیدان آمد ولی نه فقط برای خواستهای صنفی اش و نه فقط بعنوان کارگری که تحت استثمار است - که خود این فاکتور همالیه بسیار مهم است. شعار خیابانی کارگر فولاد اهواز امروز صریحاً علیه استثمار و علیه سرمایه داری است - بلکه بعنوان نماینده جامعه علیه کل تبعیضات و نابرابریها. طبقه کارگر بطور واقعی و عینی تبدیل شده است به سخنگو و نماینده ای که علیه دردها و مصائب و ستم و تبعیض و فقر در جامعه فریاد میزند و دارد راه حل را هم مطرح میکند: اداره شورائی. امروز اداره شورائی را نه فقط فولاد اهواز و نیشکر هفت تپه بلکه دانشجویان هم مطرح میکنند، و در گفتمان فعالین جنبشهای اعتراضی هم شوراها و اداره شورائی جا باز میکنند.

جنبش کارگری فقط خواهان پرداخت دستمزدهای عقب افتاده نیست، بلکه علیه حقوقهای نجومی و فلاکت عمومی هم هست. علیه فساد و دزدی و چپاول حاکم بر جامعه هم هست. اگر کارگران هفت تپه با خصوصی سازی مخالفند بخاطر این نیست که گویا مالکیت دولتی هفت تپه میتواند کلی به سر کارگران بزند. کارگران بخش خصوصی را - که عنوان درست ترش بقول خود حکومتی ها خصولتی (دولتی - خصوصی) است - عامل دزدی و فساد و چپاول میدانند و میخواهند آنرا از هفت تپه بیرون کنند و بعد هم اعلام میکنند هفت تپه دولتی را هم ما کارگران اداره میکنیم. خواهان اداره شورائی کارخانه هستند و این را صریحاً اعلام کرده اند. این صرفاً

مبارزه ای علیه فقر و گرانی نیست. یا برای گرفتن دستمزدهای معوقه و غیره. این جنبشی است که اعلام میکند جامعه باید شورائی اداره بشود. و بقیه جامعه به این فراخوان جواب میدهد.

یک جنبه دیگر نقش چهره های جنبش کارگری است. نیروهای راست خیلی تلاش میکنند برای مردم "قهرمان ملی" بترانند. یکی در فلان جنگ فداکاری کرده است و دیگری برای ملی کردن صنعت نفت مبارزه کرده و یا دیگری دوهزار و اندی سال پیش با اسرای فتوحاتش مهربان بوده است و غیره. ولی امروز بخشی ها دارند "قهرمان ملی" میشوند. تبدیل میشوند به سخنگو و چهره یک جنبش انقلابی که از دیماه شکل گرفتو امروز دارد سمبلها و آیگون هایش را پیدا میکند. مظهر های خودش را پیدا میکند. و این در کف کارخانه اتفاق می افتد. کسی آنرا از بالا مهندسی نکرده است. از بالا کسی نتراشیده. خیلی سعی کردند کورش کبیر و رضاشاه و امثالهم را برجسته کنند ولی اتفاقی که افتاد و جوابی که جامعه داد از یک جنبش ضد فقر و تبعیض در کارخانه ها، از جنبش کارگری نشات میگرفت. فقط هم بخشی نیست. در اعتراضات کارگران فولاد اهواز هم امثال میثم آل مهدی سر برافراشته اند. همچنین در بخشهای دیگر جنبش کارگری. چهره های این جنبش از مدتها قبل از تحولات یکسال اخیر مطرح و شناخته شده بوده اند. جنبش کارگری بیش از هر جنبش اعتراضی دیگری در جامعه رهبر و چهره و شخصیت دارد. شخصیتهایی که حتی در سطح بین المللی شناخته شده اند و اینها امروز دارند حرف دل مردم را میزنند. امروز تحصیل و درمان رایگان جزو خواست کارگران است. جمع کردن بساط دزدی و فساد حرف کارگران است. خاتمه بخشیدن به بیکاری و گرانی حرف کارگران است. اداره شورائی حرف کارگران است. و اینها همه حرف دل کل جامعه است.

از صفحه ۲

طبقه کارگر و کمونیسم...

آنچه از دیماه ۹۶ تا امروز اتفاق افتاد این بود که طبقه معینی مهرش را به یک جنبش عمومی زد. نه به این عنوان که مردم بدنبال من بیایند، بلکه به این عنوان که راه حل مسائل شما را من دارم. و این خودش به معنی فراخواندن مردم به راه حل و آلترناتیو طبقه کارگر است. امروز حتی طبقه حوزه علمیه میگوید بخشی را آزاد کنید و این خیلی کلاسیک و تئوپیک است. ارتجاعی ترین بخش حکومت می آید پشت رهبر طبقه کارگر چون بفرآیند آینده خودش است. میدانند این طوفانی که شروع شده آنها را بقول خودشان بدريا خواهد ریخت. از یک طرف به فقیه عالیقدرشان پیام میدهند که اگر بخشی را آزاد نکنی طوفانی بپا میشود که هیچکس جلودارش نیست و از آنطرف سابقه ای برای خودشان درست میکنند که پس فردا در محاکمات بتوانند از خودشان دفاع کنند. هر انقلابی چنین نتایجی دارد. مارکس میگوید وقتی انقلابات شروع میشود راستها به چپ میچرخند. الان ما در فاز انقلاب هستیم و هیچ جای تعجیبی نیست که پس فردا ارتجاعی ترین امام جمعه ها از بالای منبر بگویند دستمزد کارگرا را بپردازید، زندانیان سیاسی را آزاد کنید و غیره. یک توصیه طلاب قم به هم ریشهایشان اینست که از سر منابر بگویند بخشی باید آزاد بشود و دستمزد معوقه کارگران را بدهند و کارخانه هم دولتی بشود.

این نشاندهنده وزن و ثقل جنبش کارگری است. این یعنی حکومت فهمیده است که صرفا با این اعتصاب و یا آن اعتصاب رویرو نیست. فهمیده است صرفا با مطالبات صنفی و حقوقی کارگر مواجه نیست. با طبقه ای رویرو هستند که بقول خود مقامات "الگوی کارگری کمونیستی" به جامعه میدهد. این را روزنامه رسالت میگوید. میگویند چپ جدیدی به میدان آمده است. میدانند این دیگر مبارزه عادی و هر روزه کارگر و سرمایه دار نیست. در آلمان و یا در انگلیس چنین وضعیتی نیست. آنجا مبارزات

کارگری و حتی شورهای خیابانی مثل پاریس امروز مطالبات معینی را مطرح میکنند و بالاخره به نحوی به توافق میرسند. اما جنبش جاری در ایران به اینها رضایت نمیدهد. به حکومتی ها اعلام میکند باید بروید. معلوم است که در اعتصاب یا تجمع اش کارگر شعار نمیدهد مرگ بر جمهوری اسلامی. در این سطح از توازن قوا نباید هم بگوید و این انتظار از او نمی رود. ولی چنان نقد و اعتراض عمیقی را مطرح میکنند که معنای بجز درهم پیچیدن نظام حاکم ندارد. وقتی میگوید فلاکت عمومی و حقوقهای نجومی نمیخواهیم یعنی نه فقط حکومت موجود، بلکه هر حکومت و دولتی که بالای سر مردم بساط دزدی و چپاول براه میاندازد، نظیر هزار فامیل دوره شاه را هم نمیخواهد. شعار علیه حقوقهای نجومی فلاکت عمومی شعار فقط علیه آخوندها نیست، شعار علیه هر اقلیت مفتخوری هست که این فاصله طبقاتی بین دره فقر و کوه ثروت را خواه ناخواه حفظ میکند. بخاطر منافع اقتصادیش حفظ میکند. مهم نیست چه نیروی از کمپ راست خواب بقدرت رسیدن در سر میروانند. هرکه از سلطنت طلب تا مجاهد و جمهوریخواه و غیره با این اعتراض گسترده فاصله بین فقر و ثروت از جانب توده مردم رویرو میشود. و این فاصله فقط مختص جمهوری اسلامی نیست، بلکه در طول تاریخ و در دوره معاصر مشخصا بعد از انقلاب مشروطه تا امروز وجود داشته است. همیشه یک اقلیت حاکمی خورده اند و برده اند و چاییده اند و فربه شده اند و توده عظیمی در فقر و فلاکت غوطه ور بوده اند. امروز شدیدترین شکل این تبعیض در ایران حاکم است و در جهان هم، تقابلی یک در صدهای مالتی میلیاردر با نود و نه در صدهای فشرده شده در چنگال ریاضت اقتصادی وجه دیگری از همین واقعیت است. در جمهوری اسلامی این شکاف طبقاتی به فاحش ترین و فجیع ترین شکل بیداد میکند.

انقلاب ایران بر بستر تقابلی جهانی بین نود و نه در صدها و یک درصدیها شکل میگیرد. گفتمان انقلاب چیز دیگری نمیتواند باشد. هدف انقلاب چیز دیگری نمیتواند باشد. در دوره ای که مبارزات استقلال طلبانه و باصطلاح ضد امپریالیستی و ملی کردنها رواج داشت، سوژه انقلاب و روح انقلاب و پرچم انقلاب همین نوع گفتمانها بود. شرایط انقلاب ۵۷ تا حد زیادی همینطور بود. انقلاب ۵۷ در فازی از سیر تحول جامعه ایران اتفاق افتاد که با کودتای ۲۸ مرداد شروع میشد. آن فضای عمومی منتج از کودتا به گفتمان انقلاب شکل میداد و بهمین خاطر هم توانستند با ضد آمریکائی گری سر انقلاب را ببرند.

آن دوره مدتهاست سپری شده است. فضا و پارادایم سیاسی امروز را مقابله نود و نه درصدیها با یک درصدیها شکل میدهد. تا حدی که حتی در آمریکا و انگلیس نمایندگان و سیاستمدارانی که خود را سوسیالیست مینامند و ادعا میکنند نماینده نود و نه درصدیها هستند سلطه یک اقلیت مالتی میلیاردر را بچالش میکشند. حدود هشت سال پیش جنبش اشغال را در غرب داشتیم که دنیا را روی سرش گذاشت. و امروز انقلاب ایران دارد جواب واقعی این پروولماتیک، این مساله بین المللی را میدهد که چطور میشود این فاصله عمیق بین کوه ثروت و دره فقر را از بین برد. مساله ای که امروز حتی روی میز آکسفام است. روی میز بانک جهانی است. خودشان بعنوان خیرخواهان سرمایه داری به این مساله میپردازند. عینا طبقه های قم که میگویند بهخواست کارگران برسید آکسفام هم هر سال تاکید میکند این دره فقر را از میان بردارید. چون میدانند طوفانی برپا خواهد شد که دیگر نه از تاک نشان خواهد ماند و نه از تاکنشان. از سر مصلحت و خیرخواهی حکومت سرمایه این هشدارها را میدهند. حتی کسی مثل بیل گیت میگوید جواب نابودی محیط زیست سوسیالیسم است. چرا اینها را میگویند؟ چون

جامعه یک گله بره نیست که مدام استثمار کنید و جیب خودتان را پر کنید و توده مردم را به فقر و فلاکت برانید و کماکان در قدرت هم بمانید. این ممکن نیست. باید جامعه را هم اداره کنید. و نمیتوانند جامعه را اداره کنند. ترامپ یعنی نمیتوانید جامعه را اداره کنید. ما کرون در فرانسه یعنی نمیتوانید جامعه را اداره کنید. و در انگلیس غوغای برگزیت و این جوک ترزا می یعنی اداره جامعه عاجزید. بورژوازی همه جا با بحران حکومتی دست بگریبانست. یک در صدها در هیچ جا نمیتوانند جامعه را اداره کنند و جواب این وضعیت را ایران خواهد داد. انقلاب ایران این جواب را خواهد داد. پروولماتیک انقلاب ایران به نظر من از بین بردن فاصله بین یک درصدیها و نود و نه در صدها است. جواب چیست؟ ببینید هفت تپه چه میگوید: اداره شورائی. هفت تپه میگوید اول سرمایه داری خصوصی را قبول نداریم. ثانیاً دولت هم که کارخانه را میگیرد ما اداره میکنیم. هفت تپه میگوید جوابش را ما کارگران داریم؛ شما که نشان دادید نمیتوانید.

هیچکسی در ایران منتظر نیست که مطالباتش را بدهند. این را مطمئن باشید. با این حال مردم مطالباتشان را فریاد میزنند. برای اینکه میخواهند آنقدر حکومت را تحت فشار بگذارند تا گوش را گم کند. جنبش مطالباتی نیست به این معنی که رفرمی در کار نیست. تمام شد. دوخردادی ورژن چپش و راستش و دولتی اش و اپوزیسیون اش تمام شد. کسی دنبال رفرمی نیست. چون مردم میدانند امکان پذیر نیست. کسی دنبال سازشی نیست. بخشهای مختلف مردم خواستهای مشخصشان را مطرح میکنند ولی همه دست اندر کار چالش وضعیت عمومی جامعه هستند. مشغولچالش سیاسی دولت و چالش حکومت یک درصدیها هستند. این تحول دارد اتفاق میافتد. و پرچمدار این تحول طبقه کارگر است و فقط میتوانست طبقه کارگر باشد.

این به نظر من روح دوره حاضر است. اما فاز بعدی چیست؟ فکر میکنید به کجا میرویم؟ ریشه های

فاز بعدی را باید در همین فاز جستجو کرد همانطور که ما ریشه های شرایط حاضر را قبل از دیماه، در دو پلنوم قبل، بازشناختیم و مطرح کردیم. گفتیم جامعه به چپ میچرخد. گفتیم جنبش کارگری سر بلند میکند. گفتیم همین گفتمان علیه دره بین فقر و ثروت مسلط میشود و همینطور شد. فکر میکنید بعد از این چه میشود؟ ریشه هایش همین امروز عیان است و من از پلنوم گذشته بر آن تاکید کردم.

بمیدان آمدن طبقه کارگری به چندین معنا یعنی بمیدان آمدن کمونیسم. و کمونیسم اخص در ایران یعنی حزب کمونیست کارگری ایران. فاز بعدی به نظر من فاز تحزب پیدا کردن و پرچم سیاسی پیدا کردن و نماینده سیاسی پیدا کردن این جنبش عظیم در صحنه مبارزه بر سر قدرت سیاسی است. و این قبائی است که بر تن ما دوخته اند. کسی بما این را هدیه نداده است. کسی از بالا این را به ما اعطا نکرده است. این صرفا یک ادعا هم نیست. ما چهار دهه است داریم مبارزه میکنیم و نتیجه اش را داریم امروز می بینیم. امروز حزب و طبقه کارگر در خیابانها و در سطح کارخانه ها همدیگر را ملاقات کرده اند. شعاری که ما دادیم و جنگیکه ما کردیم و آن گرایشی که ما در جامعه و در جنبش کارگری نمایندگی کردیم، آن پرچم شوراهائی که ما بلند کردیم، آن بحث تعیین بخشی و چهره دادن به رهبران کارگری که ما مبتکرش بودیم، تاکید بر اینکه خانواده های کارگران باید در مبارزه شرکت کنند، تاکید بر اینکه طبقه کارگر یک طبقه اجتماعی است و باید در سیاست سر بلند کند و جواب مسائل مردم را بدهد و باید از چهارچوب کارخانه فراتر برود و زنان و جوانان و دانشجویان را ببیند و خطاب قرار بدهد، اینکه حل مساله سایر اقشار مردم هم در دست طبقه کارگر است، لیبرالی نداریم، دمکراتی نداریم، رفرمیستی نداریم، هر چه هست سوسیالیسم است، یک میلیتر بهبود در گرو سوسیالیسم است، و غیره و غیره. همه این تلاشها امروز به محصول نشسته است. در هفت تپه و در

طبقه کارگر و کمونیسیم...

فولاد اهواز و در کل جنبش کارگری. آن بستر، آن زیر بنا، آن گفتن، آن فضائی که شرایط امروز را ساخته شده کار چپی هست که با حزب کمونیست کارگری نمایندگی میشود. اگر حزب نمیبود این اتفاقات نمی افتاد. نه فقط در تاثیرگذاری سیاسی-اجتماعی این فعالیتها که يك بخش مهم آنست - فضا و گفتن درست کردن و آینده را تصویر کردن و جهت دادن و افق دادن و غیره - بلکه در سطح میدانی، آکسیونی و روی زمین این حزب دست اندرکار است. در ایجاد این شرایط حزب به نحو موثری دخیل بوده است. فاز بعدی چیست؟ فاز بعدی سر بلند کردن حزب است بعنوان نماینده جنبشی که مهر خودش را به همه جا زده است. حزب و طبقه در هم تنیده شده. کسی نمیتواند تاریخ حزب را از تاریخ جنبش کارگری جدا کند. و دیگر نمیتواند سیر و روند جنبش کارگری را از روند انقلاب ایران جدا کنید. اینها هم در هم تنیده شده اند.

خیلی طبیعی بود و از قبل هم میشد تحلیلها فهمید که روند تحولات زیروروکننده جامعه با يك جنبش عمومی شروع میشود، مردمی در بخشهای مختلف جامعه، کارگران غیر کارگران، زنان، جوانان، اقلیتهای منسوب به اقوام و مذاهب و ملیتها، طرفداران محیط زیست، مالباختگان، مدافعین حقوق کودک، خانواده های اعدامیان و خانواده های زندانیان سیاسی و غیره و غیره اینها بلند میشوند و وضعیت موجود را بچالش میکشند و آن طبقه ای که بطور واقعی میتوان این وضعیت را زیر و رو کند، آن طبقه ای که دست به ریشه میبرد بخاطر موقعیت اقتصادی و عینی اش در جامعه،

آن طبقه در این شرایط سر بلند خواهد کرد. و سر بلند کردن این طبقه بنوبه خود حاصل و نتیجه و محصول جنگی است که برای چندین دهه حزبی مثل حزب ما در جامعه به پیش میبرد. این را هر ناظر بیطرفی امروز می بیند. مثل پرینترهای سه بعدی که طرح يك جسم را به پرینتر میدهند و بعد ان جسم کم کم شکل میگیرد و ساخته میشود ما هم طرحتی داشتیم از انقلاب، از معنی انقلاب و مکانیسمهای انقلاب، از سلبی بودن انقلاب، از نقش طبقه کارگر در انقلاب، از طبقه کارگر بعنوان طبقه اجتماعی و از جنبش کارگری بعنوان جنبشی که باید جامعه را آزاد کند، از وضعیت بورژوازی امروز که بی جواب است، که درمانده است، در آمریکا و انگلیس و فرانسه تا چه برسد در ایران. بورژوازی جوابی برای هیچ مساله ای ندارد. جواب این تبعیض و شکاف عمیق و فاحش طبقاتی که در دنیا بیداد میکند در دست ما کمونیستهاست. ما این طرح را داشتیم، این افق و این آرزو را داشتیم، این هدف استراتژیک را داشتیم، و این مجسمه دارد در برابر چشمان ما ساخته میشود. آن انقلابی که ما میخواستیم و با آن جهت گیری و هدفی که برایش می جنگیدیم دارد شکل میگیرد. دارد اتفاق می افتد و اتفاق بعدی میتواند و باید سر بلند کردن حزب کمونیست کارگری باشد. بعنوان آن نیروی سیاسی برحق و شایسته ای که این شرایط را شکل داد. من در جشن سالگرد حزب گفتم ما خشت روی خشت گذاشتیم. بله، انقلاب يك امر عینی است. بالاخره تضادها و کشمکشهای واقعی طبقاتی انقلابها را ایجاد میکنند ولی اینطور نیست که انقلاب الهام

نمیداشتیم. اگر انقلابی هم شکل می گرفت کس دیگری میزد و میبرد. میخواهم بگویم تا به این درجه حزب و تحولات جاری به هم تنیده شده است.

آیا پیشروی ما در دور تازه امری خودبخودی است؟ مسلما نه. همانطور که این شرایط امروز خودبخود پیش نیامده است. ما نزدیک چهار دهه است برای این شرایط میجنگیم. این جنگ فقط شدید تر خواهد شد. وسیع تر خواهد شد. حیاتی تر و تعیین کننده تر خواهد شد. و این جنگ سرنوشت ساز همه ما را بمیدان می طلبد. چه کسانی که به سن من رسیده اند و چه جوانانی که با ما هستند. ما باید دوباره کمر بندها را سفت کنیم و بلند بشویم. این دوره، ما و حزب مارا بمیدان فرامیخواند. موقعیت خودمان را باور کنیم. من در پلنوم گذشته گفتم که شباهت این دوره به دوره انقلاب ۵۷ این است که این انقلاب هنوز رهبر ندارد و ۵۷ هم، نداشت. ولی يك فرق اساسی این است که ۵۷، کسند وجود خارجی نداشت. نمیتوانست انتخاب بشود. در این انقلاب وجود دارد و میتواند انتخاب بشود. این يك فرق مهم است. در مصر نمیتوانستید تصور کنید انقلاب چطور میتواندست پیروز بشود. کدام حزب بود که آن حرکت التحریر را نمایندگی کند؟ چنین حزبی وجود خارجی نداشت. امروز کدام حزب است که هفت تپه را نمایندگی میکند؟ این حزب وجود دارد. و این يك فرق اساسی

است. حزب میتواند از طرف کارگران وتوده مردم انتخاب بشود. این امر مقابل ما است و ما باید برای این امر بجنگیم.

مطمئن باشید این انقلاب تحولات زیر و رو کننده بیشتری در پیش خواهد داشت، افت و خیزهای بیشتری خواهد داشت، حتی ممکن است دوران افول و عروج دیگری داشته باشد ولی يك چیز مسلم است در تمام این تحولات و افت و خیزها، حزبی باید راه نشان بدهد. موش کور انقلاب را باید چشمش را باز کرد، خودبخود بجای نمیبرد. ولی همین موش کور انقلاب تا حالا کاری کرده است که طبقه قم طرفدار کارگر شده. شاهد تحولات بیشتری از این دست خواهیم بود. نگران نباشید. فکر نکنید طبقه ها میتوانند سوار انقلاب بشوند. و یا راستها و سلطنت طلبها قرارتست میداندار بشوند. قابل انتظار است که در دوره انقلاب همه برای کارگران کف بزنند. الان از رادیو فردا و بی بی سی و غیره و غیره شروع کرده اند به گزارش کردن و منعکس کردن اخبار هفت تپه. این طبیعی است. و هر چه اینطور باشد بهتر. یعنی ما پرچم و میخ گفتن خودمان را کوبیده ایم. حتی در آیت الله بی بی سی. این اتفاق است که ما باید به استقبالش برویم با تمام توان و قدرتمیتوانیم و باید به آن جواب بدهیم. این بار انقلاب ایران پیروز میشود آزادی و برابری سوسیالیسم را متحقق میکند. ما این راتعهد میکنیم و تضمین میدهم.



کارگران در هفته ای که گذشت

شهلا دانشفر

آزادی اسماعیل بخشی یک پیروزی مهم برای همه

روز ۲۱ آذر اسماعیل بخشی از نمایندگان محبوب کارگران نیشکر هفت تپه بعد از ۲۵ روز بازداشت، آزاد شد. این موفقیت را به کارگران نیشکر هفت تپه و به همگان تبریک می‌گویم. آزادی اسماعیل بخشی نتیجه کارزاری قدرتمند بود که در ایران و در سطح جهان ابعادی بیسابقه داشت. کارزاری که از هفت تپه فراتر رفت و گفتمان‌هایش، گفتمان دفاع از آزادی و برابری و علیه بساط چپاول و دزد سالاری حاکم بود. کارزاری که توانست اعتراض بخش‌های مختلف جامعه را به هم پیوند دهد و از جمله دانشگاه‌ها را با شعارهای ما همه هفت تپه هستیم، ما همه بخشی هستیم به حرکت در آورد. حول اعتراضات قدرتمند کارگران نیشکر هفت تپه و آزادی اسماعیل بخشی و دیگر بازداشت شدگان آن شبکه‌های وسیعی از همبستگی شکل گرفت که امروز یک دستاورد بزرگ ماست و باید حفظ‌شان کرد.

بویژه ایستادن کارگران گروه ملی فولاد اهواز در کنار نیشکر هفت تپه و مارش هر روزه قدرتمند این کارگران در خیابانهای اهواز و فریاد خواستهایی که موضوع اعتراض کارگران هفت تپه و کل کارگران است، توانست این دو مرکز کارگری را به قدرتی بزرگ در جنبش کارگری تبدیل کند. مبارزات با شکوه این دو مرکز بزرگ کارگری با به تحرک در آوردن نه تنها شوش و اهواز بلکه همانطور که اشاره کردم فضای اعتراض و همبستگی در میان بخش‌های مختلف کارگری و کل جامعه را شکل داد. و این چنین است که این اتفاقات به نقطه عطف جدیدی در مبارزات کارگران و کل جامعه تبدیل شده است. از همین روست که در روز ۲۱ آذر ماه نه تنها اسماعیل بخشی آزاد شد، بلکه مثمیر آل مهدی در دومین روز بازداشتش آزاد شد و در واقع در یک روز شاهد دو پیروزی بزرگ بودیم. با قدرت این همبستگی‌ها

میتوانیم علی‌نجاتی یکی دیگر از چهره‌های سرشناس کارگری در نیشکر هفت تپه و سپیده قلیان و عسل محمدی دو دانشجویی که به جرم تهیه گزارش و خبر از اعتراضات کارگران هفت تپه بازداشت شده‌اند را نیز آزاد کرد.

واقعیت اینست که امروز نیشکر هفت تپه به یک سنگر مهم جنبش اعتراضی کارگری تبدیل شده و با پیشرویهایش اعتراضات کل جامعه را گامی مهم به جلو برده است. سنگری که بر فرازش پرچم شوراهای کارگری برافراشته شده است و آزادی اسماعیل بخشی یک پیروزی بزرگ برای این کارگران و همه مردم است. این پیروزی را باید در هفت تپه و شوش و در تک‌تک دانشگاه‌ها که در حمایت از مبارزات کارگران هفت تپه و گروه ملی به پا خاستند و در همه جا جشن گرفت، همچنین حمایت‌ها و همبستگی‌ها با کارگران نیشکر هفت تپه باید تداوم داشته باشد، تا اجازه ندهیم که حکومت با تعرضی دیگر این کارگران را مورد تعرض قرار دهد و از پس انتقامجویی از این کارگران برخیزد.

رمز مهم پیروزی کارگران نیشکر هفت تپه اتحاد آنها حول تشکل شورایی‌شان است. اتکا آنها به مجمع عمومی کارگران و تصمیم‌گیری‌های جمعی‌شان است. به میدان آمدن خانواده‌های کارگران و حمایت همه بخش‌های جامعه از مبارزات آنانست و اسماعیل بخشی یک رهبر توانای سازماندهی چنین اعتراضی در چنین ابعادی عظیم است. اینها همه دستاوردهای کارگران نیشکر هفت تپه است که به مبارزات آنان قدرت بخشید. این دستاوردها راهکارهای کلیدی برای برداشتن گام‌های بعدی و تداوم اعتراضات کارگران نیشکر هفت تپه تا رسیدن به خواستهای اعلام شده‌شان است. این دستاوردها را باید ارج گذاشت و در همه جا آنها را تکثیر کرد.

نکته آخر اینکه شبکه همبستگی‌ای که امروز حول اعتراضات کارگران نیشکر هفت تپه و گروه ملی فولاد اهواز شکل

گرفته است را باید با تمام قدرت پاسداری کرد. این شبکه ایست که باید و میتواند در هر کجا که اعتراضی صورت می‌گیرد و نیز در برابر تعرضات حکومتیان با قدرتی به مراتب بیشتر به میدان بیاید و اعتراضات بخش‌های مختلف جامعه را مثل زنجیر به هم متصل نگاه دارد. زنده باد همبستگی مبارزات کارگران و نود و نه درصدی‌ها.

معلمان زندانی آزاد باید گردند

حمید رضا رمضانزاده و امید شاه محمدی از بیست و دوم آبان‌ماه تا کنون در بازداشت بسر می‌برند. این معلمان در جریان آخرین اعتصاب سراسری و تحصن دو روزه معلمان در دفاتر مدارس برای پیگیری خواستهایشان بازداشت شده‌اند. علاوه بر سه نفر از بازداشت‌شدگان ۲۲ آبان‌ماه از قبل نیز اسماعیل عبدی، محمود بهشتی، محمد حبیبی و روح‌الله مردانی در بازداشت بسر می‌برند. آزادی معلمان زندانی در راس خواستهای معلمان قرار دارد. یک موضوع مهم اعتراض معلمان به امنیت کردن مبارزاتشان است. معلمان خواستار آزادی فوری تمامی همکاران بازداشتی خود هستند.

معلمان به زندگی زیر خط فقر، به تبعیض‌ها و نابرابری‌ها، به کالایی شدن آموزش و پرورش و کیفیت پایین آن اعتراض دارند. معلمان در مبارزاتشان، پرچم خواست تحصیل رایگان برای همه را بلند کردند و مهر آنرا در راس مبارزات کل جامعه کوبیدند. معلمان خواستار افزایش حقوقها به بالای خط فقر ۶ میلیونی، درمان رایگان، لغو مدارس خصوصی، لغو طرح برده وار معلم تمام وقت و پایان دادن به کالایی شدن آموزش شده‌اند.

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان طی بیانیه‌ای در هفتم آذر ماه اولتیماتوم داده بود که چنانچه ظرف یک هفته معلمان بازداشتی آزاد نشوند و به

خواستهایشان پاسخی داده نشود، حق خود میدانند که به خانواده‌های دانش آموزان و به همه مردم فراخوان دهند که در اعتراض به این وضعیت دست به تجمع اعتراضی بزنند. چرا که خواستهای آنها خواستهای کل جامعه است. متعاقب این بیانیه در سر رسید ضرب‌العجل تعیین شده خود طی بیانیه دیگر اعلام کرده است که طی روزهای آینده چگونگی کنش‌های اعتراضی خود را به اطلاع معلمان، دانش آموزان و خانواده‌های آنها و همه‌ی مردم خواهد رساند. این چنین است که شورای هماهنگی تشکلهای صنفی معلمان به تدارک اعتراضات گسترده تری برای پیگیری خواستهای معلمان و برای آزادی معلمان زندانی می‌رود.

محکومیت کارگران پتروشیمی ایلام به احکام وحشیانه زندان و شلاق

جنبش اعتراضی کارگری با قدرت جلو می‌رود و جمهوری اسلامی زبونانه به ابزار سرکوش دست می‌برد، تا بلکه ذره‌ای از فشار این اعتراضات بکاهد. در همین راستا در پانزدهم آذر ماه جانیان اسلامی در دادگاه شماره ۱۰۴ کیفری ایلام ۱۵ نفر از کارگران پتروشیمی ایلام که در اعتراض به اخراج همکارانشان در اردیبهشت ماه در برابر دفتر این شرکت دست به اعتراض زده بودند با به احکام ۶ سال حبس و ۷۴ ضربه شلاق محکوم کرده است. این حکم با موجی از اعتراض در میان این کارگران و بخش‌های مختلف کارگری روبرو شده است.

قضات جنایتکار حکومت اسلامی با محکوم کردن کارگران پتروشیمی ایلام به چنین احکام شنیعی می‌خواهند به مردم میلیونی ایران چنگ و دندان نشان دهند. این گستاخی حکومت را نباید بی پاسخ گذاشت. نه تنها باید این احکام تماما لغو شوند، نه تنها باید به امنیت کردن مبارزات و محکوم کردن کارگران و مردم معترض با اتهاماتی تحت



عناوینی چون "اقدام علیه امنیت ملی" فوراً خاتمه داده شود، بلکه باید شلاق این شکل قرون وسطایی مجازات اسلامی نیز لغو شود. جمهوری اسلامی با قوانین جزایی اسلامی و کل بساط سرکوب و جنایتش باید گوش را کم کند.

پوشیدن کفن سنت اعتراض کارگری نیست

کارگران گروه ملی فولاد اهواز در این هفته در اعتراضات قدرتمندشان و از خشم اینکه پاسخی به آنها داده نمی‌شود، متوسل به شکلی از اعتراض شدند که قابل تعمق است. در این اعتراضات کارگران معترضی را دیدیم که کفن بر تن کردند تا بگویند جان بر کف هستند و از خواستهایشان کوتاه نمی‌آیند. و این سنتی از بیان اعتراض است که اساساً ریشه اسلامی دارد و بطور طبیعی رنگ دینی مذهبی به مبارزه می‌زند. این شکل از اعتراض حقیقتاً با مبارزه کارگری که علیه کل این بساط چپاول و دزدی به پا خاسته و یک پایه اصلی سرمایه داری حاکم توسل به صنعت مذهب برای تشدید استثمار و تبعیض و نابرابری در کل جامعه است، خوانایی ندارد. دست بردن به چنین سنتهایی میتواند درجه‌ای باشد برای جلو آمدن نیروهای راست حکومتی تا از این راه اعتراض را در چهارچوب نظام حاکم و قوانین اسلامی اش خفه کنند. از جمله نمونه‌های آنرا بسیار دیده‌ایم. یک مثال بارز سر دادن شعار الله اکبر در اعتراضات و جلوه مذهبی بخشیدن به مبارزات است. و الله اکبر همان شعاری که جمهوری اسلامی با آن تعرضش را به جامعه آغاز کرد و پایه‌های حکومتش را بنا کرد. بعلاوه کفن پوشی نمیتواند به سنت اعتراض اجتماعی همه مردم تبدیل شود و بخش عظیمی از

هفت تپه و صحنه سیاسی... از صفحه ۱

کارگران در هفته ای که ...

از صفحه ۵



جلو آمده است چگونه باید گامهای بعدی را بردارد و به پیش رود. جنبش کارگری با چه مضمون و مسیری میتواند پیش رود و سراسری عمل کند؟ جنبش شورایی چگونه میتواند پیشتر برود؟ برابری طلبی سوسیالیستی چگونه میتواند متعین تر و همه گیرتر شود؟ اعتصاب عمومی چگونه میتواند بطور واقعی عمومی شود؟ تشکل کارگری چگونه میتواند سراسری شود؟ و امثال اینها. هرچه در این زمینه روشن تر باشیم این جنبش نیز سنجیده تر عمل خواهد کرد و به پیش خواهد رفت. اما هر جور شده به پیش خواهد رفت. این واقعیت زیبای صحنه سیاسی در ایران امروز است که باید آنرا دید و با آمادگی به پیشواز آن رفت.

فولاد اهواز میتواند پایان یابد یا ادامه پیدا کند. اسماعیل بخشی و دیگر رهبران کارگری را ممکن است بازم زیر فشار و تعرض قرار دهند. اما گفتمان؛ شورا، حق تشکل، اعتصاب عمومی، برابری طلبی اجتماعی، جایگاه حیاتی کارگر، انسان دوستی، اعتراض به مفتخوری بالایی ها و سرمایه داران، و همه اینها این روزها آنچنان با نیشکر هفت تپه و اسماعیل بخشی گره خورد و تنیده شد که دیگر آنها را نمیشود از هم جدا کرد. این یک واقعیت انکارناپذیر و یک تحول تاریخی است.

بدون تردید امروز در اتاقهای فکر دولتها و احزاب بزرگ مدافع سرمایه، بحثها اینست که این غول عظیم کارگر و چپ را که با گامهای سنگینی به حرکت در آمده است چگونه میشود مهار و کنترل کرد و مسیرش را عوض نمود. ما چپها و کارگران نیز باید به چگونگی برداشتن گامهای بعدی فکر کنیم. به این پاسخ دهیم که این موجود زیبایی که با گامهای استوار خویش بسیار

کاظم نیکخواه

چپست و چه کیفیتی دارد اینجا مورد بحث من نیست. شاید کلا این جنبه اصلا اهمیت زیادی هم نداشته باشد. آنچه مهم و جالب و قابل توجه است بنظر من علت وجودی و نفس وجود همین فضا و گفتمان و ولوله و بحث و جدلهایی است که بیش از هر چیز دارد از یک واقعیت بسیار عظیم و مهم و شورانگیز خبر میدهد. و آن جلو آمدن غیر قابل انکار طبقه کارگر و چپ در صحنه سیاسی جامعه است. این آن واقعیت شورانگیزی است که ما سالهاست آنرا پیش بینی کرده ایم. در آرزوی آن بوده ایم. برای آن نقشه و برنامه تعریف کرده ایم. یک سال پیش از عروج آن خبر دادیم. و امروز همه کس دارد بوضوح میگوید جلوی چشم ما ظاهر شده است.

کاری که این روزها اعتصاب کارگران نیشکر هفت تپه و فولاد اهواز و اسماعیل بخشی کردند را نه جمهوری اسلامی نه هیچ کس دیگری نمیتواند با هیچ ترفندی پس بگیرد یا به عقب برگرداند. اعتصاب نیشکر هفت تپه و

روز ۲۰ آذر جمعی از جوانان فارغ التحصیل در تهران در اعتراض به بیکاری مقابل مجلس اسلامی تجمع کردند. آنان خطاب به نوبخت، رییس سازمان برنامه و بودجه دولت روحانی شعار می دادند: "نوبخت بیا پایین"، "ما تا جواب نگیریم از این محل نمی ریم". در فسنجان نیز جمع بزرگی از جوانان بیکار در مقابل درب ورودی کارخانه مس سرچشمه جمع شدند و خواستار استخدام به کار شدند. این خبرها حاکی از جلو آمدن جنبش علیه بیکاری است. این اعتراضات میتواند الگویی برای به میدان آمدن نیروی میلیونی بیکار در تمام شهرها علیه بیکاری با فریاد یا کار یا بیمه بیکاری باشد. نکته هشدار دهنده در این اعتراضات و در نمونه ای چون فسنجان، منحرف کردن مبارزه کارگر بیکار به اعتراض به استخدام کارگر بومی و غیر بومی است. با این کار میکوشند نوك تیز حمله کارگر بیکار را از حکومتی که خود عامل و بانی چنین ابعادی از بیکاری و بی تامینی در جامعه است، منحرف کنند و مردمی را که خود قربانی کل بساط سرمایه داری وحشی حاکمند مقابل هم قرار دهند. باید اعلام کرد که حکومت در مقابل زندگی و معاش مردم مسئول است و با شعار یا کار یا بیمه بیکاری در مقابل چنین تفرقه افکنی هایی ایستاد. تجمع فارغ التحصیلان بیکار در تهران علیه بیکاری که مستقیما دولت را مورد خطاب خود قرار دادند يك الگو برای همه کارگران بیکار در سراسر ایران است.

پاسخ بیکاری میلیونی در جامعه و افزایش هر روزه شمار آن، جنبشی سراسری علیه بیکاری است. در این جنبش، بطور واقعی جوانان و خصوصا زنان جوان نیروی اصلی اش را تشکیل میدهند. تجمع فارغ التحصیل بیکار در دانشگاه، نشانه ای از به تحرك در آمدن این نیروی بزرگ اجتماعی است. این جنبش را باید و میتوان در تمام شهرها گسترش داد.

مردم را با خود همراه نخواهد کرد. چنین سنت هایی در عین حال میتواند در صفوف مبارزه کارگران تفرقه و انشقاق ایجاد کند و دستاویزی برای عقب زدن سنت های مدرن مبارزاتی گردد.

قابل ذکر اینجاست که مبارزات گروه ملی خود یکی از نمونه های درخشان و مدرن مبارزات کارگری است. از جمله در اعتراضات این کارگران شاهد نمونه های شورانگیزی از اعتراض و همبستگی مبارزاتی را شاهد بودیم. یک نمونه زیبا و مدرن از اعتراضات این کارگران، تقدیم گل از سوی کریم سیاحی یکی از نمایندگان کارگران گروه ملی به دانشجویان در سراسر کشور در پاسخ به همبستگی های شورانگیز آنان بود که با شعار کارگر، دانشجو، اتحاد، اتحاد تجمع بزرگ کارگران همراه شد. ضمن اینکه اعتصابات متحدانه و قدرتمند این کارگران، مارش عظیم آنها در خیابانهای اهواز، جمع شدن در مقابل مراکز مختلف دولتی و سر دادن شعارهایی اعتراضی در مقابل هر کدام از این مراکز علیه کل بساط توحش و بردگی حاکم، همبستگی شورانگیز این کارگران با کارگران هفت تپه، به میدان آمدن خانواده ها در اعتراضات آنها و حضور چشمگیر زنان در صف تظاهرات خیابانی آنان نمونه های درخشانی از اشکال مبارزاتی کارگران گروه فولاد اهواز است که مکان قدرتمندی به مبارزات آنان در جنبش کارگری و کل جامعه داده است. اتخاذ چنین اشکالی از مبارزه است که این کارگران را چنین متحد و قدرتمند کنار هم قرار داده و به الگویی برای کل جامعه کارگری و کل جامعه تبدیل شده است. خوشحالم که در اعتراض روز ۲۲ آذر ماه این کارگران کفن را از تن بیرون آوردند و آنرا به دزدان حکومتی تقدیم کردند. کفن لیاقت این دزدان است.

جنبش علیه بیکاری دارد به میدان می آید

مشخصات و ساعات پخش تلویزیون کانال جدید

تلویزیون کانال جدید از شبکه "نگاه شما" در هاتبرد پخش میشود.

مشخصات "نگاه شما" به این شرح است:

فرکانس: ۱۱۲۰۰ پولاتریزیون: عمودی

سیگنال روت: ۲۷۵۰۰ FEC ۵/۶

تلویزیون کانال جدید در GLWIZ نیز قابل دریافت است. برای دریافت برنامه از طریق جی ال وایز به آدرس زیر مراجعه کنید:

Negah E Shom

<http://www.glwiz.com/>

زیر مجموعه برنامه های فارسی

این مشخصات را به دوستان و آشنایان اطلاع دهید.

تلفن تماس: ۰۰۱۳۱۰۸۵۶۹۸۹۷

ایمیل: nctv.tamas@gmail.com

جایگاه و دستاوردهای اعتصاب هفت تپه و اختلاف نظرات مصاحبه با حمید تقوایی



خلیل کیوان: در مورد اعتصاب هفت تپه عده ای معتقدند اعتصاب تمام شد و عده دیگری میگویند اعتصاب ادامه دارد. و این بحث کماکان ادامه دارد. نظر شما در این مورد چیست؟

حمید تقوایی: متأسفانه بعد از اینکه اعتصاب و اجتماعات کارگران هفت تپه با آن شدت و قدرتی که در گذشته داشت به پیش نرفت و این خبر منتشر شد که اعتصاب پایان یافته و یا موقتا پایان یافته، اختلاف نظرات زیادی در در میان فعالین و نیروهای چپ شکل گرفت. همانطور که گفتید عده ای نظرشان این بود که اعتصاب پایان یافته و عده ای معتقد بودند هنوز ادامه دارد ولی به نظر من در آن مقطع مساله در این سطح قابل جواب نبود. یعنی در شرایطی که اخبار ضد و نقیضی منتشر میشد این تصویر و ارزیابی سیاه و سفید که اعتصاب یا باید تماما پایان یافته باشد یا ادامه داشته باشد واقعیت را منعکس نمیکرد.

آنچه مسلم است اینست که از یازده آذر تفاوتی نسبت به دوره قبل در سیر اعتصاب مشاهده شد و آن تجمعات پرشور خیابانی فروکش کرد. به يك معنا این افت اعتصاب بود. از سوی دیگر مجمع نمایندگان شورای هفت تپه که این اعتصاب را رهبری میکرد بیانیه ای داد و از کارگران خواست که پیگیری خواستههایشان را به این مجمع محول کنند و به تجمعات پایان بدهند. طبیعی بود که عده ای این را به معنی پایان اعتصاب تلقی کنند. در عین حال عده ای از

کارگران از خواستههایشان دست نکشیده اند. کارگران خواستار آزادی بخشی بودند و همچنین بر دیگر خواستههای برحقشان پافشاری میکنند و بنابراین ختم اعتصاب به معنی پایان مبارزه و یا افت مبارزه و شکست مبارزه نیست. اعتصابات شروعی دارند و پایانی دارند. و این اتفاق بسیار طبیعی است که اعتصابی بدون رسیدن به همه خواستههایش پایان برسد. بنابراین این تلقی که پایان اعتصاب یعنی شکست اعتصاب، یعنی اعتصاب شکنی و غیره این پوچ است. همچنان که پافشاری بر اینکه هیچ اتفاقی نیفتاده و اعتصاب ادامه دارد و ادامه خواهد داشت و غیره این هم پوچ است. ما در برخورد به طرح سیاه و سفید اتمام یا ادامه اعتصاب موضع سومی داریم و فکر میکنیم این موضع واقع بینانه و درست است. این موضع که اعتصاب در یازده آذر که پایان آن اعلام شد نه کاملا تمام شده بود و نه همچنان ادامه داشت. ولی مبارزه کارگران هفت تپه به هیچوجه متوقف نشد و همچنان ادامه دارد و اعتصاب اخیر تنها يك آیزود و مرحله ای از يك مبارزه طولانی تر و مستمر تر است. همه کارگران هفت تپه پای مطالباتشان ایستاده اند و خواستههایشان را به اشکال مختلف دنبال خواهند کرد.

خلیل کیوان: در همین رابطه حزب دو اطلاعیه صادر کرد. در اطلاعیه اول همینطور که شما توضیح دادید اعلام کرد که اعتصاب موقتا پایان یافته. ولی بلافاصله روز بعد اطلاعیه ای منتشر کرد و از قول مجمع نمایندگان کارگران گفت بحث و رایزنی در مورد چگونگی پیشبرد مبارزه و اعتصاب ادامه دارد. در این رابطه چه نظری دارید؟ چرا دو اطلاعیه؟

حمید تقوایی: اطلاعیه اول بر اساس اطلاعاتمان در همان روز بود. و براین مبنا اعلام کردیم اعتصاب موقتا پایان یافته است.

ولی فکر میکنم حتی این هم دقیق نبود و در اطلاعیه دوم که مبتنی بر اطلاعات دقیق تر و بیشتری بود این را توضیح دادیم. موضع درست این بود که عده ای سر کار رفتند ولی اعتصاب و بحث و رایزنی بر سر چگونگی آن ادامه دارد. واقعیت هم این بود. و دیدیم که کارگران چند روز بعد با خواست آزادی بخشی باز دست به تجمع زدند. در خود مجمع نمایندگان هم بحث و رایزنی در این مورد که چه باید کرد ادامه داشت.

واقعیت اینست که دستگیری بخشی که نقش تعیین کننده ای در تصمیمگیری ها و ادامه اعتصاب داشت ضربه محکمی به شورای هفت تپه و مجمع نمایندگان بود. از طرف دیگر آیدای حکومت و افرادی که در هر حال ربطی به شورای هفت تپه نداشتند بعنوان بخشی از مجمع نمایندگان و یا جمعی از کارگران هفت تپه در مدیای اجتماعی و در کانالهای فعالین هفت تپه اخبار و نظرات ضد و نقیض زیادی منتشر کردند. و کل این شرایط به وضعیتی منجر شد که داریم می بینیم.

در هر حال اطلاعیه دوم را ما با اطلاعات بیشتری صادر کردیم و گفتیم که اطلاعیه اول بر اساس اطلاعات اولیه بوده است و بنا به اطلاعات تازه عده ای از کارگران به سر کار نرفته اند. این بحث هم مطرح شد که آیا تعداد کسانی که به سرکار برگشته اند بیشتر است و یا کسانی که نرفته اند. به نظر من این مقایسه عددی و کمی هم جایگاهی ندارد. مهم اینست که کارگران هفت تپه به همراه نمایندگانشان در تمام مدت اعتصاب بطور همسته و پیگیر بر خواستههای برحقشان پافشاری کردند و ما در اطلاعیه هایمان بر این انگشت گذاشتیم که مبارزه کارگران هفت تپه مستقل از اینکه در این فاز مبارزه چه اتفاقی بیفتد در هر حال ادامه دارد. به نظر من ۱۱ آذر که همانطور که گفتم نیروهای وابسته به رژیم به محل کار رفتند و شیپور شروع کار را زدند

بالاخره نقطه عطفی در روند اعتصاب کارگران هفت تپه بود. میشود گفت در روند افت و خیزها يك نقطه افت بود. ولی این نه به معنی پایان کامل اعتصاب بود و نه به این معنی که کارگران هفت تپه تسلیم شده اند و یا شکست خورده اند. اینطور نیست که حتی کارگرانی که سر کار رفتند به همه چیز رضایت داده اند و دست از خواستههایشان شسته اند، تسلیم شده اند، با روحیه شکست به سر کار بازگشته اند و غیره. بهیچ وجه اینطور نیست.

این را هم بگویم که در جوامعی مثل ایران اعتصاب شبیه کشورهای صنعتی و کشورهای غربی نیست که بالاخره کارگران حقوقی بدست آورده اند، حق تشکل و حق اعتصاب دارند، اتحادیه های بزرگ کارگری وجود دارند، قوانینی در مورد اعلام اعتصاب و ختم اعتصاب هست، اعتصاب رسماً آغاز میشود و اتحادیه با دولت کارفرما وارد مذاکره میشود و توافقاتی صورت میگیرد و يك روز هم ختم اعتصاب رسماً اعلام میشود. در جامعه ای نظیر ایران هیچ يك از این شرایط وجود ندارد و این اتفاقات نمی افتد. در جوامعی نظیر ایران همه اعتصابات بقول غربی ها "اعتصاب وحشی" هستند. همه اعتصابات غیر قانونی اند چون قانون حق تشکل و حق اعتصاب را به رسمیت نمی شناسد و اگر هم در قانون اشاره الکنی به اینها شده عملاً هیچوقت اجرا نمیشوند. بنابراین این کاملا ممکن است که پایان و حتی آغاز اعتصاب امری رسمی و اعلام شده و با تعیین يك روز و تاریخ معین نباشد. البته خیلی بهتر است که يك اعتصاب با تصمیم کارگران و با بیانیه و اعلامیه ای در مورد اعتصاب و نتایج و دستاوردهایش و خواستههای برآورد شده، و نشده، و اینکه کی و در چه صورتی اعتصاب را از سر میگیریم و غیره پایان پیدا کند تا اینکه به نوعی محو بشود و زوال پیدا کند. و در

جایگاه و دستاوردهای ...

نتیجه این نوع بحثها پیش بیاید. متأسفانه اعتصاب هفت تپه این شکل را پیدا کرد. اگر مجمع نمایندگان اطلاعیه ای میداد، ارزیابی و جمعیندی خودش از اعتصاب يك ماهه را بیان میکرد و مثلاً میگفت اعتصاب را پایان میدهم چون این خواستها را گرفته ایم و کماکان بدنبال خواستهای دیگرمان - نظیر آزادی بخشی - هستیم و اگر در مدت معینی این خواستها متحقق نشود به این یا آن شکل معین مبارزه مان را ادامه میدهم و غیره، این نوع ختم اعتصاب به وحدت و اتحاد کارگران کمک میکرد و انسجامشان را حفظ میکرد. این اتفاق نیفتاد و یکی از نتایج منفی اش این بود که بین نیروهای مختلف در خود جنبش کارگری و حتی در خود مجمع نمایندگان و در میان نیروهای چپی که مسائل کارگری را دنبال میکنند جدل و بحثهایی در گرفت که به آنها اشاره کردیم. در هر حال مهم اینست که مستقل از بحث ادامه یا عدم ادامه این اعتصاب معین مبارزه کارگران هفت تپه ادامه دارد و کاملاً ممکن است در آینده اعتصابات وسیع تر و قوی تری را در هفت تپه شاهد باشیم.

خلیل کیوان: در مورد اعلامیه های حزب صحبت کردیم اما مجدد میخوام به اعلامیه ها برگردم. بعد از انتشار اعلامیه حزب عده ای از نیروها و فعالین چپ حملات تندی را شروع کردند و گفتند این اعتصاب شکنی است. نظرتان در این مورد چیست؟

حمید تقوائی: این پوچ است. به نظر من این نوع حملات بهیچوجه موضعی که بشود حتی پنج دقیقه از آن دفاع کرد را نمایندگی نمیکند. اصولاً اعتصاب شکنی بوسیله يك نیروی سوم بی معنی است. هیچکسی نمیتواند اعتصاب کارگران هفت تپه را بشکند غیر از خود جمهوری اسلامی. و کسی که اعتصاب شکنی را منسوب میکند به تشکلهای و چهره های جنبش کارگری و یا نیروهای کمونیست و چپ مثل حزب ما، به

نظر من دانسته یا ندانسته آب به آسیاب حکومت میریزد. همانطور که گفتم با يك نقشه از پیشی و دسیسه پیچیده ای با همکاری مقامات محلی و مقامات سراسری وزارت کار و تشکلهای زرد کارگری و امام جمعه و غیره و کاظمی مدیر جدید سوت پایان اعتصاب را کشیدند. در این میان اطلاق اعتصاب شکن به نیروهای غیر از حکومت و ابیادی اش فقط میتواند به این دسیسه جمهوری اسلامی کمک کند. هر نیتی که داشته باشند معنی عملی کارشان اینست.

اعتصاب کارگران هفت تپه به هیچ حزب و نیروی سیاسی ای ربط نداشت. خود کارگران هفت تپه شورا و مجمع عمومی تشکیل دادند و رهبر لایقی به اسم اسماعیل بخشی داشتند و این اعتصاب را سازمان دادند و به پیش بردند. اتماش هم در خود هفت تپه اتفاق افتاد بدنبال دسیسه های جمهوری اسلامی و با بحثی که بر سر بازگشت به سر کار توانستند در میان کارگران دامن بزنند. به نظر من کسی در این حرکت اعتصاب شکن نبود و این برجسب اعتصاب شکنی فقط از این توهم ناشی میشود که گویا این اعتصاب قرار بوده همچنان تا پیروزی کامل به پیش برود. لابد بعد هم به يك قیام تبدیل شود و کل کارگران هفت تپه و کارگران ایران را آزاد کند. وقتی کسانی دیدند این سناریو و تصویر خیالی متحقق نشد و اعتصاب تمام شده و با بخشا تمام شده و یا در هر حال با آن قوت و شدتی که آنها در نظر داشتند به پیش نمیرود بدنبال این گشتند که يك مجرم پیدا کنند. مجرم کیست؟ کسانی که گفته اند اعتصاب تمام شده و حتی موقتاً تمام شده! همانطور که توضیح دادم این اتهامزنی نه به واقعیات ربطی دارد و نه به منافع جنبش کارگری. نیروئی که به اعتصاب کارگران هفت تپه ضربه زد و همانطور که گفتم نقطه افتری به آن تحمیل کرد جمهوری اسلامی و نیروهای وابسته به او است و بس.

خلیل کیوان: اتحادیه آزاد کارگران ایران هم اطلاعیه ای صادر

کرد و اعلام کرد که اعتصاب پایان یافته. بعد از آن شاهد بودیم که عده ای از نیروهای چپ و فعالین سیاسی این اتحادیه را آماج حملات خودشان قرار دادند و آن را هم اعتصاب شکن نامیدند. و کماکان این بحث ادامه دارد. آیا در این مورد نکته ای دارید؟

حمید تقوائی: این حمله هم کاملاً بی پایه است. همانطور که گفتم زدن انگ اعتصاب شکنی به هر کسی بجز ابیادی جمهوری اسلامی و تشکلهای زرد وابسته به او نشانه نهایت بی درایتی سیاسی و نشناختن واقعیات است. شاید نوعی تسویه حسابهای خرد و کوتاه بینانه هم در این میان نقش داشته باشد.

اتحادیه آزاد بر اساس بیانیه مجمع نمایندگان مبنی بر اینکه ادامه مبارزه را به ما واگذار کنید و از تجمع خودداری کنید و بقول خوشان ۴۸ ساعت بعد از دریافت این بیانیه خبر رسانی کردند و پایان اعتصاب را طی اطلاعیه ای اعلام کردند. اتحادیه این را گفت و بر آن پافشاری کرد و در نتیجه از جانب کسانی که گفتم اصلاً تصویر واقعی ای از اعتصاب و افت و خیزهای آن ندارند آماج حمله قرار گرفت. اتحادیه آزاد فقط اطلاع رسانی کرده بود اما کسانی که از پیام خوشحال نبودند شروع کردند به حمله به پیام رسان! به نظر من پاسخ این حمله ادامه گزارشدهی از روند تحولات هفت تپه بود. بعد از این اطلاع رسانی و وقتی معلوم شد عده ای از کارگران خواهان ادامه اعتصاب هستند، عده ای سر کار نرفته اند و تعدادی از نمایندگان هنوز دارند مشورت و رایزنی میکنند و اعلام کرده اند که مشغول بحث در این مورد هستیم، و بعد يك تجمع اعتراضی با خواست آزادی بخشی سازمان دادند، میشد تصویر واقعی تری از تحولات اعتصاب هفت تپه بدست داد. اینطور نبود که همه به سر کار برگشته اند به شکلی که مثلاً اعتصاب در کشورهای غربی تمام میشود. به نحوی که مثلاً، ت. ت در فرانسه و یا آ. گ. متال در آلمان

و یا تریدنیونیونهای انگلیس اعتصابی را تمام میکنند و بعد هم سر کار و زندگی عادی و متعارفشان در محل کار برمیگردند. این اتفاق نیفتاد و در کشوری مثل ایران که تشکلهای توده ای کارگری وجود ندارد تقریباً هیچوقت این اتفاق نمی افتد. بنابراین اعلام قاطع اعتصاب تمام شد و همچنان بر آن پافشاری کردن همه واقعیت را منعکس نمیکرد.

میباست این تصویر تکمیل میشد و گزارش میشد که بدنبال بیانیه مجمع نمایندگان بحث و رایزنی ادامه دارد و عده ای به تجمع و اعتصاب ادامه دادند.

اما مستقل از این نکات، در هر حال این نوع حمله ای که به اتحادیه آزاد میشود حمله ایست اساساً غیر سیاسی، غیراصولی و غیر مسئولانه که حسابگریهای خردی پشت آنست. اتهام اعتصاب شکنی زدن به اتحادیه آزاد که یکی از سازمانهای مهم و موثر و فعال جنبش کارگری هست برخوردی بغایت عقب مانده است که همانطور که گفتم خواه ناخواه آب به آسیاب رژیم میریزد.

خلیل کیوان: اعتصاب کارگران هفت تپه در جنبش کارگری و در فضای جامعه تاثیرات بسیار مهم و پایداری باقی گذاشته. آیا ختم اعتصاب تاثیری بر این جایگاه مهم اعتصاب و دستاوردها و نتایج آن خواهد داشت؟ در مورد سیر آتی مبارزه کارگران هفت تپه چه فکر میکنید؟

حمید تقوائی: به نظر من دستاوردها و پیشرویهای اعتصاب هفت تپه قابل بازپس گرفتن نیست. دستاوردهای این اعتصاب، شکل و شیوه مبارزه کارگران هفت تپه و سیر و روند آن در آینده هر چه باشد، محو نمی شود و بزیر سؤال نمی رود. تاثیرات مثبت این اعتصاب نه تنها در هفت تپه بلکه در جنبش کارگری و در کل جنبش انقلابی در ایران کاملاً محسوس و قابل مشاهده است. من اینجا به چند نکته در این رابطه اشاره میکنم.

اولین و شاید مهمترین نتیجه مطرح شدن شورا است بعنوان ارگان

اداره جامعه. کارگران هفت تپه در مورد خود شرکت نیشکر هفت تپه اداره شورائی را مطرح کردند ولی این شعار فراتر رفت. دانشجویان هم امروز همین را اعلام میکنند. خواست دانشجویان و مردم این نیست که فقط نیشکر هفت تپه شورائی اداره بشود بلکه بحث بر سر اداره شورائی جامعه است. به این معنی که امور باید در دست خود مردم باشد. اداره شورائی یعنی ما حکومت آقا بالا سر، حکومت هزار فامیل، حکومت بیت رهبری و آیت الله های میلیاردر و کلا دم و دستگاه جدا از مردم و بالای سر مردم را نمیخواهیم. یعنی ما مردم میتوانیم و باید امور را در دست بگیریم. چرا کارگران هفت تپه این را اعلام کردند؟ این از کتابها و از نظرات استخراج نشده است. تجربه عینی و واقعی کارگران در شرایط انقلابی شورا را مطرح میکنند. همانطور که در انقلاب اکتبر دیدیم. همانطور که در انقلاب ۵۷ دیدیم. در این تجربه ها از پیش صحبتی از شورا در میان نبود و با این حال در روند انقلاب شوراها وسیعاً شکل گرفتند.

امروز جامعه ایران متفاوت است. از ۵۷ تا امروز جنبش شورائی وجود داشته و حزب ما بخصوص پرچمدار این جنبش بوده و مدام بر اهمیت و نقش شورا و مجمع عمومی تاکید میکرده است. ولی اگر حتی این هم نمیبود شرایط انقلابی همانطور که در ۵۷ دیدیم و همانطور که در انقلاب اکتبر دیدیم شوراها در دستور جنبش کارگری و جامعه قرار میداد. چرا؟ چون توده مردم به این حقیقت پی میبرند که این کسانی که بالای سرشان به اسم مدیر و رئیس و کارفرما و وزیر و وکیل و غیره حکومت میکنند دیگر لیافت و توان اداره جامعه را ندارند. اینها يك مشت مفتخور فاسد هستند که از ثمره دسترنج آنها میخورند و میبهرند و جیبهایشان را پر میکنند اما در برابر کارگر میگویند نمیتوانیم، بودجه نداریم، ورشکست میشویم، نمیتوانیم حقوقهای عقب افتاده است را بدهیم و غیره. این وضعیت همیشه بوده است، ولی شرایط انقلاب این را عریان میکند که این

جایگاه و دستاوردهای ...

بالائی های مفتخور دیگر توان و لیافت حکومت کردن و ادره کارخانه و جامعه را ندارند. و بنابراین کارگر بلند میشود و میگوید خودم در دست میگیریم. اسماعیل بخشی بعنوان سخنگوی کارگران هفت تپه بارها اعلام کرد که مگر ما کارگران چه مشکلی داریم که نتوانیم شرکت را اداره کنیم. هر روز در محل کار هستیم، به تمام زیر و بم کار آگاهی، تولید در دست ماست، و میتوانیم اداره کارخانه را هم ما در دست بگیریم. و این ایده اداره شورائی در شرایط انقلابی عمومی میشود. در ۵۷ ما شاهد بودیم که شوراها فقط در کارخانه ها شکل نگرفت. جنبش کارگری راس جنبش شورائی بود و امروز هم اینطور است. در ۵۷ همه جا، در دانشگاه ها و در مدارس و در ادارات و حتی در ارتش شوراها تشکیل شده بود و همه از اداره امور بوسیله شوراها صحبت میکردند و همه آزادی را با شورا تداومی میکردند و تعریف میکردند و نه با پارلمان و مجلس و غیره. امروز هم این دارد اتفاق می افتد. با این تفاوت که در ۵۷ در ماههای آخر انقلاب و بعد از سقوط شاه شوراها همه گیر شد و امروز از همین اولین گامهای جنبش انقلابی شاهد طرح شوراها هستیم و مبارزه و اعتصاب هفت تپه تجسم ای حقیقت است. تجسم این واقعیت هست. به نظر من این بهیچوجه به هفت تپه محدود نخواهد ماند و گفتنمان و خواست اداره شورائی همه گیر خواهد شد. کارگران هفت تپه پیشتاز و پیشگام این حرکت هستند و این یکی از مهمترین دستاوردهای مبارزه و اعتصاب کارگران هفت تپه است.

یک دستاورد دیگر این مبارزه این بود که کارگران هفت تپه یک شهر را با خودشان به حرکت درآوردند. شهر شوش در حمایت از اعتصاب کارگران به حرکت درآمد و در میدان مبارزه، در خیابان در کنار کارگران قرار گرفت. مدارس تعطیل شد. حتی بازاریان در حمایت از اعتصاب کارگران دست از کار کشیدند. و این تحول مهمی در جامعه بود.

نکته بعد نقش خانواده های کارگران است. همسران کارگران به اعتصاب و تجمع خیابانی آنها پیوستند و در جلوی صف قرار گرفتند و سخنرانی های پرشور کردند. همچنین اعلام حمایت متقابل کارگران و دانشجویان را شاهد بودیم و همبستگی و اتحاد کارگران اعتصابی فولاد اهواز با کارگران نیشکر هفت تپه را. اینها همه دستاوردهای غیر قابل انکار مبارزات هفت تپه است مبارزات کارگران هفت تپه هر افت و خیزی پیدا کند این دستاوردها قابل پس گرفتن نیست و تاثیرات مثبتش را در ادامه مبارزات کارگران هفت تپه خواهیم دید و در ادامه مبارزات جنبش کارگری و کل مردم ایران.

در مورد سیر آتی مبارزات کارگران هفت تپه باید نه تنها به این دستاوردها، بلکه به مکان و جایگاه این مبارزات در جنبش کارگری و در کل جامعه توجه کرد. در روند اعتصاب کارگران هفت تپه موج حمایتی وسیعی از مبارزه آنان در ایران و در کشورهای غربی شکل گرفت. بخصوص دستگیری اسماعیل بخشی به مساله مهمی تبدیل شد که میتوانم بگویم صدها نهاد و چهره فعال در جنبش کارگری و در جنبشهای مختلف، معلمان و دانشستگان و دانشجویان و هنرمندان و نویسندگان و کلا فعالین اجتماعی در عرصه مبارزات مدنی و جنبشهای اجتماعی و غیره را بمیدان آورد. اینها علنا و صریحا و به اشکال مختلف خواستار آزادی بخشی شدند و از مبارزات هفت تپه حمایت کردند و بیانیه دادند، طومارهای حمایتی منتشر کردند و امضا جمع کردند، و به این ترتیب حرکت بزرگی شکل گرفت که دامنه اش به خارج کشور هم کشیده شد. میخوام بگویم جایگاه و اهمیت اعتصاب هفت تپه از خود هفت تپه بسیار فراتر رفت و حالتی سراسری پیدا کرد. این تاثیرات در خود هفت تپه هم منعکس میشود و به کارگران هفت تپه روحیه میدهد و امید میدهد و اعتماد به نفس میدهد.

مبارزه کارگران هفت تپه الان بر

متن مبارزات مردم ایران و بر متن حمایت جهانی از این اعتصاب معنی پیدا میکند و ازینجا نیرو میگیرد و بر این متکی است. به همین خاطر من فکر میکنم مبارزه کارگران هفت تپه همچنان ادامه پیدا خواهد کرد حتی اگر به شکل ادامه خطی این اعتصاب نباشد و به اشکال دیگری به پیش برود.

نکته اصلی آنست که مشکلات هفت تپه هنوز حل نشده است. مسائلی مثل عدم پرداخت تمام دستمزدهای معوقه و دزدی و فساد کارفرما و مدیریت و مخالفت کارگران با مافیای اقتصادی هنوز پا برجاست. اعتراض کارگران هفت تپه به خصوصی سازی به این خاطر نیست که کارگران از دولتی شدن دل خوشی دارند. بلکه میخواهند این دار و دسته فاسدی که به اسم بخش خصوصی آمده و بر هفت تپه چنگ انداخته است را از سر راه جارو کنند. کارگران اعلام کردند که حتی وقتی شرکت دولتی شد میخواهند اداره آترا خودشان در دست بگیرند.

پیگیری این خواستهای عاجل و برآورده نشده بر متن همبستگی و اتحادی که در حمایت از مبارزات و خواستهای آنان در جامعه شکل گرفته است به کارگران نیرو میدهد، آنان را در موقعیت تعرضی قرار میدهد و باعث میشود مبارزه هفت تپه ادامه پیدا کند.

خلیل کیوان: در مورد تاثیرات

اعتصاب کارگران هفت تپه نکاتی را گفتید. که من با شما موافقم. نکات بسیار دیگری هم هست. این اعتصاب میتواند موضوع سمینارها و کتابها و سخنرانی های متعددی باشد. یکی از مواردی که مایلم اینجا از شما سؤال کنم این هست: شما در سخنرانی اختتامیه پلنوم کمیته مرکزی حزب که هفته پیش برگزار شد به این نکته اشاره کردید که کارگران هفت تپه و همینطور فولاد اهواز پرچمدار اتحاد صفوف مردم شدند. کارگران فارس، لر، عرب، بختیاری و غیره در کنار هم مبارزه کردند و حتی اشاره کردید که سرود واحدی به چند زبان در حمایت و بزرگداشت مبارزه کارگران در مدیای اجتماعی منتشر

شد. و به ای معنا کارگران در مقابل تفرقه افکنی های ملی و قومی پرچم واحدی را بلند کردند. مایلم این را بیشتر توضیح بدهید.

حمید تقوایی: بله این هم نکته

مهمی است. من در سخنرانی پلنوم به این موضوع همبستگی کارگران اشاره کردم و این مهم است بخصوص وقتی می بینید نیروهای راست قومگرایی و ملی گرایی و شقه شقه کردن جامعه بعنوان یک کشور "کثیر الملله" را علم کرده اند. اینها مدعی اند ایران کشوری کثیر الملله است و آذری ها و کردها و بلوچها و عربها و لرها و غیره هر یک باید در استان و منطقه خود حکومت فدرالی خودشان را داشته باشند. گویا جامعه ایران جامعه ای است متشکل از هویت های قومی ملی مختلف و باید مناسبات بین آنها را تعریف و تنظیم کرد.

یک هدف و نتیجه این تقسیم بندیها تفرقه افکنی در صفوف کارگران است. به اسم حقوق اقلیتهای ملی حساب کارگران را از هم جدا میکنند. هفت تپه عملا نشان داد که جواب کارگر به این تمیهدات چیست. کارگران فارس و کرد و عرب و لر و بختیاری و غیره در کنار هم قرار گرفتند. هم در اهواز. میدانید که ناسیونالیستهای عرب مثل گروه الاحواز یک پای دیگر معادله هستند که در کمپ اپوزیسیون راست بر هویت عربی میکوبند.

جواب کارگر هفت تپه در سرودی منعکس است که با چند زبان و لهجه مختلف خواستهای واحد کارگران را فریاد میزند. کارگران در تمام دوره یک ماهه اعتصابشان در کنار یکدیگر بودند و هیچ بحث و هیچ اختلافی و هیچ برخوردی بین کارگران با زبانها و گویشهای مختلف را ما شاهد نبودیم. بلکه برعکس همه کارگران یکدل و یکپارچه در کنار هم ایستادند و بر خواستهای انسانی و یکسانشان تاکید کردند. و این هم یک ملل و الگوئی هست در برابر کل جامعه ایران. امروز که نیروهای راست چه در خود حکومت و چه در اپوزیسیون به انحای مختلف برهویت های ملی مذهبی و قومی و

بر تفاوتها تاکید میکنند، بر جدائی ها تاکید میکنند و گنگمانشان اینست که ما از اقوام و ملیتها و مذاهب مختلف هستیم، کارگر در مقابل این وضعیت عملا اعلام میکند عرب و لر و فارس و کرد درد و خواست مشترکی دارند و مردم ایران هم از این همبستگی نیرو و الهام میگیرند. من در پلنوم گفتم کارگران الگو بدست میدهند. این رهبری کردن با الگو دادن به جامعه است. کارگر عملا به جامعه این خط و این جهت را نشان میدهد که باید همه مردم ایران مستقل از هویت های ملی و مذهبی و قومی که به آنان منسوب شده در کنار هم بایستند بخاطر اینکه خواستهای انسانی فراگیر است و اساس اتحاد همین خواستهای جهانشمول و مشترک همه انسانهاست. آزادی، رفاه، عدالت، برابری و برخورداری از یک زندگی انسانی درخور شان انسان قرن بیست و یکم آرمان همه مردم است. شعارهای کارگران در هفت تپه و در همه جا علیه حقوقهای نجومی و فلاکت عمومی و علیه این بساط فساد و دزدی و چپاول و کیفر خواستی که با شعار "کشور ما دزدخونه است توی جهان نمونه است" علیه کل وضع موجود اعلام میکنند، اینکه اداره امور را خودمان در دست میگیریم، اینکه پرچم شوراها و اداره شورائی جامعه را بلند کرده اند، اینها خواستهای است که دیگر فارس و عرب و کرد و بلوچ و بختیاری و شیعه و سنی و این قوم و آن قوم نمی شناسد. اینها خواستهای همه مردم ایران است و امروز کارگران این اتحاد را نمایندگی میکنند. و این به نظر من یکی از دستاوردهای دیگر اعتصاب هفت تپه و همینطور فولاد اهواز هست.

خلیل کیوان: بعنوان آخرین

سؤال میخوام از شما بپرسم که مبارزه کارگران هفت تپه در چه اشکالی میتواند ادامه پیدا کند و چطور میتواند به پیش برود؟

حمید تقوایی: به نظر من رمز

پیشروی و پیروزی این مبارزه اینست که حمایت بخش هر چه وسیعتری از جامعه را جلب کند. تا کنون هم در همین جهت به پیش

جایگاه و دستاوردهای ...

اتحاد کارگران در این تلاطمها حفظ بشود.

این را هم اجازه بدهید بعنوان نکته آخر اضافه کنم. هدف حزب ما در قبال مبارزات جاری کارگران، مانند برخوردی که چندی قبل به مساله سندیکای شرکت واحد داشتیم، قبل از هر چیز اینست که اتحاد و همبستگی کارگران حول يك خط رادیکال و حق طلبانه حفظ بشود. وقتی میگویم کارگران منظورم هم توده کارگر است و هم چهره های جنبش کارگری و نهادها و فعالین جنبش کارگری. متأسفانه در مورد سندیکای شرکت واحد اغلب فعالین جنبش کارگری خوب عمل نکردند. ما آنجا بر تشکیل مجمع عمومی واقعی فراگیر کارگران تاکید کردیم و گفتیم از کشمکشها و اصطکاکهای فردی باید حذر کرد و خواست مشترکی را وسط گذاشت: خواست تشکیل مجمع عمومی واقعی برای احیای سندیکای واحد و انتخاب هیات رئیسه ای که مورد توافق همه بر رای مجمع عمومی واقعی کارگران متکی باشد.

امروز در مورد هفت تپه هم باید از این دو قطبی کاذب اعتصاب تمام شد یا نشد و کشمکشی که بر سر این درگرفته بیرون آمد و بر ادامه مبارزه و راههای واقعی پیشروی و پیروزی آن متمرکز شد. این مبارزه دستاوردهای زیادی دارد و یکی از این دستاوردها اتحاد است. اگر اجازه بدهیم که سر همین مساله به نظر من کاذب چگونگی ختم اعتصاب جل ادامه پیدا کند، این عملا توجه ها را از دستاوردها و راههای پیشروی بیشتر جنبش کارگری منحرف خواهد کرد و به نفع جمهوری اسلامی تمام خواهد شد. یکی از اهداف حکومت این است که می خواهد بین تشکلهای مختلف کارگری و چهره های فعالین

رفته است. این حمایتها باید بیشتر گسترش پیدا کنند. همانطور که گفتیم خواسته های کارگران هفت تپه صرفا خواست آنها نیست، خواست همه کارگران ایران است و در سطح عمومی تری خواست همه مردم ایران است. و این مبنای عینی جلب حمایت وسیع در جامعه است. از نظر شیوه مبارزه هم تشکیل شورا و مجمع نمایندگان شورا الگوئی هست که میتواند در جنبش کارگری فراگیر و همه گیر بشود و بعد تاثیراتش را در همه جامعه هم ببینیم. اینها به نظر من نه تنها مبارزات هفت تپه را تقویت میکند بلکه کل طبقه کارگر را در مبارزاتش يك گام بزرگ بجلو میبرد.

خوشبختانه اسماعیل بخشی آزاد شد. باید امیدوار باشیم که نجاتی و بقیه دستگیر شدگان هفت تپه هم آزاد بشوند. باید فشارها ادامه پیدا کند تا همه این عزیزان آزاد بشوند و این میتواند يك دور تازه ای را، این بار به معنی مثبت کلمه، در مبارزه کارگران هفت تپه آغاز کند. میثم آل مهدی هم آزاد شد و مبارزه کارگران فولاد هم با قدرت به پیش می رود. من فکر میکنم ما شاهد این خواهیم بود که مبارزات کارگری از این دو بخش اصلی فراتر خواهد رفت و بخشهای دیگر جنبش کارگری به این حرکت خواهند پیوست. چون واقعیت اینست که جمهوری اسلامی هیچ راه حل و افقی برای پاسخگویی به خواسته های مردم و حیاتی کارگران ندارد و در این شرایط بخشهای مختلف طبقه کارگر به این نتیجه میرسند که خودمان باید آستین بالا بزنیم و امور را خودمان در دست بگیریم. و به این ترتیب این حرکت سراسری و فراگیر میشود. البته در این میان وظیفه نیروهائی مثل حزب ما این هست که این روند را تقویت کنیم و بخصوص بکشیم که

این جنبش و همچنین نیروهای چپی که پشت این یا آن میروند اختلاف و کشمکش و جدل ایجاد کند. ما باید هشیار باشیم و از این احتراز کنیم. باید پرچم اتحاد و یکپارچگی کارگران را بلند کرد و نه فقط اتحاد کارگران هفت تپه بلکه همبستگی کل فعالین جنبش کارگری، نهادها و چهره های این جنبش با اسماعیل بخشی و با شورای هفت تپه و با مجمع نمایندگان و با مبارزات آنها، باید اصل را بر پیشرفت مبارزه بر سر خواسته های برحق کارگران گذاشت. باید این را دنبال کرد. خواسته های نظیر گرفتن دستمزدهای عقب افتاده تا مبارزه با فساد مدیران و دستگاه دولتی تا جلوگیری از خصوصی سازیها و اداره کارخانه بدست خود و بسیاری از خواسته های دیگر که هفت تپه و فولاد اهواز مطرح میکنند. اینها را باید محور گذاشت. اینها نقاط اشتراك همه کارگران و همه نهادها و چهره های جنبش کارگری است. این بحث پوچ تمام شد یا نشد - که امروز دیگر تماما متعلق به گذشته است - را باید کنار گذاشت. مبارزه ادامه دارد و من امیدوارم با آزادی بخشی این مبارزه ابعاد وسیعتری پیدا کند و با قدرت بیشتری به پیش برود. وظیفه ای که در این میان حزبی مثل حزب ما دارد بلند کردن پرچم اتحاد کارگران است در همه افت و خیزهای مبارزه و جلوگیری از اصطکاکها و کشمکشهایی که فقط میتواند به جمهوری اسلامی کمک کند و بس. در مساله مجمع عمومی و سندیکای شرکت واحد موضع ما این بود و در این مورد هم همین موضع را داریم. در تحولات جنبش کارگری ما تلاش خواهیم کرد که وحدت همه کارگران را حول يك خط رادیکال و حق طلبانه نمایندگی کنیم.

شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی

کمک مالی خود را میتوانید آنلاین از هر جای دنیا با مراجعه به سایت زیر (از طریق paypal) ارسال کنید. لطفا قید کنید که کمک ارسالی شما برای کانال جدید است:
http://www.countmein-iran.com

سوئد:

Sweden, Post Giro: 639 60 60-3
account holder: IKK

برای کمک مالی به کانال جدید در سوئد همچنین میتوانید با فواد روشن با شماره تلفن ۰۷۰۸۲۷۱۴۵۳ تماس بگیرید، تا با دادن شماره حساب خود اتوماتیک هر مقدار که مایل باشید از حساب شما برداشته شود.

آلمان:

Germany, Rosa Mai, Konto, Nr.: ۵۸۳۶۵۷۵۰۲
Bankleitzahl: 37010050, Post Bank
کانادا:

Scotiabank Canada, ICRC

Dixie Rd, Mississauga, L4W 2R1 ۴۹۰۰

Account #: 84392 00269 13

هلند:

Bank: RABOBANK, Darande hesab: FVIVN
Shomare hesab: 15 13 50 248
Adres: EINDHOVEN
IBAN No: NL74 RABO 0151 350 248

آمریکا:

Bank of America
277 G Street, Blaine, Wa 98230
phone # 1-360-332-5711, Masoud Azarnoush
Account number : 99 - 41581083
wire: ABA routing # 026009593
swift code : BOFAUS3N

شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس

و از هر کشور دیگر:

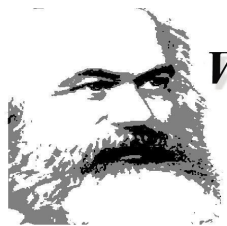
England, Account nr. 45477981
sort code: 60-24-23, account holder: WPI
, Bank: NatWest branch: Wood Green
۸۱ ۴۷۷۹ IBAN: GB77 NWBK 6024 2345
NWBK GB 2L BIC:

سوالی دارید میتوانید با شماره های زیر تماس بگیرید:

از اروپا: سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱
کانادا و آمریکا: فاتح بهرامی: ۰۰۱۴۱۶۷۲۹۷۲۵۷
مصطفی صابر: ۰۰۱۶۰۴۷۳۰۵۵۶۶
از ایران: عبدل کلپریان ۰۰۳۵۸۴۰۵۷۵۸۲۵۰

KANAL JADID
کانال جدید

فرکانس تلویزیون کانال جدید
ماهواره یاه ست
فرکانس : 11766
پولاریزاسیون : عمودی
سیمبل ریت : 27500
اف ای سی : 5/6



WE STILL NEED MARX
TO CHANGE THE WORLD

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-Communist Party of Iran
www.wpiran.org

اطلاعیه پایانی پلنوم ۴۹ کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران



بعنوان دفتر سیاسی انتخاب شدند: که عبارتند از: کیان آذر، فریده آرمان، محمد آسنگران، محسن ابراهیمی، مینا احدی، عبه اسدی، بهروز بهاری، سیامک بهاری، سیما بهاری، فاتح بهرامی، کیوان جاوید، علی جوادی، شهلا دانشفر، نسرين رضمانعلی، بهرام سروش، شیرین شمس، مصطفی صابر، حسن صالحی، جمیل فرزانه، اصغر کریمی، خلیل کیوان، عبدال گلپریان، شیوا محبوبی، نسان نودینیان و کاظم نیکخواه.



پلنوم در فضایی شاد و با همدلی عمیقی پس از دو روز با سخنرانی کوتاه اختتامیه توسط حمید تقوایی به پایان رسید.

در نشست کوتاه دفتر سیاسی که پس از پلنوم برگزار شد، مصطفی صابر به اتفاق آرا به عنوان رئیس دفتر سیاسی حزب انتخاب شد.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۳۹۷/۱۲/۲۲
۱۳ دسامبر ۲۰۱۸



گزارش هیات اجرایی و جهت گیری لیدر حزب مورد تایید دفتر سیاسی است. مصطفی صابر همچنین توجه پلنوم را بر اهمیت تاریخی و جهانی طرح شعار "اداره شورایی" در اعتصاب کارگران هفت تپه و انعکاس وسیع آن در جامعه جلب کرد و خواهان فعالیت بیشتر حزب برای معرفی گسترده تر جنبش انقلابی جاری در ایران به مردم جهان شد.

بدنبال این گزارشات، مسئولین کمیته های سازمانده، کمیته کردستان، کمیته آذربایجان، دبیر سازمان جوانان، مدیر تلویزیون کانال جدید، و همینطور مسئولین سایر ارگانها و عرصه ها گزارش کوتاهی از حوزه فعالیت خود ارائه دادند و اعضای کمیته مرکزی فعالانه به بحث حول فعالیت حزب و ارگان های آن و ضعف ها و ایرادات فعالیت در عرصه های مختلف پرداختند.



در جوار نشست کمیته مرکزی دو سمینار برگزار شد. سمیناری در مورد رویکرد حزب به سندیکای شرکت واحد و اعتصاب هفت تپه و سمینار دیگری تحت عنوان "انقلاب زنانه و جنبش سرنگونی جمهوری اسلامی و آینده ایران" برگزار شد که سخنرانان آن شیرین شمس، شهلا دانشفر و حمید تقوایی بودند. مینا احدی سخنران دیگر این سمینار بود که بعلت بیماری نتوانست در پلنوم و این سمینار شرکت کند.

در مبحث انتخابات حمید تقوایی به اتفاق آرا بعنوان لیدر حزب انتخاب شد و سپس ۲۵ نفر

و رانندگان کامیون و معلمان و شکل گیری شوراها هماهنگی در اعتصابات و شورای کارگری در هفت تپه تبیین واقع بینانه حزب از اوضاع سیاسی را نشان داد. گفته بودیم که چپ و آزادیخواهی بر فضای اعتراضات حاکم است و جریانات راست علیرغم حمایت هرروزه رسانه های دست راستی برای باد زدن آنها، حاشیه ای تر میشوند و اکنون به وضوح میتوان دید که این جریانات موقعیت ضعیف تری پیدا کرده اند و در مقابل، کارگر، اعتصاب، شورا و اداره شورایی، تحصیل و بهداشت رایگان بعنوان گفتمان هایی کمونیستی به گفتمان سراسری تبدیل شده و کارگر و کمونیسم را در موقعیتی متفاوت از همه دوره های تاریخی در ایران قرار داده است. در این گزارش بر نقش موثر حزب در جنبش کارگری، اعتصاب سیاسی در کردستان و اعتراضات دانشجویی و موقعیت جدید حزب در این عرصه ها تاکید شد. این دوره یکی از درخشان ترین دوره های فعالیت حزب بود و حزب را در موقعیت تازه ای قرار داد.



در بخش گزارش رئیس دفتر سیاسی، مصطفی صابر طی سخنان کوتاهی ضمن ارجاع به گزارش کتبی دفتر سیاسی که قبلا در اختیار پلنوم قرار گرفته بود، به جنبه هایی از فعالیت ها و مشغله های دفتر سیاسی در فاصله دو پلنوم از جمله تصویب سند "منشور انقلاب" پرداخت. وی یادآور شد که

کارگران هپکو و اعتصابات کارگران راه آهن و رانندگان کامیون و کارگران نیشکر هفت تپه و فولاد اهواز اشاره کرد و گفت امروز در محور و پیشاپیش جنبش عمومی و سرنگونی طلبانه مردم، طبقه کارگر قرار گرفته است. او گفت سربلند کردن جنبش کارگری در عین حال نشاندهنده جایگاه و نقش کمونیستها در جامعه است. حمید تقوایی تاکید کرد اکنون دوره متحزب شدن جنبش انقلابی مردم و نمایندگی شدن آن در عرصه مبارزه برای قدرت سیاسی فرا رسیده است و این نقشی است که بویژه حزب ما باید ایفا کند.



در مبحث گزارش هیئت اجرایی که توسط اصغر کریمی ارائه شد، تاکید گردید که حزب تبیین منسجم و درستی از سیر تحولاتی که از قبل از دیماه سال قبل، در دیماه و بعد از آن اتفاق افتاد داشت و به همین دلیل با آمادگی خوبی به استقبال شرایط رفت. کسی که از بیرون حزب موضعگیری ها و فعالیت های حزب را دنبال کرده باشد، چفت بودن حزب با جنبش کارگری و اعتراضات توده ای و روند اوضاع را بخوبی تشخیص میدهد. تاکید کرده بودیم که طبقه کارگر در آستانه شکل دادن به تشکلهای توده ای است و بر ایجاد شوراها کارگری و اعتصابات سراسری تاکید کرده بودیم. اعتصابات سراسری کارگران راه آهن و قبل از آن کارگران مخابرات

پلنوم ۴۹ کمیته مرکزی حزب در روزهای ۱۷ و ۱۸ آذر ۱۳۹۷ (۸ و ۹ دسامبر ۲۰۱۸) با حضور اکثریت اعضای کمیته مرکزی و تعدادی از مشاورین کمیته مرکزی و کادرهای حزب برگزار شد. پلنوم با پخش سرود انترناسیونال و یک دقیقه سکوت به یاد جانباختگان راه آزادی و سوسیالیسم و یاد منصور حکمت عزیز شروع شد و بعد از دو روز بحث و تبادل نظر و تصمیم گیری های لازم به کار خود پایان داد.

در این پلنوم دو قرار در مورد سخنرانی حزب و شوراها در شرایط انقلابی و همچنین متن به روز شده سند اصول سازمانی سازمان جوانان کمونیست مصوبه دسامبر ۱۹۹۹ به تصویب رسید و بیانیه ای تحت عنوان آینده از آن ما است و پیام پلنوم خطاب به کارگران تحت عنوان دوره ما فرارسیده است قرائت شد.



حمید تقوایی لیدر حزب در سخنرانی افتتاحیه خود به سیر تحولات سیاسی در ایران در یکسال اخیر پرداخت و گفت جنبش عمومی ای که با خیزش دیماه و به شکل یک انفجار اجتماعی آغاز شد یک شورش و طغیان نبود بلکه مبتنی بر یک گرایش و جنبش عمیق سرنگونی طلبانه در جامعه بود که بدنبال خیزش دیماه در عرصه های مختلفی، و فعال تر و پیگیرتر از هر جا در کارخانه ها و در جنبش کارگری، به پیش رفت و حکومت را به چالش کشید. او بویژه به نقش تعیین کننده اعتصابات سراسری معلمان و تظاهرات



بیانیه کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران آینده از آن ماست!

حزب شوراها، حزب ضد مذهب و حکومت مذهبی، حزب ضد اعدام و سنگسار و قصاص، حزب ضد بردگی مزدی، حزب کارگران، حزب دختران انقلاب و حزب توده مردمی است که نظام اسلامی سرمایه آنان را به زیر خط فقر رانده و معیشت و منزلت آنان را پایمال کرده است. این حزب "چپ جدید" و حزب "الگوی کارگری کمونیستی" است که مفتخواران حاکم را به لرزه مرگ انداخته است.

ما برای يك دنیای بهتر، برای آزادی و برابری و رفاه، برای سوسیالیسم، برای انسانیت و برخورداری همگان از يك زندگی درخور شان انسان مبارزه میکنیم. این مبارزه امروز به خیابانها و به سطح کارخانه ها کشیده شده است و میتواند و باید نظام ضد انسانی موجود را درهم بپیچد و آزادی و برابری و رفاه را برای همگان به ارمغان بیاورد. به حزب شوراها، به حزب آزادی و برابری، به حزب انسانیت و سوسیالیسم، به حزب انقلاب علیه هر چه ضد انسانی است، به حزب کمونیست کارگری بپیوندید.

آینده از آن ماست!
کمیته مرکزی
حزب کمونیست کارگری ایران
۱۷ آذرماه ۱۳۹۷
۸ دسامبر ۲۰۱۸

واقعی است. این "خطر" سوسیالیسمی است که کل موجودیت نظام مفتخوران سرمایه دار را تهدید میکند.

حکومت اسلامی سرمایه از بدو بقدرت رسیدنش با این "خطر" مواجه بوده است. سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی و خلع ید از يك در صدیهای سرمایه دار امر و هدف جنبش کمونیستی ای بوده است که از آغاز بقدرت رسیدن حکومت اسلامی در همه جبهه ها و عرصه ها علیه آن جنگیده است. کمونیسم دفاع از تظاهرات ضد حجاب زنان يك ماه بعد از بقدرت رسیدن حکومت اسلامی، کمونیسم علیه بیکاری و پرچمدار اتحاد کارگران شاغل و بیکار، کمونیسم دفاع پیگیر از شوراها، کارگری از انقلاب ۵۷ تا امروز، کمونیسم علیه اعدام و سنگسار، کمونیسم ضد اسلام سیاسی، ضد مذهب و حکومت مذهبی، کمونیسم پرچمدار جنبش سرنگونی و بزیر کشیدن جمهوری اسلامی بقدرت انقلاب مردم.

مفتخورهای حاکم حق دارند از خطر کمونیسم در هراس باشند. جنگ چهل ساله ما با جمهوری اسلامی امروز به خیابانها کشیده شده است. پرچم مقابله با آپارتاید جنسی در دست دختران خیابان انقلاب است و پرچم شوراها و اداره شورائی جامعه در دست رهبران جنبش کارگری.

حزب کمونیست کارگری

و از اعتصابات پیگیر رانندگان کامیون و کارگران راه آهن تا تجمعات و اعتصابات پرشور و پیگیر کارگران فولاد اهواز و کارگران نیشکر هفت تپه! کارگر در پیشاپیش صفوف توده مردم بپاخاسته اعلام میکنند که جمهوری اسلامی باید برود! اعلام میکند کارگر میمیرد ذلت نمی پذیرد! اعلام میکند شوراها باید اداره امور کارخانه ها و جامعه را در دست بگیرند. اعلام میکنند وحشیانه ترین حکومت سرمایه داران در ایران باید آخرین آن نیز باشد! کارگران در صف مقدم نود و نه درصدیها علیه حکومت اسلامی سرمایه بیدان آمده اند و جنبش حاضر در قلب و ریشه خود جنبش علیه بردگی مزدی و اسلام پاسدار آنست. امروز مفتخوران حاکم و امام جمعه ها و رسانه هایشان از "کمونیستی بودن سندیکای هفت تپه"، "خطر الگوی کارگری کمونیستی" و "چپ جدید" به هراس افتاده اند و به یکدیگر هشدار میدهند. این يك "خطر"



شهروندان، علیه اخلاقیات و قوانین و مقدسات فوق ارتجاعی اسلامی که زندگی خصوصی و اجتماعی مردم را در چنگال خود میفشارد، علیه فقر و رنج کودکان کار و خیابان، علیه جرم بودن همجنسگرایی و جرم بودن بی مذهبی و جرم بودن آزادگی و آزاد اندیشی، علیه کلیه تبعیضات ملی و مذهبی و قومی، و علیه زندان و سرکوب و اعدام و شلاق و قصاص. این انقلاب نود و نه در صدیها علیه يك در صدیهای حاکم است.

در پیشاپیش صف انقلابی که در ایران در حال شکل گیری است جنبش کارگری قد برافراشته است. اعتصابات و اعتراضات وسیع و بیسابقه کارگری در چند سال اخیر خود زمینه ساز جنبش گسترده انقلابی حاضر بوده است و امروز موج گسترده اعتراضات و تجمعات و تظاهرات و اعتصابات گسترده کارگران همه جا سر بلند کرده است: از اعتصاب سراسری معلمان تا تظاهرات خیابانی کارگران هپکو

جامعه ایران در آستانه تحولات زیرورو کننده ای است. جنبش عظیمی که از دیماه ۹۶ آغاز شده میروند تا طومار حکومت اسلامی را درهم بپیچد. این جنبش بخشهای وسیعی از جامعه، زنان و جوانان و بازنشستگان، و در پیشاپیش همه کارگران، علیه مصائب و بیحقوقیهای است که جمهوری اسلامی بر مردم ایران تحمیل کرده است. این جنبش علیه فقر و بیکاری و گرانی ای است که در جامعه بیداد میکند. این جنبش علیه فلاکت عمومی و حقوقهای نجومی است. جنبش علیه مافیای اقتصادی و رانتخواری و دزدی وغارتگری مفتخورهای حاکم و علیه شکاف عظیم بین دره فقر و کوه ثروت آیت الله های میلیاردر است. این جنبش علیه حجاب اجباری و آپارتاید جنسی و بیحقوقی و تبعیض فاحشی است که به ۵۰ درصد جامعه تحمیل شده است. این جنبش است علیه بیحقوقی های سیاسی و مدنی همه



نوبت ما فرا رسیده است! پیام کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران به کارگران

کارگران!

به همه شما که با جدالی سخت و هرروزه فضای کشور را به صحنه مبارزه علیه فقر و بیکاری، نپرداختن دستمزدها، اخراجات، دستگیریها، اختلاسها و کل اجحافات مفتخوران سرمایه دار و حکومت اسلامی شان تبدیل کرده اید، درود میفرستیم.

اعتصابات و اعتراضات قدرتمند شما فضای شغف انگیز و امیدوارکننده ای در کل جامعه ایجاد کرده است. اعتصابات هرروزه شما در مراکز کارگری در سراسر کشور و اعتصابات سراسری رانندگان و معلمان و بازنشستگان و کارگران راه آهن و مخابرات و بدنبال آن اعتصابات شگوهمند و تاریخی شما کارگران هفت تپه و فولاد اهواز که در روزهای متعددی با مارش های باشکوه خیابانی جریان داشته است، نقطه عطفی نه فقط در جنبش کارگری که در کل جنبش آزادیخواهانه مردم ایران به شمار میروید. رهبران شما با آگاهی و

کاردانی نشان دادند که چگونه میتوان مردم شهر را به همبستگی با اعتصاب کشاند، زنان و خانواده ها را برای همراهی شورانگیز با اعتصابات به میدان آورد، شهر را تعطیل کرد و راهپیمایی های شگوهمندی در مراکز شهرها ترتیب داد. چگونه میتوان شورا درست کرد و اداره شورایی را به گفتمانی در سطح جامعه تبدیل کرد. چگونه میتوان پرچم خواست های عموم مردم مانند تحصیل رایگان و درمان رایگان و آزادی زندانیان سیاسی و رفاه و عدالت و لغو تبعیضات را برافراشت، فساد و دزدی و ریاکاری مفتخوران حاکم را رسوا کرد و به سخنگوی جامعه تبدیل شد. اعتصابات شما، پافشاری شما و مبارزات شجاعانه و حق طلبانه شما، دستاوردها و رویدادهای درخشانی در مبارزه عادلانه مردم است. این دستاوردها فردا در سراسر کشور و در هر کوچه و خیابانی، فراگیر و همگانی خواهد شد و شوراهای کارگران و دانشجویان و همه بخشهای

جامعه با پرچم آزادی و رفاه و عدالت در همه جا سر بلند خواهد کرد.

کارگران!

سرمایه داری اساسا و همه جا یک سیستم استثمار و ستم و تبعیض است. اما در ایران این سیستم با اتکا به یک حکومت جنایتکار مذهبی و اسلامی، بیرحمی و چپاول را به حد نهایت رسانده و حتی از دستمزدها زیر خط فقر و نان شب فرزندان کارگران نیز نمیگذرد. برای ابقا و تداوم این ستم و استثمار برده وار، طبقه حاکم از تمام ابزارهای معمول حاکمان و ستمگران نظیر مذهب و خرافه، جنایت و ترور و سرکوب، زندان و اعدام، و تعصب و ناسیونالیسم و قوم پرستی استفاده میکنند. یک جدال گسترده به گستره کل جامعه میان کارگران و معلمان و پرستاران و بازنشستگان و دانشجویان و زنان تحت ستم از یک طرف، و آخوند و مسجد و پاسدار و بسیج و قضا و زندانبانان و شکنجه گران و

جاسوسان و کارفرمایان و مدیران حکومتی از طرف دیگر بصورت هرروزه در جریان است. در این جدال سرنوشت ساز شما کارگران در صف مقدم مبارزه کل جامعه علیه نظام جمهوری قرار دارید.

امروز مقامات و رسانه های حکومت از "خطر الگوی کارگری کمونیستی" به هراس افتاده اند! حق دارند! دستاوردها و پیشرویهای جنبش کارگری، بر افراشته شدن پرچم شوراهای بمیدان آمدن دختران خیابان انقلاب، مبارزات دانشجویان و کل اعتراضاتی که امروز علیه اعدام و آپارتاید جنسی و علیه قوانین اسلامی و کل نظام حاکم در جریان است بدون حضور و تاثیرات عمیق جنبش کمونیستی بر جامعه از بدو بقدرت رسیدن حکومت اسلامی تا به امروز ممکن نمی بود. و اکنون یک فرصت کم نظیر تاریخی فراهم شده است تا کارگر و کمونیسم توده مردم بجان آمده را در مبارزه برای سرنوشتی حکومت اسلامی رهبری کند، به شرایط

مشقت بار کنونی پایان دهد و نمونه شگوهمندی از یک جامعه آزاد و برابر و مرفه و انسانی را در ایران بنا کند و رفاه و آزادی و برابری و یک دنیای انسانی و سوسیالیستی را برای همگان به ارمغان آورد.

کارگران!

وقت آن است که شوراهایتان را همه جا تشکیل دهید، اعتصابات سراسری را گسترش دهید، همبستگی وسیع جامعه را جلب کنید و حول خواست های انسانی و آزادیخواهانه خود متحد شوید.

حزب کمونیست کارگری پرچم مبارزه برای رهایی از جهنم موجود را برافراشته است. به حزب سیاسی خود، به حزب کمونیست کارگری، بپیوندید.

کمیته مرکزی

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۷ آذر ۱۳۹۷



تصویب شده باتفاق آرا قرار در مورد شوراهای در شرایط انقلابی

تصویب شده با سه رای ممتنع قرار در مورد سخنگوی حزب

۲- رئیس وظایف سخنگو وظایف سخنگو عمدتاً عبارتست از:
- انتشار اطلاعیه ها و کلیپهای مطبوعاتی در رابطه با اظهارات و موضعگیریهای مقامات بالای حکومت در رابطه با مسائل مختلف سیاسی و اجتماعی و در برخورد به مبارزات و اعتراضات جاری
- اظهار نظر و انتشار اطلاعیه و کلیپهای مطبوعاتی در رابطه با موضوع دولت و نهادهای بین المللی در قبال جمهوری اسلامی و اعتراضات جاری در ایران
- اعلام و توضیح موضوع و سیاستهای حزب در مصاحبه با رسانه ها و در کنفرانسهای مطبوعاتی

بعنوان یکی از وجوه ابراز وجود حزب به شکل یک تشکیلات سیاسی مدرن و اجتماعی و بمنظور برقراری ارتباط فعال تر و مستمتر حزب با رسانه ها و مدیای اجتماعی و افکار عمومی فردی بعنوان سخنگوی حزب تعیین و بجامعه معرفی میشود.
۱- نحوه انتخاب و مکان تشکیلاتی سخنگوی حزب با پیشنهاد لیدر حزب و با تایید دفتر سیاسی انتخاب میشود. انتخاب سخنگو بعد از هر پلنوم تجدید میشود. سخنگو عضو هیات اجرائی است و در هماهنگی با دبیر کمیته مرکزی فعالیت میکند.

۷- دولت برآمده از انقلاب برای آنکه بتواند به خواستها و آرمانهای انسانی طبقه کارگر و اکثریت عظیم مردم جامعه عمل بپوشاند باید به شوراهای مردمی متکی باشد. هر اندازه شوراهای مردمی در زیر کشیدن جمهوری اسلامی در سطح گسترده تری در میان کارگران و بخشهای مختلف جامعه شکل گرفته و فعال باشند به همان میزان نقش و سهم بیشتری در شکل دادن به دولت آتی خواهند داشت.

حزب کمونیست کارگری بعنوان نیرویی که همواره پرچمدار جنبش شورائی و خواهان برپائی شوراهای کارگری بوده است بر اهمیت و ضرورت تشکیل شوراهای در شرایط انقلابی حاضر تاکید میکند و فعالین و نمایندگان جنبش کارگری، توده کارگران و همه مردم را به برپائی شورا فرامیخواند.



جامعه سخن گفته میشود. تعرض با خلع ید سیاسی از حاکمیت سرمایه داری و تصرف قدرت سیاسی بوسیله حزب طبقاتی کارگران به فرجام خواهد رسید.

۵- شوراهای کارگری متکی به مجمع عمومی کارگران در هر واحد تولیدی و ارگان اعمال اراده مستقیم کارگران هستند. به همین دلیل بویژه در شرایط انقلابی شوراهای میتوانند به موثرترین نحو توده کارگران را در مبارزه برای سرنگونی حکومت و درهم شکستن نظم سرمایه به حرکت درآورند.

۶- جنبش کارگری پیشگام برپا کردن شوراهای است اما تشکیل شوراهای تنها به کارگران محدود نمیشود. بویژه در شرایط انقلابی شورا ابزار موثر اعمال اراده توده مردم برای بچالش کشیدن قدرت حاکمه و سازماندهی جنبش اعتراضی بخشهای مختلف جامعه برای بزیر کشیدن حکومت است.

۳- تشکیل شوراهای در شرایط انقلابی يك ضرورت عینی است و از دل تجربه کارگران و توده مردم محروم بر میخیزد. شوراهای اساساً به خاطر ویژگیهای شرایط انقلابی، نظیر ناتوانی دولت در اداره امور جامعه، اقدام مستقیم کارگران برای تامین نیازها و خواستهای فوری خود، و بچالش کشیدن و مقابله با کل حکومت و نظم سرمایه بر متن تحولات انقلابی، ضرورت پیدا میکنند و توده گیر میشوند. ۴- شوراهای کارگری، در شرایط ناتوانی دولت و یا کارفرماها در اداره تولید، در موارد متعددی اداره کارخانه و کنترل تولید را در دست میگیرند. اما این نه يك اقدام اقتصادی در جهت نفع سرمایه داری و پیاده کردن سوسیالیسم، بلکه عملاً به معنی بچالش کشیدن اتوریته دولت و کارفرماها و به این اعتبار يك تعرض سیاسی علیه حکومت و نظام سرمایه داری است. این

با توجه به اینکه:
۱- شرایط انقلابی حاضر به گفتمان شوراهای و روی آوری به تشکیل شورا در میان کارگران و فعالین جنبش کارگری دامن زده است. بسیاری از نمایندگان کارگران و چهره ها و فعالین جنبش کارگری خواهان تشکیل شوراهای مستقل کارگری و شوراهای واقعی مردمی هستند.

۲- طرح گفتمان و خواست شورا در شرایط امروز مبتنی بر وجود يك گرایش قوی شورائی در جنبش کارگری و در میان فعالین و پیشروان این جنبش و نشان دهنده نقش و ثقل جنبش چپ و سوسیالیستی در میان کارگران و درکل جامعه است. گرایش شورائی از انقلاب ۵۷ در جنبش کارگری پا گرفت، و امروز، مانند دوران انقلاب ۵۷، فعالین جنبش شورائی بعنوان يك اقدام انقلابی علیه کل نظم موجود پرچم شوراهای را بلند کرده اند. امروز نه تنها در جنبش کارگری بلکه در دانشگاه ها هم از اداره شورائی

پیش به سوی ایجاد شوراهای کارگری

اصول سازمانی سازمان جوانان کمونیست تصویب شده باتفاق آرا

بمناسبت بیست و هفتمین سالگرد تاسیس حزب

جوانان و یا هیات اجرائی حزب میتوانند هر زمان لازم بدانند از دفتر سیاسی تقاضا کنند که انتخاب شورای مرکزی تجدید شود.

۱۱- سازمان جوانان کمونیست ساختارها و سلسله مراتب تشکیلاتی خود را دارد. سلسله مراتب ستونی سازمان را یک سازمان هرمی متشکل از واحدهای محلی میسازد که هر یک پیشبرد و هدایت فعالیت سازمان در محدوده جغرافیایی معینی را برعهده دارد. شورای مرکزی سازمان جوانان کمونیست در راس این هرم تشکیلاتی قرار دارد و کل فعالیت سازمان را در مقیاس سراسری سازماندهی و هدایت میکند.

۱۲- واحدها و شبکه‌ها میتوانند برنامه فعالیت و سیاست‌های خود را تا آنجا که با سیاست‌ها و مصوبات سازمان جوانان در تناقض نباشد خود تعیین و اجرا نمایند.

۱۳- مبنای تعیین وظایف و مسئولیتهای هر عضو آمادگی و انتخاب آگاهانه خود او است. هیچیک از اعضا برخلاف تمایل خود به انجام هیچ وظیفه و یا قبول هیچ ماموریت و مسئولیتی موظف نمیشود. در عین حال پذیرش هر مسئولیت به معنای اعلام آمادگی آگاهانه فرد برای قبول وظایف، نرم‌ها و دیسیپلین و موازین تشکیلاتی ویژه آن پست یا ارگان است. قبول مسئولیت یک پیش شرط کادر شدن در سازمان جوانان است.

۱۴- سازمان جوانان کمونیست در زندگی خصوصی اعضا خویشتن کنکاش نمیکند. این حق همواره برای سازمان محفوظ است که هر جا رفتار و عملکرد اعضایش در زندگی اجتماعی ناقص پرنسیپ‌های سازمان باشد اقدامات انضباطی لازم، تا حد سلب عضویت فرد، را معمول دارد. *



به عضویت این سازمان درآیند. کناره‌گیری از سازمان نیز امری آزاد و داوطلبانه است.

۵- اعضای سازمان جوانان میتوانند بر مبنای ضوابط این سازمان به سطح کادر ارتقا پیدا کنند. یک پیش شرط کادر شدن در سازمان جوانان کمونیست عضویت در حزب است.

۶- واحد پایه سازمان جوانان کمونیست در هر شهر یا محله و یا در شبکه‌های اجتماعی در اینترنت تشکیل میشود.

۷- ارگان رهبری سازمان جوانان شورای مرکزی است. اعضای این شورا از میان کادرهای سازمان جوانان که خود را کاندید کرده‌اند بوسیله دفتر سیاسی حزب تعیین میشوند. انتخاب شورای مرکزی هر دو سال حداقل یکبار صورت میگیرد. تعداد اعضای شورای مرکزی نیز بوسیله دفتر سیاسی تعیین میشود.

۸- هرگاه شرایط برای تشکیل کنگره با شرکت نمایندگان اعضای داخل کشور سازمان جوانان فراهم شد انتخاب شورای مرکزی بوسیله کنگره این سازمان صورت خواهد گرفت.

۹- شورای مرکزی از میان خود دبیر سازمان جوانان را انتخاب میکند. دبیر سازمان باید کادر حزب باشد و بتواند با چهره علنی فعالیت کند.

۱۰- شورای مرکزی سازمان

این اصول کلی‌ای است که مقررات اساسنامه‌ای و موازین تشکیلاتی سازمان جوانان کمونیست بر آنها متکی است. مقررات و آئین‌نامه‌های مصوب سازمان جوانان نمیتوانند و نباید ناقض اصول مندرج در این سند باشند. تغییر در این سند در صلاحیت کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران است.

۱- سازمان جوانان کمونیست، سازمان جوانان حزب کمونیست کارگری ایران است که برای اشاعه مارکسیسم و کمونیسم در میان جوانان و به میدان آوردن آنان در راه تحقق اهداف برنامه یک دنیای بهتر و پیشبرد سیاست‌های حزب در عرصه مبارزه حول مسائل جوانان تاسیس میشود.

۲- عضویت در سازمان جوانان و در حزب دو امر جداگانه هستند. عضویت در یکی به معنای عضویت در دیگری نیست. برای عضویت در هر یک از این سازمانها باید جداگانه تقاضا کرد.

۳- یک شاخص پیشروی سازمان جوانان گسترش روی آوری جوانان به حزب و پیوستن آنان به حزب است.

۴- عضویت در سازمان جوانان کمونیست امری داوطلبانه است. کلیه افرادی که مایلند در رابطه با مسائل جوانان فعالیت کنند و منظمًا حق عضویت بپردازند میتوانند

کارگری، ۱۶ آذر پراتیکی تری را تدارک دیده‌اند. همه‌ی این‌ها در حقیقت تبریكات واقعی به حزب است. جا دارد که ما هم به این جنبش‌ها تبریک بگوییم.

تبریک به همه‌ی جنبش‌ها، جدا از تبریک به حزب ما نیست، چرا که پیشروی و پیروزی همه و هر یک از این جنبش‌ها به درجاتی، به حضور مادی و معنوی حزب ما ربط دارد.

در این کارزارهای ظفرنمون، نقش یکایک کادرها و اعضا، برنامه‌ها، سیاست‌ها، شعارها و رهنمودهای حزب دیده می‌شود.

شاید هیچ پیام تبریکی از به میدان آمدن کارگران و معلمان و زنان و دانشجویان و رانندگان، انرژی بخش‌تر و شادی‌آفرین‌تر نباشد.

به نظر ما، هر روز که جنبش اعتراضی و سرنوشتی، این چنین قوی‌تر به پیش برود، امروز جشن مردم و روز جشن حزب است.

ما خود را با تاریخ سراسر افتخارآمیز حزب و برنامه‌های آن تعریف می‌کنیم و امیدواریم که این ارتباط، برپا و برقرار و بادوام بماند. شاد و پیروز باشید.

آزاده دربندی و آرش دشتی
۱۶ آذر ۱۳۹۷

سایت حزب: www.wpiran.org

سایت روزنه: www.rowzane.com

سایت کانال جدید: www.newchannel.tv

نشریه انترناسیونال: www.anternasional.com

**کارگر، معلم،
پرستار، بازنشسته،
دانشجو**

اتحاد، اتحاد

W/P/1

نامه ای از یک واحد حزب در داخل کشور

را نادیده گرفت. به نظر و با شواهد این دوره، دوره افتخارات و مباحثات حزب در سیاست و برنامه انقلابیست است.

ما همچنان باید مانند سال ۸۸ رفتار کنیم. یاد می آید در آن روزها حمید تقوایی در یک برنامه تلویزیونی حرف های میزد که الان هم باید همانها گفته شود، الان داریم به قیام سراسری نزدیک می شویم باید برایش آماده شویم و یا بهتر بگویم که باید جامعه را برای قیام آماده کنیم، راه چاره را نشان دهیم، نقاط حساس و استراتژیک را مشخص کنیم و راه های بدست گرفتن آن نقاط را آموزش دهیم.

بحث های حمید تقوایی باید در تلویزیون بیشتر منعکس شود، باید بیشتر بحث کرد، جایگاه و اثرات هر بخش از جامعه را روشن کنیم، اینکه ترانسپورت شهری چه اندازه در پیشبرد قیام اثر دارد، کارخانه ها و صنایع بزرگ چطور می توانند به قیام شهری کمک کنند، نقش سربازان و بدنه ارتش در اخته کردن نیروی سرکوب چه تاثیری دارد؟ یا الان که ۳۵۰۰ کارگر می توانند دولت و همه نیروهای سرکوبش را در اهواز فلج کنند، اگر بخش های دیگر شهرها به کمک شان بیایند به



مردم حرفهای ما را میزدند، ولی اکنون اکثریت جامعه مثل ما حرف می زند. سال ۸۸ ما می گفتیم شرایط انقلابی است و این توده ای که در خیابان است، آمده که انقلاب کند، الان اکثریت جامعه هر جا که میشینند و تجمع میکنند می گویند کل بساط دزدی و غارت و استثمار فاسد را باید زیر و رو کرد. قبلا ما می گفتیم که شوراها و مجامع عمومی را باید بر پا کرد، اکنون در تجمعات و اعتراضات (شورا و مجمع عمومی) را به عنوان ابزار بکار میگیرند و میخوام بگویم اینها رد پای حزب ما است.

اتفاقات زیادی از دی ماه سال پیش تا کنون افتاده که شورانگیزترین آنها را ظرف همین یکی دو ماه اخیر شاهدش هستیم که نیاز به تاکید دوباره ندارد که شرایط، شرایط انقلابی است.

جامعه به شدت جلو آمده، از پاییز سال ۸۸ جنبش های اجتماعی، علیرغم همه فشارها و سرکوب هایی که تحمل کرده، ولی به درجات زیادی تعرضی و تهاجمی شده است و از پوسته تدافعی هر روز دارد فاصله میگیرد، بویژه از دی ماه تنها ترم سرنگونی دارد به گفتن اجتماعی تبدیل میشود.

این همان حزب سیاست ها و همان مطالباتی است که الان جامعه دارد سرش قطبی می شود، اگر قبول داریم که جامعه جلو آمده، نقش حزب را نمیتوانیم نادیده بگیریم، نمی شود بگویی جامعه رادیکال شده و نهادهایش سمت و سوی رادیکال و انقلابی گرفته اند ولی تنها حزبی (حزب این تحولات و پیش بینیها) تاثیر و حضور نداشته و ندارد، نمی شود سیر سراسری شدن بخش های مختلف جنبش های اجتماعی را دید ولی نقش حزبی که برنامه و رهنمود سراسری کردن اعتراضات و مبارزات و مطالبات را داد را نادیده گرفت. نمی شود فرموله کردن مطالبات و تیز کردن نوک حمله و فشار در جامعه معترض را دید و اثرات مستقیم و غیر مستقیم حزب

در کمتر تجمعی است که بحث تغییرات اساسی و بنیادی مطرح نشود. موضوع این است که جامعه هیچ کورسویی از تغییر و بهبود شرایط از طرف نه تنها جناحهای حاکمیت بلکه راست با هر لباسی سراغ ندارد، پر واضح است که می آید سراغ ما، معلوم است که جنبش شورایی و شورای مستقل از دلش بیرون میزند و ما هم از همینجا شروع میکنیم:

به نظر اوضاع انقلابی است و حزب هم حزب انقلاب، اینکه این حزب انقلاب است نه به معنی تعریفی که از خودش داده بلکه بزم فعالیتها و جهت گیریها و سیاست هایی که اتخاذ کرده است. اگر یادتان باشد شفاها هم صحبت کردیم که زمانی بخشی از

را شیره بماند. ما باید به صراحت به جامعه و به توده کارگر و مردم زحمتکش و همه افشار جامعه بگویم، مادام که ما هستیم اجازه نمیدهیم سر این انقلاب را زیر آب کند، میجنگیم همانطور که تا به حال جنگیده ایم، افشا و مقابله میکنیم و به کمتر از این هم قانع نیستیم. جامعه ما کسیمیالیست شده، جامعه ذره ای تخفیف و تحقیر را نمی خواهد و نمی پذیرد و ما نماینده ما کسیمیالیست جامعه هستیم، همه چیز داریم و باید قدم به قدم پیش برویم.

در نتیجه ما فکر میکنیم اگر رهبری حزب برنامه اش این است این پوزیشن را باید بیشتر تقویت کند.

آخرین نکته ای که باید بگویم این است که حزب ما مایه افتخار و مباحثات ما و جامعه است و این را آدمهای عادی که مانند ما این حزب را نمیشناسند هم معترفند. در نتیجه ما تاکید داریم که تا همینجا هم منشاء اثر بسیار مثبت بوده و هستیم و اگر توقعات از حزب زیاد است برای این است که به نتیجه، یعنی انقلاب سوسیالیستی برسیم.

با آرزوی شادی و موفقیت
۱۳ آذر ۱۳۹۷

چه میزان در پیشروی شان موثر خواهد بود؟

به نظر حزب انقلاب برای این لحظات باید آماده باشد. اصل بحث این است که ما باور داریم که حزب انقلاب هستیم و باید بدون تعارف و صریح سر همین موضوع برنامه ریزی کنیم، به ما چه که دیگران باور ندارند، ما ظهور و حضور جنبش انقلابی را داریم می بینیم در نتیجه نباید بحث هایمان حول چیزهای دیگری خم شود، بی تعارف باید بگویم که این حزب برنامه اش این است، زمانی می گفتند جامعه رهبر می خواهد و توده ها رهبر می خواهند ولی الان باید بگویم ما رهبر این جامعه و توده ها و انقلاب شان هستیم، و به قول حمید تقوایی باید بگویم که ما هستیم، ما رهبر این دوره مردم هستیم، ما رهبر خواست و انقلاب مردم هستیم. به نظر این را کم میگویم، ما الان به صراحت میتوانیم بگویم و به قول منصور حکمت "قبل از اینکه حتی ده و یا شهری را گرفته باشیم".

این همه منشاء اثر هستیم و باید سر این خم شویم و صراحتا بگویم و دیگران را پس بزیم، باید پشت هر افشارگری و نقد گروه ها و دسته جات ارتجاعی، بگویم ما هستیم و اجازه نمی دهیم سر مردم

شوراهای سازماندهی اعتراضات را در همه جا ایجاد کنیم

حکومت اسلامی آشکارا مستاصل است و در بحران لاعلاج دست و پا میزند. توان کنترل جامعه به شکل سابق را ندارد. مردم نیز نشان داده اند که تحمل این شرایط را ندارند. باید مبارزات مان را سازمان یافته و سراسری کنیم.

یک ابزار مهم هدایت و سازماندهی مبارزات در این شرایط، شوراهای سازماندهی اعتراضات است. شوراهای سازماندهی میتوانند در همه محلات و شهرها ایجاد شوند و اعتراضات مردم را رهبری کنند، مردم را حول خواست های سیاسی و رفاهی و حول خواست های آزادیخواهانه و عدالت طلبانه متحد نگهدارند و نقش رهبری میدانی مردم را بعهده بگیرند.

اکنون وقت سازماندهی اعتراضات شهری در سراسر کشور است.

حزب کمونیست کارگری فعالین سیاسی و اجتماعی و فعالین و رهبران کارگری و جوانان معترض را فرامیخواند در هر شهر و محلی که میتوانند، شوراهای سازماندهی اعتراضات را ایجاد کنند، جوانان و مردم معترض و پرشور را در این شوراها جمع کنند و با استفاده از روابط و امکانات خود و با استفاده از مدیای اجتماعی حلقه تماس خود با مردم شهر را گسترش دهند.

زنده باد شورای سازماندهی اعتراضات در سراسر کشور

روز شمار کمپین آزادی اسماعیل بخشی. تلاشی به وسعت جهان



فولاد. میتینگ در مرکز شهر کلن برای آزادی اسماعیل بخشی، سپیده قلیان و علی نجاتی برگزار گردید.

- در فرانکفورت و کلن آلمان میتینگهایی برپا گردید. در اسلو پایتخت نروژ، تورنتو و ونکوور کانادا.. تظاهر کنندگان همبستگی عمیق خود را با مردم آزاده شوش و اهواز، با هفت‌تپه‌های فولادی‌ها و با خانواده‌های کارگران اعلام کردند.

- در ایران نیز اعتراضاتی در دفاع از کارگران هفت‌تپه در جریان بود، از جمله پیام حمایتی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی مازندران از کارگران هفت‌تپه و فولاد اهواز، تظاهرات کارگران فولاد قزوین و..

- طبق اخباری که به دست کمپین رسیده است، سپیده قلیان خبرنگاری که در هفت‌تپه به همراه اسماعیل بخشی و کارگران دیگر دستگیر شده بود، زیر شدیدترین فشارها است. سپیده تاکنون نتوانسته با خانواده خود ملاقات کند و وکیل معرفی شده به مقامات حکومت اسلامی از طرف آنها پذیرفته نمی‌شود.

- میثم آل مهدی از رهبران اعتراض کارگران گروه ملی فولاد اهواز در سخنرانی پر شور و تاریخی خود اعلام کرد: آن زمانی که روی کتف کارگر اهرام مصر را

را لغو نمی‌کند و هفت‌تپه کماکان در دست همین چند نفر باقی می‌ماند.

- طی روزهای اخیر تعدادی از اوپاش حکومتی در شهر شایعه پخش کرده‌اند که اعتصاب تمام شد.

- دو فعال کارگری به نام‌های محمد امیدوار پرسنل قسمت بازرگانی نیشکر هفت‌تپه و شهین پیشاهنگ از طریق تماس تلفنی به اداره اطلاعات شوش احضار و ساعتها بازجویی شدند.

- ۱۰ آذر، اول دسامبر: در شوش وضعیت به حالت فوق‌العاده است. مذاکرات بی‌نتیجه مانده است.

- اعتراضات و تجمع‌ها در خارج کشور: در بسیاری از شهرهای دنیا تظاهرات اعتراضی برگزار گردید.

جوانان و آزادیخواهان بر سردر سفارت ننگین جمهوری اسلامی در استکهلم، عکسهای اسماعیل بخشی و سپیده قلیان و علی نجاتی نصب کردند. در همان شهر در مقابل سفارت تظاهرات بزرگی برپا گردید و فریاد سرنگون باد حکومت اسلامی سر داده شد و همه خواهان آزادی فوری دستگیر شدگان اسماعیل بخشی سپیده قلیان و علی نجاتی شدند.

- شنبه اول دسامبر، فریاد دادخواهی کارگران هفت‌تپه و

کنفدراسیون (س ژ ت) نماینده میلیونها کارگر فرانسوی از هفت‌تپه دفاع کرد و خواهان آزادی رهبر کارگری اسماعیل بخشی شد.

بیانیه وکلای دادگستری در دفاع از اسماعیل بخشی منتشر شد.

- کارگران، دانشجویان، معلمان و بخش‌های وسیعی از جامعه با علاقه این مبارزه را پیگیری می‌کنند و خواهان آزادی فوری اسماعیل بخشی و سپیده قلیان هستند.

- دانشجویان دانشگاه هنر در حمایت از کارگران نیشکر هفت‌تپه تجمع کرده و خواهان آزادی فوری اسماعیل بخشی شدند.

- کانون نویسندگان ایران با انتشار بیانیه‌ای از کارگران هفت‌تپه دفاع کرد.

- در تهران میز گرد "بررسی خواستها و اعتصاب هفت‌تپه" با حضور دانشجویان صنعتی شریف، شهید بهشتی، امام صادق و علوم قضایی برگزار خواهد شد.

- ۹ آذر ماه، ۳۰ نوامبر: از ساعت ۷ صبح کارگران نیشکر هفت‌تپه تجمع کردند و تمام مسیر را تا فرمانداری شوش با شعار کارگر زندانی آزاد باید گردد راهپیمایی کردند.

- هیئتی از طرف حکومت در جمع کارگران در مقابل فرمانداری شوش حاضر شد. می‌گویند تصمیم دولت این است که خصوصی سازی

خلاصه و تنظیم: سیامک بهاری

۲۷ آبانماه در چهاردهمین روز از اعتصاب و اعتراضات شکوهمند کارگران نیشکر هفت‌تپه، اسماعیل بخشی یکی از محبوبترین رهبران این اعتراض توسط دستگاه‌های امنیتی جمهوری اسلامی دستگیر شد. فعالیت‌های گسترده و متنوعی برای آزادی اسماعیل بخشی از جانب احزاب، سازمانها، نهادها، اتحادیه‌های کارگری و مدافعین حقوق کارگران در سطحی وسیع و جهانی صورت گرفت.

کمپین آزادی اسماعیل بخشی با مسئولیت مینا احدی راه‌اندازی شد تا با بسیج افکار عمومی و جهانی کردن این مبارزات، با انعکاس فعالیت‌های بین‌المللی در دفاع از مبارزات و اعتصابات و اعتراضات کارگری، سبب آزادی هر چه سریعتر اسماعیل بخشی گردد.

فشرده ۳۰ شماره اطلاعیه (کمپین آزادی اسماعیل بخشی) را مشاهده می‌کنید:

- ۷ آذر، ۲۸ نوامبر: کارگران اتحادیه پست کانادا با برگزاری یک میتینگ اعتراضی و با در دست داشتن شعارهایی در دفاع از خواست کارگران هفت‌تپه خواهان آزادی بخشی و سپیده قلیان شدند.

- ۸ آذر، ۲۹ نوامبر



- ۱۴ آذر، ۵ دسامبر، پرونده سازی جدید در شعبه سوم دادسرای اندیمشک با موضوع اخلاف درنظم عمومی و هدایت اعتصابات کارگران، علیه علی نجاتی که در بازداشت گاه امنیتی اهواز بسر می‌برد در دست اجرا است.

علی نجاتی تا کنون با خانواده و وکیل خود تماسی نداشته است. وی به بیمارهای قلبی و عروقی، کلیه و پروستات مبتلا است. این

روز شمار کمپین...

دستگیری و سلول انفرادی و بازجویی‌های طولانی و فشار روحی و جسمی برای او بسیار خطرناک است.

۱- تن از وکلای دادگستری برای قبول داوطلبانه وکالت و دفاع از خواسته‌های کارگران در ایران و به‌ویژه کارگران هفت تپه و فولاد، با صدور بیانیه‌ای اعلام آمادگی می‌کنند.

۱۵- آذر، ۶ دسامبر: عسل محمدی دانشجوی فعال مدافع حقوق کارگران از بازداشتگاه اوین به زندان شوش منتقل شد.

اعتراض تشکلهای کارگری به حکومت اسلامی گسترش می‌یابد!

اتحادیه ساختمان و جنگل و معادن واحد استان نیوسات ولس استرالیا طی قطعنامه جلسه نمایندگان محلات اتحادیه ساختمان، جنگل و انرژی واحد استان نیوسات ولس استرالیا در همبستگی با کارگران در ایران، اعلام کرد: "ما از مبارزات طبقاتی کارگران در ایران علیه فقر، بیکاری، فساد، تعویق پرداخت دستمزدها، گرانی و حقوقهای ناچیز، نابرابری و بیعدلی، حمایت می‌نماییم. ما از حق تشکل و اتحاد طبقه کارگر در ایران دفاع می‌کنیم. ما از حق کارگران برای اعتراض و اعتصاب دفاع می‌کنیم. ما از رژیم ایران می‌خواهیم که کارگران، معلمان، نویسندگان، روشنفکران، وکلا و تمامی زندانیان سیاسی را از زندان‌ها فوراً آزاد کند".

چهار سندیکای بزرگ کارگران فرانسه، کنفدراسیون دموکراتیک فرانسوی کار (س اف د ت)، کنفدراسیون عمومی کار (س ژت)، اتحاد سندیکایی همبستگی (سولیدر)، اتحاد ملی سندیکاهای مستقل (اوان اس آ)، در نامه‌ای به علی خامنه‌ای ضمن اعتراض به سرکوب بی‌وقفه معلمان و کارگران در ایران، خواهان آزادی فعالین

زندانی و از جمله اسماعیل بخشی، علی نجاتی و سپیده قلیان شدند!

چهارمین کنگره بین‌المللی اتحادیه‌های کارگری ITUC در کپنهاگ دانمارک، بیانیه‌ای در دفاع از کارگران و دانشجویان ایران و با خواست آزادی اسماعیل بخشی و دستگیر شدگان هفت تپه منتشر کرد.

(TUC بریتانیا)، (CGT فرانسه)، (CFDT فرانسه)، (CGIL ایتالیا)، (LO سوئد)، (DGB آلمان) و (CLC کانادا).

کنگره ITUC در کپنهاگ همبستگی خود را با کارگران و دانشجویان ایرانی اعلام می‌کند. اعلام می‌کنند: ما سیاست‌های ضد کارگری دولت در تهران را محکوم کرده و خواهان آزادی فوری همکاران زندانی امان و به رسمیت شناختن اتحادیه‌های مستقل کارگری و نمایندگان کارگران، هستیم این یک حق بدیهی در همه جای دنیا است.

۱۶- آذر، ۷ دسامبر: دانشجویان سراسر کشور خواهان آزادی زندانیان هفت تپه شدند! در مراسم‌های دانشجویان به مناسبت ۱۶ آذر در همه شهرهای ایران و از جمله در تهران، سمنان، تبریز، اصفهان، بابل، زنجان و اهواز و... یکی از خواسته‌هایی که در تظاهرات، در سخنرانیها و یا حتی در مراسم‌هایی که مقامات حکومت اسلامی در آن حضور داشتند، با صدای رسا اعلام شد، خواست آزادی اسماعیل بخشی، سپیده قلیان و علی نجاتی بود.

یک شعار محوری دانشجویان این بود: "فرزندان کارگرانیم، ما با آنها هستیم". شعارهایی مانند "کارگر دانشجوی اتحاد" در همه این میتینگها برجسته بود و از آن سو کارگران هفت‌تپه و فولاد نیز پیام همبستگی و تشکر برای دانشجویان سراسر کشور فرستادند. دانشجویان در تهران با سرود خوانی و برگزاری میتینگ و تجمع، گفتند کارگر زندانی آزاد باید گردد،

زندانی سیاسی آزاد باید گردد و دانشجویان در سمنان خواست آزادی دستگیر شدگان را با شور و شوق فراوان فریاد زدند.

حکومت ضد کارگر و ضد انسانی اسلامی، در ایلام ۱۵ کارگر پتروشیمی را به ۹ سال زندان و ۱۱۰۰ ضربه شلاق محکوم کرد.

از طرف کمپین آزادی اسماعیل بخشی باید زنی اطلاعیه‌ای اعلام شد: "به سران این حکومت و مسئولین این حکومت در ایلام و دستگاه سروکشان اعلام می‌کنیم اگر جرأت دارید به کارگر معترض در ایران شلاق بزنید، با یک دنیا طرف خواهید شد".

اسامی کارگرانی که به زندان و شلاق محکوم شده اند: افشار رشیدی، انور رشیدی، صادق رستمی، نادر خاکی، میلاد دوستی، محمد صالح قیطاسی، صادق کاکاخانی، توحید قیطاسی، سعید قیطاسی، امین ارکوازی، حجت اسماعیلی عباس مظفری، علی کاکاخانی اهل چوار، محمد حیدری و علی نجات اعظمی.

۱۷- آذر، ۸ دسامبر: نهاد ضد فاشیستهای آلمان: از مینا احدی از اعضای رهبری حزب کمونیست کارگری ایران برای سخنرانی در روز پنجمین ۱۳ دسامبر درباره اعتصاب کارگران هفت تپه و فولاد، در مورد جنبش کارگری در ایران و جنبش زنان و دانشجویان در شهر آخن آلمان دعوت بعمل آورد.

۱۸- آذر، ۹ دسامبر: آغاز مجدد تجمعات کارگران هفت‌تپه، کارگران هفت تپه برای آزادی اسماعیل بخشی و سپیده قلیان و علی نجاتی تجمع کردند.

چند صد نفر از کارگران هفت‌تپه در اعتراض به عدم آزادی دستگیر شدگان هفت‌تپه که قرار بود روز گذشته آزاد شوند، تجمع کردند. کارگران هفت‌تپه اعلام کردند که اگر اسماعیل بخشی و سپیده قلیان و علی نجاتی آزاد نشوند، تجمع خواهند کرد. امروز کارگران که

تعداد آنها چند صد نفر است در مقابل در کارخانه تجمع کرده و فریاد می‌زنند زندانیان هفت تپه را آزاد کنید.

۱۹- آذر، ۱۰ دسامبر: دستگیری رضا شهابی، حسن سعیدی از اعضای سندیکای کارگران شرکت واحد. تجمع خانواده‌ها در مقابل زندان اوین!

رضا شهابی و حسن سعیدی از اعضای سندیکای کارگران شرکت واحد و همچنین امیر عباس آوزم وند، رهام یگانه و کیوان مهتدی از فعالین و مدافعین حقوق کارگران را دستگیر کردند. این دستگیری بعد از زندانی کردن عسل محمدی مدافع حقوق کارگران و تعرض به چند خانه برای دستگیری تعداد دیگری از فعالین و مدافعین اعتراضات کارگران بود.

رضا شهابی و حسن سعیدی در اثر اعتراضات خانواده‌ها در مقابل زندان اوین آزاد می‌شوند.

۲۰- آذر، ۱۱ دسامبر: تجمع در مقابل مجلس حکومت اسلامی در دفاع از کارگران هفت‌تپه و برای آزادی دستگیر شدگان هفت تپه. به فراخوان اتحادیه آزاد کارگران و دیگر فعالین مدافع حقوق کارگران میتینگی در مقابل مجلس حکومت اسلامی در تهران برگزار می‌گردد. سخنرانان و از جمله پروین محمدی نایب رئیس اتحادیه

خواهان آزادی فوری دستگیر شدگان، اسماعیل بخشی، سپیده قلیان و علی نجاتی شده و از خواسته‌های بر حق کارگران هفت تپه و فولاد دفاع می‌کنند.

۱۲- میثم آل‌مهدی کارگر مبارز و سخنران پرشور اعتراضات کارگران گروه ملی صنعتی فولاد ایران، توسط دستگاه امنیتی دستگیر می‌شود!

۲۱- آذر، ۱۲ دسامبر: میثم آل‌مهدی که روز گذشته توسط مامورین لباس شخصی بازداشت شده بود با پیگیری همکاران و در میان استقبال پرشور آنان آزاد شد.

کانال تلگرامی مجمع نمایندگان کارگری هفت تپه اعلام کرد: اسماعیل بخشی کارگر رزمنده و شجاعی که صدای کارگران هفت تپه بود، رهبر کارگری که با سخنرانی‌های خود قلب بسیاری را در ایران و در دنیا فتح کرد، به همت همین کارگران هفت‌تپه و فولاد از زندان آزاد شد. رسانه‌های حکومت اسلامی ایران نیز این خبر را اعلام کردند. به اعتراضات خود برای آزادی سپیده قلیان و علی نجاتی و عسل محمدی و همه زندانیان دربند باید ادامه دهیم.

کمپین آزادی اسماعیل بخشی



نقش ویژه و سازمانده دانشجویان زن، و تاثیر چشمگیر جنبش نوین رهایی زن در شانزده آذر ۹۷، روز دانشجو



شیرین شمس

حکومت زن ستیز محکوم و به آن اعتراض میکند. جنبش نوین رهایی زن به عنوان یک رکن اساسی جنبش سرنگونی جمهوری اسلامی چنان تاثیری بر دانشگاهها گذاشته که بمناسبت شانزده آذر امسال، پرچم انقلاب زنانه در دانشگاهها برافراشته می شود. این پرچم پایین نخواهد آمد و جمهوری اسلامی هم توان مقابله با این انقلاب عظیم را ندارد و نخواهد داشت.

باید دست همه دانشجویان مبارز، آزادیخواه، مدافع برابری و سکولاریسم را به گرمی فشرد و اعلام کرد که دانشگاهها یکی از فاکتورهای نوید بخش رهایی زنان و جامعه از شر قوانین ارتجاعی اسلامی و مردسالار و سنت زده هستند. بالا بردن پرچم انقلاب زنانه در دانشگاهها، به معنای بالا بردن پرچم آزادیخواهی، برابری طلبی، سکولاریسم و رفاه همگانی است.

۱۹ آذر ۱۳۹۷

۱۰ دسامبر ۲۰۱۸

ایستادگی دانشجویان مقابل ایادی جمهوری اسلامی داشتند. همچنین در حمله بسیجیان به سالن سخنرانی مراسم روز دانشجو در دانشگاه علوم پزشکی اصفهان دانشجویان زن در حاشیه ای کردن بسیجی ها نقش بسزایی داشتند.

این نمونه ها و ده ها نمونه دیگر از این دست نشان میدهد که جنبش نوین رهایی زن در ایران به عنوان اولین جنبش سیاسی و مبارزاتی که چهل سال پیش مقابل قوانین و حکومت اسلامی ایستاد، و انقلاب زنانه جاری در جامعه ایران که در طی چهار دهه با مبارزات مدرن، سکولار، رادیکال، آزادیخواهانه و برابری طلبانه، جمهوری اسلامی را به عقب رانده، چه تاثیر عمیق و شگرفی بر دانشگاهها گذاشته که ما امروز شاهد چنین شانزده آذری هستیم که قلب حکومت و قوانین اسلامی و نرینه سالار آن را نشانه گرفته است.

همین دانشگاه که بدست جمهوری اسلامی جزء اولین مراکز اسلامیزه کردن جامعه و با حمله به زنان با تفکیک جنسیتی و حجاب اجباری و دیگر قوانین اسلامی محدود و ممنوع کننده زنان سازماندهی شد، امروز به یکی از مهمترین مراکز سرنگونی همین حکومت به دست دانشجویان پیشرو، رادیکال، سکولار، انقلابی و مبارز تبدیل شده است که مساله زن و موقعیت زن تحت حاکمیت جمهوری اسلامی را روی میز جامعه میگذارد و جمهوری اسلامی را به عنوان یک

دانشجویان زن درصاف اول مراسم و برنامه های شانزده آذر و پیشرو بودند که در این بین، قرائت بیانیه دانشجویان دانشکده هنر دانشگاه هنر و معماری در اتحاد و همبستگی با کارگران، معلمان و رانندگان و حمایت از اعتصاب و اعتراض مردم بمناسبت روز دانشجو توسط دانشجوی زن، راهپیمایی در دانشگاه علامه با پلاکاردهای سرخ و شعارهای اعتراضی، و حلقه انسانی با سرود یارداشتانی با حضور فعالان و سازمانده دانشجویان زن در مقابل دانشگاه تهران چشمگیر بود.

در دانشگاه تهران، در دست داشتن پلاکاردهایی در اعتراض به احکام سنگین دانشجویان زن و دخالتگر در امر مطالبات رادیکال زنان، همچون لیلا حسین زاده، پریسا رفیعی، سپیده مرادی و رویا صغیری از دختران خیابان انقلاب، و در دانشکده هنر دانشگاه هنر و معماری فریادهای یک دانشجو مقابل مامورین حراست در حمایت از سپیده قلیان و فرهاد میثمی زندانی سیاسی بدلیل اعتراض به حجاب اجباری، از نمونه های دیگر برجسته بودن شانزده آذر و رنگ زنانه ای بود که به آن زده شد.

در جدال تنگاتنگ دانشجویان با بسیجی ها و عوامل حکومتی در تجمع اعتراضی دانشگاه پلی تکنیک، دانشجویان زن نقش برجسته ای در استقامت و

خیابانهای ناامن برای زنان، اسیدپاشی های زنجره ای ایادی جمهوری اسلامی به صورت زنان، به تجاوزهای سیستماتیک به زنان، به قانون حجاب اجباری و ارگانهای تحمیل این قانون ضد زن، به کار خانگی زنان و سازماندهی زنان در خانه به عنوان نیروی کار ارزان و رایگان، به زندانی کردن فعالین زنان و فشار روی زندانیان سیاسی زن، اعتراض شد. در تئاتر شورایی دانشگاه تهران، با فریاد یک دانشجو تحت عنوان "من دانشجوی زن هستم به من فرصت دهید تا از سالها صدا در گلو ماندم و شنیده نشدن روایت کنم، مرا بشنوید"، به حجاب اجباری و تبعیض علیه زنان و سرکوب و خشونت و ستم سازماندهی شده بر زنان اعتراض شد.

در دانشگاه نوشیروانی بابل یک دانشجوی زن، نظام و فرهنگ اسلامی و مردسالار را به چالش کشید و در اعتراض به تحقیر زنان و فرهنگ ضد زن و علیه حجاب اجباری و تبعیض جنسیتی در محیط دانشگاه سخنرانی کرد.

در دانشگاه فنی شمسی پور، دانشجویان حین سخنرانی به سر دادن شعارهای علیه تفکیک جنسیتی پرداختند و این قانون زن ستیز را که بستر بیحقوقی های زنان و به نوعی توهین به مردان است را به چالش کشیدند.

شانزده آذر ۹۷ ویژه بود. در بستر اعتراضات وسیع دانشجویان با یک نقد طبقاتی چپ، نقش ویژه و چشمگیر دانشجویان زن در سازماندهی و اجرای آنها، و اعتراض به قوانین و فرهنگ زن ستیز اسلامی و مردسالار به وضوح دیده می شد. دانشجویان بر بستر اعتراضات وسیع موجود در دانشگاهها با شعار اداره شورایی، علیه خصوصی سازیها، احکام سنگین صادره برای دانشجویان، کالایی شدن آموزش و بطور کلی علیه وضع موجود، همچنین در حمایت گسترده از اعتصاب و اعتراض کارگران هفت تپه و فولاد اهواز و مبارزات معلمان، برای آزادی سپیده قلیان دانشجو و بازداشتی اعتراضت کارگران هفت تپه و اسماعیل بخشی نماینده محبوب کارگران هفت تپه، و بصورت ویژه در اعتراض به قوانین زن ستیز اسلامی و نرینه سالار، شانزده آذر باشکوه امسال را از چهاردهم تا هجدهم آذرماه برگزار کردند.

در دو تئاتر شورایی در دانشگاه تهران و علامه، اعتراض به قوانین و فرهنگ اسلامی و مردسالار و نرینه سالار بسیار چشمگیر بود. در تئاتر شورایی دانشگاه علامه که دانشجویان نقش کارگر، معلم، اقلیت عقیدتی، زن و مهاجر را اجرا میکردند، در اجرای قوی یک دانشجوی زن، به گستردگی



برگزیت؟

سینا پدram

به دنبال ریشه‌های تاریخی یک پدیده و رخداد سیاسی گشتن، در بسیاری از مسائل، شیوه متداول تحلیل‌های سیاسی است. اما ندیدن دگرذیسی یک امر و پدیده سیاسی و حتی یک کانسبت تاریخی در طول حیات آن، به همان نسبت متداولتر به نظر می‌رسید. اشتباهی که در تیوری کسالت آور است و در عالم سیاست فاجعه بار.

در تابستان ۲۰۱۶، بعد از یک رفراندوم معمولی، پادشاهی متحد بریتانیای کبیر، تصمیم به خروج از اتحادیه اروپا گرفت. شوک‌های اولیه جای خود را به ناباوری داد و ناباوری جای خود را به نگرانی و آینده‌ای ناروشن برای میلیونها.

بخشهای آتیشینی از همه جا در چرایی و چگونگی این جدایی از جناح‌های مختلف بورژوازی شنیده شد. سیاستمدار دست راستی معروف انگلیسی آقای نایجل فراژ Nigel Farage در عرض ۲۴ ساعت بعد از رفراندوم، از رهبری حزب استقلال پادشاهی متحده UKIP، کناره‌گیری کرد و اعلام کرد که احتیاج به وقت بیشتری برای گذراندن وقت با خانواده خود دارد. جالبتر آنکه بعد از پیروزی این حزب در رفراندوم ۲۰۱۶ که منجر به رأی آوردن خروج از اتحادیه اروپا شد، در عرض چند ماه به مرز از هم پاشیدگی رسید و ۹۰ درصد کرسی‌های خود را در شهرداری‌های بریتانیای کبیر از دست داد. و اکنون حزبی است که رهبران آن از یک اسکاندال تا اسکاندال دیگر زندگی سیاسی خود را تمرین می‌کنند.

دیوید کامرون David Cameron، رهبر وقت حزب حاکم بورژوازی، حزب محافظه کار، که آرشیبتکت این رفراندوم کذایی بود، از سمت نخست‌وزیری و رهبری حزب استعفا داد و مذاکرات جدایی را به خانم تریزا می Theresa May که به شکلی نسل‌آژیکی، خود را در قد و قواره "بانوی آهنین" میدید، واگذار کرد.

حزب کارگر بریتانیا، بعنوان

جناح چپ بورژوازی که با بحران درون حزبی خود دست و پا می‌زد، در ادامه سیاستهای "ضد امپریالیستی" رهبرجدید خود، جرمی کوربین Jeremy Corbyn با سکوت رضایت‌مندی، در هیبت نظاره‌گری منفعل در این تیاتر سیاسی پدیدار شد. اما با گذشت مدت زمانی نه دراز معلوم شد که دعوا بر سر "لحاف" مردم بریتانیای "نامتحد" بود.

اما چگونه؟

تضاد جناح‌های بورژوازی یا حمله به معیشت مردم تاریخاً بسیاری از تحلیل‌گران رابطه بریتانیا با اروپایی قاره، اتحادیه اروپا و یا معاهده‌ها و اتحادیه‌های مشابه پیشین را به دو کاتگوری تقسیم می‌کنند، اروپا-محوری eurocentrism و اروپا-ستیزی eurosceptism.

عضویت و یا عدم عضویت بریتانیا در معاهدات و اتحادیه‌های گوناگونی که پس از جنگ جهانی دوم در اروپا صورت می‌پذیرفت، همواره مورد مناقشه و مجادله جناحها و احزاب اجتماعی بریتانیا قرار گرفته است. از "کمیتت ذغال سنگ و فولاد" در سال ۱۹۵۱ تا معاهده رم در دهه ۶۰ و بالاخره پیمان ماستریخت در دهه ۹۰، احزاب رسمی و پارلمانی به موازات و یا در تقابل با جناحهای اقتصادی مختلف بورژوازی به پیوستن و یا خروج بریتانیا جواب‌های خود را داده‌اند. جوابهایی که گاه از یک دهه تا دهه بعد چرخش ۱۸۰ درجه‌ای بخود دیده است. نمونه مشخص آن چرخش سیاست مارگارت تاچراژ طرفداری از اروپایی متحد تا حد دشمنی رو در رو با اروپای قاره بود.

به نظر می‌رسد که چنین سیاستهای متناقضی در قبال اروپا، ریشه در تناقضات و تضادهای جناحها و قطب‌های اقتصادی داشته است. با قدرتگیری سرمایه‌های مالی در بریتانیای دهه نود و کم شدن سهم سرمایه‌های صنعتی، این اختلافات به

یکی از نقطه جوش‌های خود در تاریخ معاصر رسید.

در نگاه اول، به نظر می‌رسد که جدالهای سالهای اخیر نیز از جنس چنین سهمخواهی‌های جناح‌های گوناگون بورژوازی بود که در عالم سیاست خود را در جدایی و یا اتحاد با اتحادیه اروپا ترجمه می‌کرد. گرچه در آن دوره‌ها نیز تسهیل روند انباشت سرمایه، موتور محرکه چنین اتحادها و اشکال مختلف سیاسی بود، در دوره اخیر این موضوع، با وضوح بیشتری خود را به نمایش می‌گذارد.

تنها با خراشیدن سطح موضوع، می‌توانیم دریابیم که اینبار جریانات دیگری در عمق، در حرکت هستند. دوره معاصر، متاثر از بحران و رکود اقتصادی ۲۰۰۸، توده‌های مردمی را که از جایگاه خود در جامعه و سیاستهای سرمایه‌دارانه احزاب ریز و درشت بستر اصلی، ناراضی بودند، به میدان آورد. این بار حتی کوچکترین و یا بزرگترین تصمیمات و انتخابهای سیاسی در دولتها و پارلمانها پای مردم را به میدان می‌کشید.

به عبارتی، بالایی‌ها، سیاستمداران بورژوازی و در کل طبقه حاکمه مدت‌هاست که هژمونی سیاسی ایدئولوژیک خود را در جوامع به اصطلاح غربی از دست داده‌اند. آزمون خطا، راهی که به مردم راه نشان می‌دهد، همواره خطا بودن راه حل‌های طبقات حاکمه را به اثبات رسانده است و صبر مردم در حال لبریز شدن است.

استراتژی خروج از اتحادیه اروپا جواب بخشی از طبقه حاکمه به بحران اقتصادی و به طریق اولی به بحران سیاسی است که اروپا و غرب و در کل جوامع سرمایه‌داری را در نور دیده است. جوابی به غایت ارتجاعی، راسیستی، پروتکشنیستی و در مقابل خواستهای رفاهی مردم. از سوی دیگر برگزیت را میتوان حمله بورژوازی به جامعه بریتانیا دانست.

به اسم رفاه، بی‌رفاهی را به جامعه وعده می‌دهند. به اسم خدمات درمانی، بیمارستانها را یا به بخش خصوصی می‌فروشند و یا تعطیل می‌کنند. از بودجه مدارس

میزنند و به بودجه‌های نظامی اختصاص می‌دهند.

در آخرین پیش‌بینی اقتصادی خزانه‌داری و همچنین بانک مرکزی، در صورت تحقق برگزیت، تولید ناخالص ملی در عرض چند سال آینده ۹.۴٪ کاهش خواهد داشت و بیش از چندین میلیون خانواده در وضعیت اقتصادی وخیمی قرار خواهند گرفت. بی‌کاری دوبرابر خواهد شد و احتمال سقوط ۳۰ درصدی قیمت‌ها می‌رود. به نظر می‌رسد این و قطعا بسیاری دیگر از پیش‌بینی‌های انستیتوهای اقتصادی در اروپا نتایج خوبی را در پس خروج از اتحادیه اروپا به مردم بریتانیا نشان نمی‌دهند.

آینده ۳ میلیون تبعه کشورهای اروپا قاره که در شهرهای مختلف بریتانیا مشغول به کار و زندگی هستند و یک میلیون بریتانیایی که در کشورهای دیگر اروپایی به کار و تدریس و زندگی می‌پردازند، با خروج از اتحادیه اروپا در هاله‌ای از ابهام قرار گرفته است و علیرغم تضمینهای دول متقابل، چندان روشن نیست چه چیزی را باید به انتظار بنشینند.

ماندن یا نماندن. مسئله این نیست در غیاب چپ، احزاب و جنبشهای راست بریتانیا توانستند که مطالبات خود را به مشابه خواستهای تمام جامعه، به مردم بریتانیا که در عرض ده سال گذشته تحت سخت‌ترین سیاستهای ریاضت‌کشانه قرار داشتند، حقه‌کنند.

چپ بورژوازی در هیبت حزب کارگر، حداقل بخش رهبری آن، مخالفتی جدی با خروج بریتانیا نداشت و تا حدود زیادی در دوران رفراندوم خاموش ماند.

تحلیل عروج اتحادیه اروپا در دهه نود به عنوان یک قطب سیاسی اقتصادی در رقابت با بلوکهای دیگر از جمله آمریکا و چین در حوصله این مقاله نیست. اتحاد اروپا پروژه‌ای برای تسهیل حرکت، کالا، سرمایه و نیرو کار در یک بازار سیصد میلیونی است. به این اعتبار یک پروژه مشخص در سازمان دادن و تشدید استثمار طبقه کارگر بوده و هست. اما

درست بخاطر تسهیل این حرکت بالاجبار موجب بوجود آمدن تسهیلاتی برای شهروندان این جوامع نیز شده است. از این جهت به پروژه‌های پروتکشنیستی از جنس برگزیت که به ناسیونالیسم و راسیسم دامن می‌زند برتریهای خود را داراست.

به هر حال، ماهیت واقعی برگزیت، بعد از رفراندوم به سرعت برملا شد و معلوم شد که از صندوق آرا چیزی عاید مردمی که رأی داده‌اند نخواهد شد.

پس از دو سال کش و قوس و رفت و آمد بین سران اتحادیه اروپا و سران دولت بریتانیا توافقاتی مبنی بر خروج بریتانیا حاصل شده است که از هر سو مورد اختلاف و منازعه قرار گرفته است.

هنوز گزینه‌های مختلفی بر روی میز قرار دارد؛ خروج از اتحادیه اروپا بر اساس قرارداد اخیر، خروج از آن با شرایط مشابه رابطه نروژ با اتحادیه اروپا، خروج با شرایط کانادا، برگزیت به یک رفراندوم دیگر برای ماندن و یا جدا شدن و شاید هیچ کدام.

این آن کلاف سر در گمی است که هیئت‌های حاکمه دو طرف دریای مازن، هر روز در پشت پرده تعارفات دیپلماتیک برای حل آن با هم کشتی می‌گیرند. با کمی اغماض می‌توان از یک پارادوکس سیاسی قرن حاضر سخن گفت. پارادوکسی که پارادوکسهای ذنون در مقابل آن به معماهای بی‌جانانه‌ای بیش شبیه نیستند.

پارادوکسی که برنده‌ای ندارد ولی بازنده آن مردم اروپا و بریتانیا خواهند بود. از اینرو به نظر می‌رسد سؤال درست در صورت تحقق این جدایی، باید اینگونه طرح شود؛ چگونه مردم باید تبعات و مشکلات این جدایی را هزینه دولتهای خودی کنند و بخصوص در مقابل حمله دولت بریتانیا به معیشت مردم به بهانه برگزیت مقابله کنند.

واقعیت این است که برگزیت به عنوان یک رخداد سیاسی در جامعه بریتانیا و در میان مردم بریتانیا جایگاهی ندارد و در زمان کوتاه‌تر از دو سال مضمون واقعی آن برملا شده است.

گزارشی از سخنرانی مینا احدی در کنفرانس آنتی فاشیست ها در حمایت از جنبش کارگری در ایران



پنج شنبه ۱۳ دسامبر مینا احدی سخنران کنفرانسی بود در شهر آخن در معرفی جنبش کارگری ایران و مبارزات هفت تپه و فولاد و برای جلب همبستگی مردم آلمان با مبارزات مردم ایران برای سرنگونی حکومت اسلامی ایران

سخنرانی مینا احدی در شهر آخن به دعوت آنتی فاشیستهای شهر، مروری بود بر چگونگی روی کار آمدن حکومت اسلامی و جوانه زدن مبارزاتی که امروز همچون تنی واحد علیه حکومت مبارزه میکنند. جنبش کارگری، دانشجویی، جنبش زنان و جنبش

علیه اعدام و سنگسار و در دفاع از حقوق انسانی، جنبش ضد مذهبی و ضد اسلام. احدی گفت، اگر میخواهید حزب کمونیست کارگری ایران را بشناسید باید به این مبارزات دقت کنید. ما کمونیسمی از نوع دیگر هستیم. کمونیسمی که با حزب چپ در آلمان متفاوت است و نوع دیگری مسائل را می بیند. کمونیسمی که برای تغییر در همین امروز فعالیت میکند و تا کنون توانسته است از زندگی همین نسل تغییراتی ایجاد کند. کمونیسمی که یاد داد چگونه میتوان در کشور اختناق زده ای چون ایران رهبران کارگری داشت که با اتکا به نوعی از سبک کار بتوانند بمانند و مبارزه کنند و در نقش لیبر مبارزات

محبوبیت و احترام جلب کنند، چپی که همان روز اول گفت این حکومت دین شان بشر است و اصلاح بردار نیست و حجاب مهم است و زن ستیزی این حکومت را باید نشانه گرفت و علیه آن بود و اینکه کل این حکومت فقط شایسته سرنگون کردن هست. از همان روز اول. و اکنون همان رهبرانی که اعتصاب سی روزه سازمان میدهند و شعار نه به استثمار و نه به چپاول سر میدهند، همان کسانی که در بدترین شرایط شبکه ایجاد کرده و قدم به قدم مبارزات را پیش میبرند، همان زنانی که در همه شهرها و دانشگاهها و مراکز کار و فعالیت اجتماعی فریاد آزادی و برابری سر

میدهند، همین مردم میتوانند و باید آینده را بسازند. آلترناتیو حکومت اسلامی در ایران ساخته شده است.

بررسی اتفاقات هفت تپه و فولاد و جلب سمپاتی و همبستگی مردم آلمان به این مبارزات بخش دیگر سخنرانی بود و اینکه دولت آلمان و اتحادیه اروپا را باید تحت فشار گذاشت از حمایت و همراهی با حکومت اسلامی ایران دست بردارند.

در پایان تعدادی از حاضرین پیام همبستگی برای کارگران قهرمان فولاد و هفت تپه فرستادند و با تعدادی از حاضرین عکسی در حمایت از کارگران گرفتیم. ***

از صفحه ۲۰

برگزیت؟

تعدد دولت خانم تریزا می و طرفداران برگزیت در کابینه و حزب وی در ادامه این روند به اسم احترام به رأی مردم، رأیی که با مهندسی افکار، شانتاژ، جعلیات و سوء استفاده از نارضایتی مردم بدست آمده است، کسالت آورتر از آن است که مورد مذاقه قرار بگیرد. به هر رو با قطعیت میتوان گفت که عدم اهمیت برگزیت در روندهای بطنی تر و طولانی مدت تر سیاسی و اجتماعی بریتانیا از هم اکنون برای بسیاری آشکار شده است.

گی طبقه حاکمه بریتانیا در مقابل رشد فزاینده نارضایتی اجتماعی است. بیهودگی و ناکارآمدی و غیره بیانگر و شاخصهای دقیق این رخداد سیاسی نیست. نافرجامی و عقیم بودن پروژه های پروتکشنیستی در عصر جهانی شدن سرمایه داری پیشاپیش محتوم است.

دولت ملی و بطور اخص سازمان دهی سیاسی در قالب ملی در عصر حاضر برای روند سرمایه داری جهانی بسیار محدود کننده و بی خاصیت شده است. از زاویه دیگر، سازمان سیاسی ای به نام دولت ملی هیچ منفعتی برای اکثریت مردم جهان ندارد. این واقعیت هر روز بیشتر از گذشته، خود را به اثبات میرساند. جواب مردم در مقابل پروژه هایی مانند برگزیت و ترامپ و غیره، سازماندهی انسانی جوامع در بعد جهانی است. همکاری، تعاون و هر آنچه که معنای عملی و انسانی انترناسیونالیسم است، جواب انسانیت قرن حاضر در مقابله با هذیانهای سیاسی بورژوازی و پروژه هایی از جنس برگزیت است.

هفته آینده قرار است که قرار داد پیشنهادی و مورد توافق اتحادیه اروپا و دولت خانم ترزا می به رأی پارلمان انگلیس گذاشته شود. بسیاری از نشانه ها حکایت از این دارد که این قرارداد از جانب جناحهای مختلف پارلمان، از احزاب اپوزیسیون گرفته تا بخشهای نارضای حزب محافظه کار رد خواهد شد و بدنبال آن دولت ترزا می دوفاکتور رأی عدم اعتماد خواهد گرفت.

خارج از تمام بازیهای پارلمانی، بیهودگی پروژه برگزیت آنچنان عیان شده است، هرگونه اصرار به ادامه آن، حاکی از بی آیندهی و بی برنامه

به نظر میرسد که در این بازی سیاسی، اتحادیه اروپا با داشتن دست بالا، بی هیچ تخفیفی و با تحقیر دوستان انگلیسی خود به نتیجه مطلوب خود رسیده است، چه این جدایی تحقیر پذیرد و چه نه.

پس نوشت: خانم ترزا می روز دوشنبه ۱۰ دسامبر اعلام کرد که رأی گیری در مورد قرارداد منعقد شده را به بعد موکول میکند. در واقع ایشان متوجه شدند که مرکز "دلچکان سیاسی" انگلیس نیز به این قرارداد رای نخواهد داد. تا اطلاع ثانوی سیرک سیاسی دایر است. ***

مخاطره بیافکند، قابل تحمل نبود. خط قرمزها یادآوری شد. برگزیت موفق، حتی اگر بر روی کاغذ هم باشد، خاصیت وجودی اتحادیه اروپا را به خطر می انداخت. روشن بود که از خانم مرکل تا آقای مکرون و از بانک مرکزی مقتدر آلمان تا بانک HSBC و دیگر موسسات صنعتی و مالی، خط و نشانهای لازم کشیده شد. شکست و بیهودگی برگزیت روشن بود. هم برای مخالفان آن و هم برای دلچکان سیاسی دولت می، به استثناء عده ای یاهو گوی حرفه ای در پارلمان انگلیس.

اتحادیه اروپا و برگزیت موضوع اتحادیه اروپا و گردانندگان اصلی آن آلمان و فرانسه در مقابل برگزیت بسیار روشن بود. از همان روز اول در پس عبارتهای دیپلماتیک، یک سیاست خشن و بدون هیچ تخفیفی در مقابله دلچکهای سیاسی همچون خانم ترزا می پیش گرفته شد. بدون رو در بایستی به آمارهای سیاسی دولت خانم ترزا می هشدارهای لازم داده شد. روشن بود که هر آنچه که پروژه اتحادیه اروپا و هژمونی سیاسی و اقتصادی آن را به

اهم خواست های معلمان

تحصیل رایگان، درمان رایگان، افزایش حقوق بالای ۶ میلیون، آزادی معلمان زندانی، ایمن سازی مدارس، کیفیت بهتر آموزشی، لغو خصوصی سازی و کالایی کردن آموزش، بازگرداندن میلیاردها تومان ذخیره صندوق معلمان که به تاراج رفته است.

در یک کلام

معلمان به فقر و گرانی و بیحقوقی و فساد و بساط دزد سالار اسلامی اعتراض دارند.

گزارشی از جنبش جلیقه زردها در فرانسه

موجی از اعتراضات فرانسه را فرا گرفته است. اکنون ۴ هفته است تظاهرات و اعتراضات درگیرها و راهپیمایی‌های دهها هزار نفری و چند صد هزار نفری توده مردم فرانسه را به تکان در آورده است. جنبش "جلیقه زردها" (gilets jaunes ژیله ژون) که نام خود را به این اعتراضات زده است، جنبشی گسترده و توده‌ای است که از اواسط ماه مه یعنی هفت ماه پیش بصورت "آن لاین" شکل گرفت. اولین تظاهرات بزرگ روز شنبه ۱۷ نوامبر با شرکت بیش از ۳۰۰ هزار نفر در اعتراض به گران شدن سوخت در پاریس و شهرهای مختلف صورت گرفت. روز بعد نخست وزیر فرانسه ادوارد فیلیپ اعلام کرد که دولت از سیاستهای مالیاتی و اقتصادی خود کوتاه نخواهد آمد. این مساله به خشم مردم بیشتر دامن میزند. و پس از آن روز شنبه ۲۴ نوامبر چند صد هزار نفر در شهرهای مختلف دست به تظاهرات میزنند. در شانزه لیزه خیابان مشهور پاریس تظاهر کنندگان با پلیس درگیر میشوند. روز ۲۷ نوامبر مکرور وعده هایی برای بهبود اوضاع میدهد اما مردم آنها را بسیار ناکافی میدانند و به تظاهرات و اعتراض ادامه میدهند. بزرگترین تظاهرات بعدی روز اول دسامبر صورت میگیرد. اطراف تاق پیروزی درگیرهای گسترده ای با پلیس صورت میگیرد.

مردم فرانسه به افزایش قیمت سوخت، افزایش مالیاتها و پایین بودن دستمزدها و حقوقها و شرایط سخت زندگی بازنشستگان و توده مردم اعتراض دارند. معترضین میگویند بار اصلی مالیاتها و تورم و بیکاری روی دوش توده های کارگر و پایین جامعه است و دولت با سیاستهای اخیر مالیاتی اش به اقلیت ثروتمند و مولتی میلیاردر به هزینه کارگران و محرومان هدیه میدهد. در خلال این مبارزات و اعتراضات خواست هایی بسیار

فراتر از این موارد مطرح شده و مورد تاکید قرار میگیرد. معترضین از جمله خواستار عدالت اجتماعی، و استعفای مکرور هستند.

جنبش جلیقه زردها باعث شد در فضای کریسمس و مراسم های آخر سال برج توریستی ایفل تعطیل شود، فروشگاهها اطراف خود را زده کشی کنند، چراغهای کریسمس خاموش شود و کلا زندگی معمول در فرانسه عملا به حالت معلق در آمده است. در کشورهای دیگری مثل بلژیک و هلند نیز اعتراضاتی تحت تاثیر جنبش جلیقه زردها به جریان افتاده است. برخی گزارشها حاکی از این بود که در تونس نیز جنبشی بنام "جلیقه سرخها" با الهام از جلیقه زردهای فرانسه شروع شده است.

دولت امانوئل مکرور رئیس جمهور فرانسه و نخست وزیرش ادوارد فیلیپ ابتدا در برابر اعتراضات شان بالا انداختند و به معترضین حمله کردند و آنها را تحریک شده جریان افراطی نامیدند. دهها هزار پلیس و ژاندارم را علیه مردم معترض بسیج کردند و به خیابانها گسیل کردند. یک جنگ و گریز تمام عیار با پلیس در بسیاری شهرها جریان یافت. تاکنون ۴ نفر از معترضین در اثر درگیری با پلیس و ژاندارمها کشته شده اند. صدها نفر دستگیر شده اند. اما این تعرضات به گسترش اعتراضات دامن زد.

بالاخره سه هفته بعد از شروع اعتراضات و باگسترش خشم مردم، مکرور ناچار شد عقب نشینی هایی را قبول کند و از مردم عذرخواهی نماید. او بعد از اعلام تشکیل کابینه بحران و مشورت با احزاب سیاسی روز ۱۰ دسامبر در یک سخنرانی گفت من صدای اعتراضات شما را شنیدم. خشم شما را میفهمم. قولهایی داده ام و عمل نکرده ام. کلمات و جملاتی بکار برده ام که شما را رنجانده ام. او وعده داد که دستمزد حداقل را حدود ۱۰۰

یورو در ماه افزایش دهد و این در آمد افزوده را از مالیات معاف کند. مالیات اقسار پایین را کاهش دهد و مالیات بر درآمد بازنشستگان را کاهش دهد. اما در عین حال تاکید کرد که برنامه اقتصادی او را ادامه خواهد داد.

پاسخ مردم به این عقب نشینی ها هنوز دقیقا روشن نیست. بسیاری از مردم به وعده های اینچینی بدبینند. خیلیها همچنان بر ادامه اعتراضات و استعفای مکرور و دولت او پافشاری میکنند. اما بهر رو این حد از عقب نشینی ها میتواند فضای اعتراض را عجاتا کاهش دهد ولی نارضایتی های عمیق مردم از کل سیستم باعث میشود که این نوع اعتراضات بازم از جای دیگری سربلند کند.

از نظر سیاسی جنبش جلیقه زردها عمدتا تحت گرایش به چپ دارد. این جنبش یادآور جنبش ۹۹ درصدیهاست که چند سال پیش در کشورهای مختلف جریان یافت. خواستها و شعارهایی که این جنبش مورد تاکید قرار میدهد منشاء چپ دارد. اما مثل همه جنبش های توده ای در کشورهای مختلف، در این جنبش نیز همه گرایشات سیاسی حضور و دخالت دارند. حتی جریان راست افراطی با شعارهای ضد پنهانندگی و نژاد پرستانه در جاهایی توانسته اند فضا را بدست بگیرند. اما بخش اعظم شعارها و خواستها اعتراض به گرانی و مالیاتها و پایین بودن دستمزدهای کارگران و محرومیت توده مردم محروم است. نکته مشترک میان همه جریانات دست اندرکار این اعتراضات مخالفت با سیستم حاکم است.

همانگونه که اشاره شد با عقب نشینی های امانوئل مکرور بحثهایی میان مردم برای ادامه یا عدم ادامه اعتراضات در جریان است و ادامه این جنبش به سرنوشت این بحثها بستگی دارد.

رضا پهلوی و معمایی در سه کلمه

خلیل کیوان



شاه بیت صحبت های رضا پهلوی در مصاحبه هایشان و از جمله در گفت و گو با تلویزیون اینترنشنال «آزادی، امنیت و کرامت انسانی» است. او میگوید در جامعه مورد نظر ایشان گدا و ندار هم، باید از کرامت انسانی برخوردار باشند.

آقای پهلوی در این مصاحبه مثل موارد دیگر، کمی از سطح به عمق وارد نمیشوند و توضیح نمیدهند که چطور ممکن است جامعه ای رفاه نداشته باشد و بقول ایشان گدا و ندار داشته باشد و از کرامت انسانی برخوردار باشد. او دو کلمه استدلال نمیکند که چطور ممکن است در جامعه امنیت باشد مادام که فقر و اختلاف فاحش طبقاتی در آن وجود دارد. و چیزی در مورد اینکه چگونه جامعه مورد نظر ایشان آزادی خواهد داشت وقتی بخش بزرگی از جامعه به فقر و نداری و تنگدستی و زندگی زیر استاندارد محکوم است.

رمزگشایی معمایی چنین جامعه ای کار دشواری نیست؛ جامعه مورد نظر ایشان را فقط با سرکوب آزادی و تحمیل فقر به اکثریت و له شدن کرامت انسانی می توان تصور کرد. جامعه ی مورد نظر رضا پهلوی و نیروهای راست، جامعه ای است که در آن کارگر و اکثریت مزدبگیران محکوم به نداری اند. چنین جامعه ای را با سرکوب پلیسی و امنیتی می توان اداره کرد. در چنین جامعه ای نه رفاه هست و نه امنیت و نه از کرامت انسانی خبری خواهد.

عدم توفیق رضا پهلوی و نیروهای راست برای سوار کردن آلترناتیویشان بر اعتراضات جامعه از همینجا مایه میگیرد. انتخاب نشدن رضا پهلوی و نیروهای راست از سوی مردم، علیرغم امکانات مالی گسترده شان و حمایت رسانه های بین المللی فارسی همچون: من و تو، صدای آمریکا و تلویزیون اینترنشنال، و همراهی بی بی سی و رادیو فردا و صدای آلمان و غیره که بعد از دیمه ۹۷ امیدشان از اصلاح طلبان قطع شده است، ریشه در تعبیر عمیق جامعه از «آزادی، رفاه و کرامت انسانی» دارد. به همین دلیل است که تعبیر رضا پهلوی و نیروهای راست از این سه کلمه خریداری در جامعه ندارد.

تحقق آزادی، رفاه و کرامت انسانی در گرو سرنگونی جمهوری اسلامی و پیروزی انقلاب و قدرت گیری چپ در جامعه و بویژه عروج کمونیسم کارگری و حزب آن در راس اعتراضات جامعه است. اعتراضات بخش های مختلف جامعه و بویژه اعتراضات کارگران فولاد و هفت تپه و پژواک شعار اداره شورایی جامعه فی الحال تعبیر جامعه از این سه کلمه را بدست داده است. جامعه با گام های استوار برای تحقق آزادی، رفاه و کرامت انسانی به پیش می رود.*

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: خلیل کیوان
مسئول فنی: عبدال گلبریان

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

به حزب کمونیست کارگری ایران بپیوندید

اطلاعیه ها:

تجمع کارگران نیشکر هفت تپه در اعتراض به عدم آزادی اسماعیل بخشی



صبح روز ۱۸ آذر کارگران نیشکر هفت تپه در پاسخ به فراخوان قبلی خود تجمعی در اعتراض به آزاد نشدن اسماعیل بخشی نماینده محبوبشان که بنا بر بخشنامه کاظمی مدیر عامل جدید نیشکر هفت تپه قرار بود در هفدهم آذر آزاد شود، برپا کردند. قضیه از این قرار است که شب شانزدهم آذر ماه کاظمی باهماهنگی دادستان کل خوزستان طی بخشنامه ای از آزادی اسماعیل بخشی در هفدهم آذر خبر داد. کارگران میدانستند که این خبر زیر فشار اعتراض آنان انتشار یافته است و بطور واقعی قصد آزادی بخشی را ندارند. به همین دلیل تعدادی از کارگران در این روز همراه با خانواده اسماعیل بخشی به اهواز رفتند و خواستار آزادی فوری وی شدند. اما مقامات زندان از همان صبح این روز آنها را دست به سر کردند و در آخر نیز جهت پیگیری آنان را به دادگاه اهواز در کیانپارس مراجعه دادند. بعد هم به آنها گفته شد که اسماعیل بخشی آزاد نمیشود. و پرونده اش به دادگاه انقلاب ارجاع داده شده است.

بدنبال این سردواندن ها کارگران نیشکر هفت تپه در اعتراض به آزاد نشدن اسماعیل بخشی و برای آزادی او و علی نجاتی عضو هیات مدیره سندیکای نیشکر هفت تپه و سپیده قلیان و عسل محمدی دو دانشجویی که به جرم خبرنگاری از این اعتراضات و پخش گزارش و فیلم دستگیر شده بودند، به تجمع روز هفدهم آذرماه در محل کارخانه فراخوان دادند.

در این فراخوان اعلام شده بود که این تجمع میتواند مقدمه برپایی اعتصاب فراگیر کل این مجتمع و تدارک برای گرد همایی دوباره در مقابل فرمانداری باشد. با دستگیری اسماعیل بخشی خواست اول کارگران نیشکر هفت تپه آزادی او و تمامی بازداشت شدگان نیشکر هفت تپه است. عسل محمدی آخرین نمونه از این دستگیری هاست که به جرم تهیه گزارش و فیلم از مبارزات کارگران هفت تپه در سیزدهم آذر بازداشت شد که همچنان در زندان است. گزارشات از وضعیت جسمانی نگران کننده اسماعیل بخشی و سپیده قلیان خبر میدهند. اسماعیل بخشی بخاطر بدست

گرفتن پرچم خواستههای برحق کارگران و جلب حمایت وسیع مردم دستگیر و زندانی شده و به جرم مسخره "اجتماع و تبنانی علیه امنیت ملی" متهم شده است. بنا بر خبر اعلام شده از سوی فرزانه زیلابی وکیل بازداشت شدگان هفت تپه اخیرا برای اسماعیل بخشی پرونده دیگری در شعبه ۱۲ بازپرسی اهواز مطرح شده که اتهام وی در آن پرونده مشارکت در تشکیل گروه با هدف برهم زدن امنیت بوده است. این نوع پرونده سازیها از جانب حکومت علیه فعالین کارگری شناخته شده است و مورد نفرت همه کارگران و مردم است. اسماعیل بخشی و علی نجاتی و همچنین سپیده قلیان و عسل محمدی باید فوراً آزاد شوند. تمام خواستههای کارگران نیشکر هفت تپه باید عملی شود. همبستگی با کارگران نیشکر هفت تپه در ایران و در سطح جهان بسیار وسیع و شورانگیز است. این همبستگی ها را باید همچنان ادامه داد و حکومت منفور اسلامی را بیش از پیش زیر فشار اعتراضات قرار داد.

پیش بسوی اعتصابات سراسری
پیش بسوی ایجاد شوراها
حزب کمونیست کارگری ایران
۲۰ آذر ۱۳۹۷، ۱۱ دسامبر ۲۰۱۸

موج همبستگی شکوهند با کارگران هفت تپه و نیشکر هفت تپه ادامه دارد

اعتراضات کارگران نیشکر هفت تپه در کنار اعتراضات گروه ملی فولاد اهواز دو سنگر مهم پیشروی های جنبش کارگری و کل جامعه است. این اعتراضات تا کنون با موجی از همبستگی در ایران و در سطح جهان روبرو شده است. در همین رابطه روز ۲۰ آذر جمعی از کارگران در تهران در هماهنگی با اتحادیه آزاد کارگران ایران در مقابل مجلس شورای اسلامی تجمع کردند و با در دست داشتن بنرهایی از بازداشت شدگان هفت تپه اعلام حمایت کردند. در این تجمع پروین محمدی نایب رئیسه اتحادیه آزاد و شاپور احسانی راد طی سخنانی خواستههای اعتراضی کارگران هفت تپه را بیان کردند و با شعارهایی چون فولاد، هفت تپه، حمایت میکنیم، کارگر، معلم، دانشجو اتحاد، اتحاد، کارگر زندانی آزاد باید گردد بر همبستگی و اتحاد تاکید کردند. این تجمع تحت محاصره پلیس و علیرغم ممانعت از پیوستن تعداد بیشتری از کارگران برگزار شد. اعتراضات کارگران نیشکر هفت تپه و گروه ملی همچنین دانشگاه ها را در سطح سراسری به تحرك در آورده است. از جمله يك محور مهم شعارها و بیانیه های ۱۶ آذر

امسال در دانشگاهها در حمایت از مبارزات کارگران نیشکر هفت تپه و فولاد اهواز و برای آزادی بازداشت شدگان هفت تپه بوده است. در این روز دانشجویان با شعار های "کارگر، دانشجو اتحاد، اتحاد"، "اسماعیلو گرفتند، ما همه بخشی هستنیم" و "کارگر زندانی آزاد باید گردد" همبستگی خود را با کارگران نیشکر هفت تپه اعلام داشتند. در عین حال يك شعار کارگران در گروه ملی فولاد اهواز به مناسبت شانزدهم آذر ماه شعار "کارگر، دانشجو، اتحاد، اتحاد" بود.

در سطح بین المللی در ادامه حمایتها و همبستگی های تشکلهای متعدد کارگران و معلمان از کارگران نیشکر هفت تپه، روز شانزدهم آذر ماه کنگره کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های کارگری طی قطعنامه ای همبستگی خود را با کارگران و دانشجویان در ایران اعلام داشته و خواستار آزادی کارگران بازداشتی از جمله اسماعیل بخشی و علی نجاتی و به رسمیت شناختن اتحادیه ها و شوراهاى مستقل کارگری در ایران گردید. این قطعنامه توسط کنفدراسیون های بزرگ اتحادیه ای از جمله تی یو سی بریتانیا، ث ژ ت فرانسه، سی اف دی ت فرانسه، سی جی آی ال ایتالیا، ال او نروژ، ال او سوئد، د ک ب آلمان و سی ال سی کانادا تدوین شده و در اختیار کنگره تی یو سی قرار گرفته و توسط نمایندگان در کنگره که بیش از ۲۰۷ میلیون کارگر در ۱۶۳ کشور را نمایندگی می کند به تصویب رسید. این قطعنامه همچنین خواهان همکاری آی تی یو سی و فدراسیون های جهانی کارگری در حمایت از کارگران ایران شده است. متن قطعنامه به زودی منتشر خواهد شد. همچنین اتحادیه جهانی کارگران صنعتی از کارگران هفت تپه و فولاد اعلام حمایت کرده و بر آزادی فوری اسماعیل بخشی و سپیده قلیان تاکید کرد.

همچنین ۶ تشکل و نهاد کارگری یعنی "سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه"، "سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه"، "کانون صنفی معلمان تهران"، "گروه اتحاد بازنشستگان"، "کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری" و "معلمان عدالتخواه" به کارزاری سراسری در حمایت از کارگران هفت تپه و برای آزادی اسماعیل بخشی و بازداشت شدگان هفت تپه فراخوان داده اند. این درحالیست که حمایت و پشتیبانی از مبارزات کارگران نیشکر هفت تپه و گروه ملی از سوی بخش های مختلف جامعه در اشکال مختلفی ادامه دارد. در این هفته جمع هایی از پرستاران، معلمان و کارگران از اعتراضات این کارگران اعلام داشتند. همبستگی با کارگران نیشکر هفت تپه و گروه ملی ادامه دارد و لیست آن ضمیمه است.

پیش بسوی اعتصابات سراسری
پیش بسوی ایجاد شوراها
حزب کمونیست کارگری ایران
۲۰ آذر ۱۳۹۷، ۱۱ دسامبر ۲۰۱۸

لیست همبستگی با کارگران نیشکر هفت تپه:

- ۱۳ آذر تجمع دانشجویان دانشگاه امیرکبیر در تهران با شعار کارگر زندانی آزاد باید گردد.
- ۲۶ نفر از وکلای دادگستری ایران و فعالان حامی کارگران هفت تپه در نهم آذر ماه در محکومیت بدرفتاری و شکنجهی "اسماعیل بخشی" و سایر کارگران بازداشتی نامه ای اعتراضی داده اند.
- کارزاری تحت عنوان "کنار هفت تپه و فولاد ایستاده ایم" نیز در گروه های میدیای اجتماعی از سوی جمعیت زیادی از معلمان، کارگران و فعالین اجتماعی - تا کنون هزار نفر طومار اعتراضی این کارزار در حمایت از کارگران هفت تپه را امضاء کرده اند.
- بیانیه ای نیز از سوی چند صد نفر از فعالین سیاسی، اجتماعی و جمعی از خانواده جانبازان و زندانیان سیاسی
- کارگران آریان فولاد بوئین زهرا در استان قزوین
- جمعی از کارگران شاغل در شهرک های صنعتی جابان و خرمندشت
- تجمع دوباره دانشجویان دانشگاه هنر تهران نیز با دست نوشته هایی در حمایت از کارگران نیشکر هفت و با شعار دادن و سرود خوانی
- تجمع دانشجویان دانشگاه زنجان با در دست داشتن پلاکاردهایی در حمایت از کارگران هفت تپه اعلام کردند.
- حمایت دانشجویان دانشگاه نوشیروانی بابل؛
- سندیکای کارگران فلزکار مکانیک،
- کانون صنفی فرهنگیان شهرستان الیگودرز
- کانون نویسندگان ایران
- فرنگیس مظلوم مادر سهیل عربی
- پخش کلیپ در همبستگی از کارگران نیشکر هفت تپه از سوی بخش های مختلف جامعه همچون معلمان، بازنشستگان، دانشجویان و رانندگان کامیون که خود در اعتصابند، انتشار یافته است.
- بیانیه جمعی از کارگران و خانواده های کارگری سندانج در حمایت از کارگران هفت تپه و فولاد اهواز!
- کارگران گروه ملی فولاد اهواز،

اطلاعیه ها...

- پیام حمایتی اعضای اتحادیه هماهنگ کننده رانندگان سراسر کشور با امضاهای زیر است:

انجمن صنف تاکسیرانان مازنداران، انجمن صنف اتوبوسرانی قم، کانون صنف رانندگان کامیونداران کمپرسی یزد، کانون رانندگان و کامیونداران بندر عباس، اتحادیه حمل و نقل ترانزیت ایران ترکیه، جمعی از رانندگان ترانزیت ایران ایتالیا، حمل و نقل شهری تهران و حومه، سندیکای رانندگان استیجاری شهر تبریز، انجمن رانندگان استیجاری شرکت گاز، جمعی از وکلای تهران و کرج، واحد آتش نشانی قزوین و رانندگان ماشین آلات سنگین معدن اراک، انجمن حمایت از رانندگان یاسوج، واحد آتش نشانی شوش و حومه، کانون صنفی آموزشگاههای رانندگی کشور، اتحادیه ماشین آلات کشاورزی شیراز.

- جمعی از رانندگان شهر اصفهان،
- جمعی از زندانیان سیاسی زندان رجایی شهر کرج،

- جمعی از معلمان عدالتخواه، جمعی از معلمان، کارگران و دانشجویان،
- گروه اتحاد بازنشستگان،
- شورای بازنشستگان ایران،
- آموزش و پرورش شوش و شاورر،
- سندیکای شرکت واحد،
- اتحادیه آزاد کارگران ایران،
- انجمن صنفی کارگران برق و فلز کار کرمانشاه،

- فرهنگیان شاغل و بازنشسته،
- فرهنگیان مشهد، بازاریبان و مغازه داران شوش و...

- طومار اعتراضی با بیش از دویست امضاء از سوی فعالین کارگری و چهره های شناخته شده کارگری

- جمعی از شهروندان تهران

کارخانجاتی که از کارگران نیشکر هفت تپه و گروه ملی اعلام حمایت کرده اند:



- کارکنان کاغذپارس، کارکنان حریرپارس، کارکنان نیشکر میان آب، کارکنان و کارگران هپکو در اراک، کارکنان و کارگران پتروشیمی ماهشهر، کارگران عسلویه، کارگران قند شوش،

کارگران آبداران شاورر، شورای کارگری بازنشستگان تامین اجتماعی،

- فرهنگیان شاورر و شوش، کارگران اداره مخابرات، نیروهای شرکتی مخابرات، کارکنان بهداشت و درمان، کارگران گروه صنایع کاغذ پارس، کارگران گروه مینا در کرج، کارگران چادملو، جمعی از کارگران ساوه، نیروهای پیمانکاری وزارت نفت، کارگران معدن تراورتن عباس آباد

- حمایت ۳۰ انجمن صنفی کارگران ساختمانی امضاهای زیر: انجمن صنفی کارگران و استادکاران ساختمانی مریوان و سروباد، انجمن صنفی کارگران ساختمانی سقز، انجمن صنفی کارگران ساختمانی دیواندره، ۴: انجمن صنفی کارگران ساختمانی کامیاران، انجمن صنفی کارگران ساختمانی برقکاران کرمانشاه، انجمن صنفی کارگران ساختمانی شهرستان نظرآباد، انجمن صنفی کارگران ساختمانی بانه، انجمن صنفی کارگران ساختمانی پاوه، انجمن صنفی کارگران ساختمانی جوانرود، کانون کارگران ساختمانی استان کردستان، انجمن صنفی کارگران ساختمانی هرسین، کانون انجمن های کارگری (حرف) کرمانشاه، انجمن کارگران ساختمانی کرمانشاه، انجمن صنفی کارگری اسلام آباد غرب، انجمن صنفی کارگری ساختمانی پاوه، انجمن صنفی کارگری شهرستان روانسر، ۱۸: انجمن صنفی کارگران ساختمانی دهگلان، انجمن صنفی کارگری ساختمانی جوانرود، انجمن صنفی کارگری ساختمانی سرپل ذهاب، انجمن صنفی کارگری ساختمانی قصرشیرین، انجمن صنفی کارگران ساختمانی شهرری، وحسن آباد فشافویه، انجمن صنفی کارگری ساختمانی سنقرکلیایی، انجمن صنفی کارگری ساختمانی کنگاور، انجمن صنفی کارگران ساختمانی قره، انجمن کارگری ساختمانی صحنه، هرسین، انجمن کارگری ساختمانی آبادان، انجمن صنفی کارگران ساختمانی آبادان، کانون کارگران ساختمانی خوزستان، انجمن صنفی کارگران ساختمانی رشت

حمایت های دانشجویان :

- دانشجویان دانشگاه تهران، دانشجویان دانشگاه علامه، دانشجویان دانشگاه چمران، جمعی از دانشجویان دانشگاه چمران،

از سایر کشورها

- قطعنامه جلسه نمایندگان محلات اتحادیه ساختمان، جنگل و انرژی واحد استان نیوسات ولس استرالیا در همبستگی با

کارگران در ایران

- نامه حمایتی ریتا ملیا رئیس واحد استان نیوسات ولس اتحادیه ساختمان، جنگل و انرژی استرالیا
- پیام کارزار "دوشنبه ها در دورتموند" در آلمان در همبستگی با دستگیر شدگان نیشکر هفت تپه
- پیام همبستگی معاون اتحادیه پست کانادا در حمایت از کارگران ایران و برای آزادی اسماعیل بخشی

- پیام همبستگی اتحادیه کارگری یونیفور کانادا با بیش از ۳۰۰ هزار عضو
- کنفدراسیون سراسری ایتالیا برای کار (CGIL)

- اتحادیه کارگران فورڈ آلمان
- اتحادیه معلمان انگلستان
- کنفدراسیون عمومی کار فرانسه (س ژ ت)

- دانشجویان دانشگاه جهان وطن شهر مونیخ آلمان با در دست گرفتن بنری که ریش نوشته شده "ما همه هفت تپه هستیم"
- حمایت دانشجویان دانشگاه زوریخ سویس

- کنوانسیون فدراسیون کارگران بریتیش کلمبیا در ونکوور کانادا (در این کنوانسیون بیش از هزار نماینده اتحادیه های کارگری استان بریتیش کلمبیا به نمایندگی از قریب پانصد هزار کارگر شرکت داشتند).
- اتحادیه کارگران دولتی و خدمات در کانادا

- استفان فون سیچووسکی " دبیر کل شورای اتحادیه های کارگری ونکور و حومه در کانا
- بیش از ۸۰ سندیکا و تشکل کارگری از سراسر دنیا به علی خامنه ای در مورد سرکوب کارگران و معلمان نامه داده و در آن خواستار آزادی فوری و بدون قید و شرط اسماعیل بخشی، علی نجاتی و سپیده قلیان شدند.

در خارج کشور نیز از سوی حزب کمونیست کارگری و تعداد دیگری از احزاب و سازمان های سیاسی آکسیونهایی در همبستگی با کارگران نیشکر هفت تپه و برای آزادی اسماعیل بخشی و دیگر بازداشت شدگان سازمان داده شده است. این همبستگی ها ادامه دارد.

- کمپین کمیته مبارزه برای آزادی کارگران زندانی

- کمپین اسماعیل بخشی را آزاد کنید،
- کمپین برای آزادی کارگران زندانی Free Them Now

این نیز قابل توجه است که وسعت و قدرت اعتراضات کارگران و مردم در صفوف حکومتیان هراس و شکاف انداخته و حتی "حوزه های علمیه" جمهوری اسلامی در قم، شوش، دزفول و اهواز و "جامعه روحانیت" در قم از اعتراضات کارگران نیشکر هفت تپه

اعلام حمایت کرده اند!

اسماعیل بخشی آزاد شد!



روز ۲۱ آذر اسماعیل بخشی نماینده محبوب کارگران نیشکر هفت تپه از چنگ حاکمان اسلامی سرمایه آزاد شد. آزادی اسماعیل بخشی را به خانواده او، به همه کارگران نیشکر هفت تپه و همه کارگران مردم صمیمانه شادباش میگویم.

آزادی اسماعیل بخشی که نقش مهمی در رهبری مبارزات قدرتمند کارگران هفت تپه و متحد کردن و متشکل کردن آنها داشت و سخنان حق طلبانه و رادیکال او در قلب میلیون ها نفر در سراسر کشور جا گرفت، بی تردید یک رویداد بسیار شگفت انگیز برای همه کارگران و مردم شریف در ایران و همه جهان است. میلیونها نفر در سراسر ایران و جهان در ۲۴ روز گذشته اخبار مربوط به دستگیری و وضعیت اسماعیل بخشی را با نگرانی دنبال کردند و مبارزه گسترده ای در ایران و در کشورهای مختلف برای آزادی او از دست حکومت جنایتکار اسلامی به راه افتاد. از کارگران نیشکر هفت تپه و خانواده های آنها تا هزاران کارگر فولاد اهواز که خواست آزادی بخشی را بعنوان يك خواست مهم خود اعلام کردند و دانشجویان دانشگاه های مختلف و هزاران نفر دیگر که در ایران و در کشورهای مختلف برای آزادی بخشی به میدان آمدند، و حمایت تشکلهای کارگری و انسان دوست و فدراسیون های بزرگ کارگران جهان، مبارزه قدرتمندی شکل دادند که جمهوری اسلامی را مجبور به آزادی اسماعیل کرد.

جمهوری اسلامی چماق زندان و دستگیری و سرکوب را علیه کارگرانی بلند کرده است که برای حقوق بديهی و خواست های حق طلبانه خود مبارزه میکنند. با همبستگی و اتحادمان میتوانیم علی نجاتی دیگر فعال کارگری نیشکر هفت تپه که همچنان در بند است و همچنین سپیده قلیان و عسل محمدی که در ارتباط با مبارزات کارگران نیشکر هفت تپه دستگیر شده اند را نیز از زندان های جمهوری اسلامی بیرون بکشیم و لغو تمامی پرونده هایی که جمهوری اسلامی علیه کارگران هفت تپه و فولاد و سایر کارگران ساخته است را به حاکمان سرکوبگر اسلامی تحمیل کنیم.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۱ آذر ۱۳۹۷، ۱۲ دسامبر ۲۰۱۸

اطلاعیه ها...

سی و یکمین روز اعتراض پیکارچه کارگران فولاد اهواز



روز ۱۹ آذر کارگران گروه ملی فواد اهواز در سی و یکمین روز اعتراضاتشان مقابل استانداری این شهر تجمع کردند و سپس با حرکت در خیابانهای شهر همانند روزهای دیگر در مقابل مراکز مختلف دولتی ایستاده و شعارهای اعتراضی شان را سردادند. در این روز کارگران با شعارهایی چون "کشور ما دزدخونه است، توی جهان نمونه است"، "نه کارگر، نه دولت، نیستن حریف کارگر"، "استاندار و فرماندار بیعرضه و بیخیال"، "مسئول بی لیاقت استعفا استعفا" سیستم چپاولگرانه حاکم را به چالش کشیدند و خشم و اعتراض عمیق خود از کل وضعیت حاکم را به نمایش گذاشتند.

در حرکت اعتراضی این روز کارگران اتوبان مقابل منزل و دفتر جزایری نماینده خامنه ای در خوزستان را مسدود کردند و با تجمع در آنجا با شعار های پرنشین خود و سخنرانی هایشان دست به افشگری علیه مفخوران زدند. در این تجمع یکی از کارگران طی سخنانی اعتراض خود را به دزدی ها اعلام داشت و گفت "شب یلدا که هیچ حتی سفره عیدمان را اینجا پهن میکنیم و به خانه نمیرویم تا مساله تولید حل شود".

یک شیوه اعتراض شماری از کارگران در این روز پوشیدن کفن به نشانه آمادگی برای ادامه مبارزه تا آخر بود. اما این، روش و سنت مناسبی برای مبارزه کارگری نیست و متوسل شدن به شیوه های مذهبی و قومی دست جریانات ارتجاعی دست ساز کارفرما و حکومت را برای شکاف انداختن در میان کارگران بازتر میکند و به کل حرکت طبقه کارگر بعنوان یک حرکت پیشرو بطور جدی لطمه میزند.

گفتنی است که در شامگاه یکشنبه ۱۸ آذر چندنزای نمایندگان مجلس اسلامی در یک نشست برای بررسی مشکلات آب و فاضلاب اهواز شرکت کرده بودند و کارگران با راهپیمایی به طرف این نشست که در مسجد جواد الائمه... برگزار شده بود این محل را به صحنه اعتراض خود تبدیل کردند. یکی از کارگران خشمگین گروه ملی صنعتی فولاد بر سر نمایندگان رژیم از اهواز که همراه و همدم مافیای شده اند، فریاد زد و گفت: "چرا

از مافیای اسم نمی آوری؟ اسم بیار اسم بیار، اینها زندگی ما را به باد دادند".

یکی از صحنه جالب اعتراض کارگران در روز ۱۹ آذر، نجات یک خبرنگار زن از دست ماموران سرکوب حکومتی بود. کارگران با فریاد "ولش کن، ولش کن" به جلو حرکت کردند و این زن جوان خبرنگار را از دست آنان رها کردند.

کارگران فولاد اهواز به اختلاسها و چپاولها که بخش های مختلف تولید کارخانه را به تعطیلی کشانده و کار و معیشت آنها را به خطر انداخته است و به نپرداختن دستمزدها و شرایط برده وار کارشان اعتراض دارند. این کارگران در سی و یک روز اعتراض قدرتمند خود توانسته اند شهر اهواز را به تحرك در آورند و همصدا با کارگران نیشکر هفت تپه حمایت بخش های وسیع جامعه را جلب کرده اند. مبارزات و خواستههای این کارگران شایسته وسیعترین حمایت هاست.

حزب کمونیست کارگری ایران
پیش بسوی اعتصابات سراسری
پیش بسوی ایجاد شوراها
حزب کمونیست کارگری ایران
۱۵ آذر ۱۳۹۷، ۶ دسامبر ۲۰۱۸

میثم آل مهدی از فعالین فولاد اهواز آزاد شد اعتراضات کارگران با قدرت ادامه دارد



روز ۲۱ آذر میثم آل مهدی از کارگران معترض گروه ملی صنعتی فولاد ایران که روز گذشته توسط مامورین لباس شخصی بازداشت شده بود با پیگیری همکاران و در میان استقبال پرشور آنان آزاد شد.

بدنبال بازداشت میثم آل مهدی در روز گذشته، کارگران گروه ملی فولاد اهواز برای آزادی او و پیگیری خواستههایشان برای ساعت هشت صبح روز ۲۱ آذر فراخوان به تجمع در مقابل استانداری را دادند. در این فراخوان کارگران ضمن محکوم کردن تشدید فشارهای امنیتی و بازداشتها قاطعانه اعلام داشتند که این فشارها بر اعتراض آنها شدت داده و کمکی به آرام کردن فضای اعتراض آنها نخواهد کرد. در این فراخوان همچنین کارگران از اینکه زیر فشار آنها در روز گذشته برای راه اندازی تولید ماشین های شمش به

بخش دو وارد شده خبر دادند. اما کارگران این اقدام را ناکافی دانسته و اعلام کردند که به این رضایت نخواهند داد. زیرا از یک سو شمش ها برای بخشی اختصاص یافته که تقریباً حدود یکماه اماده سازی لازم دارد و بخش آماده ای همچون کوثر را بدون مواد اولیه رها نموده اند. یک اعتراض مهم این کارگران تعطیلی تولید در بخش های مختلف کارخانه و زیر سوال رفتن زندگی و معیشتشان است.

روز ۲۱ آذر کارگران فولاد اهواز در سی و سومین روز اعتراضاتشان در مقابل استانداری و دیگر مراکز دولتی تجمع کردند و در خیابانهای شهر مارش رفتند. در این روز جمعیت کثیری در تجمع کارگران فولاد شرکت داشتند و در صف راهپیمایی آنها حضور زنان قابل توجه بود. در تجمع این روز کارگران در مقابل مسجد جزایری، کریم سیاحی، غریب حویزای و طارق خلقی از کارگران معترض گروه ملی سخنرانی کردند. کریم سیاحی و طارق خلقی در سخنرانی هایشان اتمام حجت کردند که اگر تا روز شنبه ۲۴ آذر به مطالبات آنها رسیدگی نشود با قدرت بیشتری اعتراضاتشان را گسترش خواهند داد. غریب حویزای در اعتراض به اختلاس ها و چپاول ها فریاد زد و گفت "من مالباخته ام. آمده ام به خیابان و دارم داد میزنم که خانه ام را دزد زده است. ببینید چقدر مسخره است. پلیس و امنیت با من برخورد میکنند و با دزد هیچ برخوردی نکرده است. این چه وضعیتی است؟ اگر شما هم فهمیدید به ما هم بگویید! با مالباخته برخورد می کنند یا با دزد؟".

تجمع کنندگان در تایید سخنان او شعار میدهند "کشور ما دزدخونه است، توی جهان نمونه است". یک تجمع دیگر کارگران در این روز مقابل ساختمان بانک ملی که مالکیت موقت این شرکت را دارد، برپا شد. در محل بانک ملی شعبه شهدا در خیابان نادری کارگران با پرت کردن تخم مرغ به در بانک و فریاد "مرگ بر مافیای" و شعار "مرگ گروه ملی بدست بانک ملی"، صدای اعتراض خود را به بساط دزدسالار مالکین این کارخانه بلند کردند. شعارهای اعتراضی دیگر کارگران در این روز عبارت بودند از: "کارگر زندانی آزاد باید گردد"، "بازداشتی هفت تپه، آزاد باید گردد"، "نه تهدید، نه زندان، دیگه فایده نداره"، "کارگر می میرد، ذلت نمی پذیرد"، "مسئول بی لیاقت، استعفا، استعفا..."

حزب کمونیست کارگری آزادی میثم آل مهدی را به او و به خانواده اش و به همگان تبریک گفته و بر گسترش جنبش دفاع از کارگران نیشکر هفت تپه و گروه ملی به عنوان دو سنگر مهم جنبش کارگری با پرچم شوراها مستقل کارگری تاکید دارد.

پیش بسوی اعتصابات سراسری

پیش بسوی ایجاد شوراها
حزب کمونیست کارگری ایران
۲۱ آذر ۱۳۹۷، ۱۲ دسامبر ۲۰۱۸

دانشجویان بمناسبت شانزده آذر ۹۷ روز دانشجویان، ندای انقلاب، و سرنگونی جمهوری اسلامی سر دادند. همبستگی با اسماعیل بخشی، سپیده قلیان و اعتصاب کارگران هفت تپه و فولاد اهواز در همه دانشگاه ها شنبه شد

شانزده آذر ۱۳۹۷ ویژه بود. اعتراضات سراسری در دانشگاه ها بمناسبت شانزده آذر روز دانشجو نشان داد که دانشجویان فعالانه و با روحیه بالا، بصورت متشکل و با نقد طبقاتی چپ، در صف اول انقلاب و جنبش سرنگونی جمهوری اسلامی و علیه وضعیت ضدانسانی موجود ایستاده اند.

دو هفته مانده به شانزده آذر و همزمان با اوج گیری اعتصاب کارگران هفت تپه و فولاد اهواز شاهد اعلام همبستگی سراسری دانشجویان با اعتصاب کارگران هفت تپه و فولاد اهواز و اسماعیل بخشی، سپیده قلیان و علی نجاتی و اعتراض علیه وضعیت حاکم در دانشگاه ها بودیم و مشخصاً در دانشگاه های "چمران اهواز، تهران، علامه، رازی کرمانشاه، تبریز، نوشیروانی بابل، امیرکبیر (پلی تکنیک تهران)، زنجان، سمنان، دانشگاه هنر تهران، دانشکده روانشناسی تهران" تجمعات اعتراضی مختلفی در دو هفته اول آذر ماه برگزار شد. بموازات نیز از طرف کارگران فولاد اهواز و معلمان در شهرهای مختلف شاهد اعلام همبستگی با دانشجویان معترض بودیم که همبستگی سراسری و طبقاتی را بوجود آورد که یکی از درخشان ترین دوره های مبارزات مردم علیه جمهوری اسلامی را رقم زد.

در ادامه بمناسبت شانزده آذر، از چهاردهم تا هجدهم آذر، شاهد برگزاری تجمعات اعتراضی، مراسمها و سخنرانی ها و بیانیه های مختلفی در دانشگاه های "تهران (شنبه روبروی درب دانشگاه تهران و تجمع اعتراضی دوم روز یکشنبه در صحن دانشگاه تهران)، علامه، سمنان، تربیت مدرس، تبریز، دانشکده فنی شمس پور، دانشکده هنر، دانشکده علوم پزشکی تبریز، نوشیروانی بابل، دانشگاه اهواز، سهنند تبریز، آزاد تهران واحد غرب، اراک، قزوین، اصفهان، همدان و نجف آباد" بودیم.

تمامی برنامه های برگزار شده با اعلام نه به وضعیت ضدانسانی موجود که جمهوری اسلامی برای اکثریت مردم ایران ایجاد کرده با نقد طبقاتی مارکسیستی برگزار شد و دانشجویان با اعتراضات همزمان و یکپارچه خود که رنگی کاملاً سرخ، اعتراضی، و سراسری داشت همبستگی خود را با

اطلاعیه ها...

"اسماعیل بخشی، سپیده قلیان و اعتصاب کارگران هفت تپه و فولاد" و با جنبشهای اعتراضی موجود مانند جنبش کارگری و زنان و با نیز با مبارزات معلمان، با صدای بسیار رسا اعلام کردند. نقش دانشجویان زن در سازماندهی تجمعات اعتراضی در دانشگاه ها ویژه بود و بدرستی مطالبات جنبش نوین رهایی زن در شانزده آذر امسال بصورت برجسته مطرح شد. در هر دانشگاهی که یکی از سران حکومت حضور پیدا کرد از حسن روحانی بعنوان رئیس دولت جمهوری اسلامی گرفته تا چهره های اصلاح طلب و اصولگرایی این حکومت، دانشجویان به آنها و به وضعیت موجود واکنش اعتراضی نشان دادند و جلسه آنان را تبدیل به اعتراض علیه جمهوری اسلامی و اعلام همبستگی با اسماعیل بخشی و سپیده قلیان و کارگران و هفت تپه و فولاد اهواز کردند.

شانزده آذر يك گام مهم برای انقلاب مردم ایران و جنبش سرنگونی بود. در ادامه اعتصاب کارگران هفت تپه و فولاد اهواز که گفتمان اداره شورایی جامعه و آلترناتیو چپ را بعنوان واقعی ترین، عملی ترین، کم هزینه ترین و انسانی ترین پروسه برای رهایی از شر جمهوری اسلامی و برون رفت از وضعیت موجود به جلوی صحنه سیاسی ایران راند، شانزده آذر ۹۷ و دانشجویان به این واقعه مهم، ابعاد سراسری تر و تعرضی تری دادند و گفتمان شوراها و آلترناتیو "کارگری کمونیستی" را در فضای سیاسی جامعه و علیه جمهوری اسلامی بیش از پیش تشبیت کردند و جنبش سراسری علیه جمهوری اسلامی را جلو بردند.

سازمان جوانان کمونیست به تک تک دانشجویان مبارز و برابری طلب، به کارگران فولاد هواز و هفت تپه و همه انسانهای آزادیخواهی که شانزده آذر با مختصات مورد اشاره بالا را باعث شدند، زنده باد میگوید و اعلام میکند که با این دستاوردی که داشته ایم باید پیشروی و اعتراض سراسری را ادامه دهیم. باید در ادامه، اعتصابات سراسری در دانشگاه ها را سازمان داد و بصورت تنگاتنگ تر در کنار اعتصاب و اعتراضات جاری در کنار کارگران، زنان، معلمان، بازتنستگان و سایر "نود و نه درصدی" ها و هیچ بوده گان جامعه، شرایط ضدانسانی فعلی را تغییر داد و جمهوری اسلامی را سرنگون کرد. اعتصاب سراسری و عمومی و متحزب شدن و تشکل بیشتر گام بعدی است که جامعه برای رهایی از شر جمهوری اسلامی باید بردارد و دانشجویان مانند همیشه نقش مهمی در این رابطه دارند.

نه به استعمار، نه به فقر

اصلاح طلب اصولگرا دیگه تمام ماجرا جمهوری اسلامی سرنگون سرنگون زنده باد آزادی و برابری، زنده باد سوسیالیسم سازمان جوانان کمونیست ۱۹ آذر ۱۳۹۷ ۱۰ دسامبر ۲۰۱۸

جمهوری اسلامی مسئول مرگ وحید صیادی نصیری است!



وحید صیادی نصیری، زندانی سیاسی، در اثر اعتصاب غذا جان نباخت. جمهوری اسلامی او را کشت. او را به دلیل اینکه از مقامات حکومت انتقاد کرده بود به زندان انداختند. مرداد ماه امسال در خانه مادرش در قم بازداشت شد. او پس از دستگیری، به چهار سال و نیم حبس تعزیری محکوم شد. دستگیری مرداد ماه صیادی در حالی صورت گرفت که مدت زیادی از آزادی او از زندان نمی گذشت. وی در زمستان ۱۳۹۶، پس از گذراندن دو سال و نیم حبس، از زندان آزاد شده بود.

جمهوری اسلامی از همان زمان که وحید صیادی را به دلیل بیان عقاید و نظراتش در مورد حکومت دستگیر نمود زمینه مرگش را فراهم آورد. در مملکتی که به دلیل حاکمیت استبداد نتوانی حرفت را بزنی یعنی نفست را گرفته اند. بعد شما را طبق نقشه در زندانی قرار می دهند که بیشتر تحقیر و توهین شوی و زیر فشار قرار گیری. جمهوری اسلامی بدین ترتیب شوک بعدی را به وحید صیادی وارد کرد. او خواهان یک دادرسی عادلانه و انتقال به زندان اوین و یا گوهردشت کرج بود. به حرفش گوش ندادند. دست به اعتصاب غذا زد. جمهوری اسلامی به خواسته های او بی اعتنایی کرد. به حالش نرسیدند. از دست این همه ظلم و ستم جانش به لب آمد. ذره ذره او را کشتند...

کمیته بین المللی علیه اعدام اعلام می کند که جمهوری اسلامی عامل مستقیم مرگ وحید صیادی نصیری است. دور نیست زمانی که عاملین مرگ وحید صیادی و دهها هزار انسان شریف دیگر که در زندانهای جمهوری اسلامی کشته شدند در دادگاههای مردمی محاکمه شوند. این روزها کارگران با فریاد شعار "نه تهدید، نه زندان، دیگ فایده

نداره" جواب سرکوبگری های جمهوری اسلامی را می دهند. جمهوری اسلامی در مقابل اراده متحد ما مردم راهی جز این ندارد که برود. بساط اعدام و آدمکشی جمهوری اسلامی باید به نیروی متحد ما مردم برچیده شود. آزادی، رفاه و عدالت حق ما مردم است و آترا باید به نیروی خود مستقر سازیم. کمیته بین المللی علیه اعدام ۲۱ آذر ۱۳۹۷ - ۱۲ دسامبر ۲۰۱۸

اتحادیه بین المللی معلمان (EI) خواستار آزادی همه معلمان زندانی در ایران شد

بدنبال تلاش های سیامک زارع عضو کمپین برای آزادی کارگران زندانی در آلمان، دیوید ادوارد دبیر کل اتحادیه بین المللی معلمان که فدراسیونی جهانی است و در ۱۷۲ کشور چهارصد و یک عضو دارد، طی بیانیه ای به تاریخ ۳ دسامبر، حمایت خود را از مبارزات و خواسته های معلمان در ایران اعلام داشت. دیوید ادوارد در این بیانیه ضمن ابراز نگرانی از تهدید و دستگیری معلمان معترض و محکوم کردن بازداشت ها بر حق تشکل، اعتصاب و تجمع به عنوان حقوق پایه ای معلمان تاکید کرده و خواستار آزادی بدون قید و شرط تمامی معلمان بازداشتی شده است. ترجمه فارسی و متن آرژینال این بیانیه ضمیمه است.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی
h p://free-them-
/now.com
۲Shahla.daneshfar
@gmail.com
۲۲ آذر ۹۷، ۱۳ دسامبر ۲۰۱۸

متن فارسی بیانیه حمایتی اتحادیه بین المللی معلمان تعقیب و دستگیری معلمان در چندین شهر

رئیس جمهور کرامی، اتحادیه بین المللی معلمان شدیداً نگران سرکوب پیگیر و شدید معلمان است که اقدام به اعتراض مسالمت آمیز در شهرهای مختلف در ایران کرده اند. به گزارش شورای هماهنگی کانون معلمان در ایران که سازمان وابسته به ماست لااقل ۱۵ نفر دستگیر و تعداد زیادی برای بازجویی احضار شده و یا توسط سازمان امنیتی بخاطر شرکتشان در اعتصاب دو روزه ۲۳ و ۲۴ نوامبر تهدید شده اند. پیش از آن نیز فعالین معلمان بخاطر شرکت در اعتصاب ۱۴ و ۱۵ اکتبر دستگیر شده بودند. این معلمان خواستار دستمزد بهتر، آموزش و پرورش رایگان و با استاندارد برای همه، و حق پیوستن به تشکل های مستقل کارگری بودند. آنها همچنین خواهان آزادی تمام معلمانی

زندانی بودند که بخاطر اقدامات بحقشان در دفاع در حقوق و آزادیها در زندانند.

آموزش و پرورش جهانی از دستگیری هاشم خواستار، عضو برجسته کانون معلمان ایران در استان خراسان، و نگهداریش در بیمارستان روانی ابراز نگرانی می کند. او را از اول تا ۹ نوامبر به اجبار در بیمارستان روانی نگاه داشتند.

عهدنامه جهانی حقوق مدنی و سیاسی در مقاله ۲۱ حق تجمع مسالمت آمیز و در مقاله ۲۲ حق آزادی اجتماعات را تضمین می کند. همچنین عهدنامه جهانی اقتصاد، جامعه، و فرهنگ طبق مقاله ۸ حق ساختن و یا پیوستن به اتحادیه و حق اعتصاب را تضمین می کند. ایران بعنوان امضا کننده هر دو معاهده باید به تعهدات بین المللی خود و حقوق و آزادی های شهروندان احترام بگذارد.

آموزش و پرورش جهانی سالهاست که تعقیبات غیر قانونی و مجازاتی را که فعالین حقوق معلمان و تشکلهای مستقل با آن مواجه بوده اند محکوم کرده است. معلمان زیادی همچون اسماعیل عبدی، محمد حبیبی، و محمود بهشتی لنگرودی مورد اذیت و آزار، دستگیری های خودسرانه و بازداشتها، دادگاههای نا عادلانه، و محکومیت های سنگین زندان قرار گرفته اند.

آموزش و پرورش جهانی از مقامات ایران می خواهد که:

- به تعهدات بین المللی خود برای احترام به حقوق و آزادی همه کارگران و شهروندان ایرانی، از جمله حق آزادی اجتماعات، حق تشکیل تجمعات صلح آمیز و حق اعتصاب پایبند باشند.

- آزادی فوری و بی قید و شرط همه معلمان و کارگرانی که برای تحقق خواسته هایشان که بالاتر یادآوری شده است، دستگیر و زندانی شده اند.

- برقراری یک دیالوگ پربار با معلمان و تشکلهای آنان برای پاسخگویی به خواسته های شرایط مناسب زندگی و آموزش رایگان برای همه.

آموزش و پرورش جهانی در انتظار مداخله سریع شما در مورد این موضوع جدی است و در عین حال به نظارت بر وضعیت معلمان در ایران ادامه خواهد داد.

بهنام ابراهیم زاده بازداشت شد

شب ۲۱ آذر بهنام ابراهیم زاده فعال شناخته شده کارگری، مدافع حقوق کودک و حقوق انسانی توسط ماموران اداره اطلاعات

اطلاعیه ها...

کمپین برای آزادی کارگران زندانی
<http://free-them-now.com>
 ۲Shahla.daneshfar@gmail.com
 ۲۲ آذر ۹۷، ۱۳ دسامبر ۲۰۱۸



تظاهرات در مقابل مسجد الرحمان در شهر لایپزیگ آلمان

جمعه ۲۱ دسامبر در مقابل مسجد الرحمان از ساعت ۱۲ ظهر

به دعوت سازمان علیه اسلامیسیم، در شهر لایپزیگ میتینگی در مقابل مسجدی فراخوان داده شده که یک مرکز مهم سلفی ها در آلمان است و امام این مسجد امام حسن دباغ یک چهره شناخته شده و خطرناک اسلامی است. که جوانان را به آدم کشی و ترور دعوت میکند و خواهان گسترش و رشد جنبش اسلامی در آلمان است. فراخوان دهندگان از چهره های سرشناس منتقد اسلام و مذهب در آلمان دعوت کرده اند در این میتینگ سخنرانی کنند. برای جلوگیری از سوء استفاده سازمانهای دست راستی فراخوان دهندگان، اقداماتی را در نظر گرفته اند که در فیس بوک و سایت آنها موجود است. مینا احدی یکی از سخنرانان در این میتینگ مهم است. از همه منتقدین اسلام سیاسی و مخالفین جنبش اسلامی دعوت میکنیم در این میتینگ حضور بهم رسانند.

چند خبر از اعتراضات بخشهای مختلف کارگران

اعتراضات گسترده کارگران شهرداری

طی هفتههای اخیر کارگران شهرداریها در شهرهای مختلف کشور از جمله، اصفهان، سی سخت، دزفول، آبادان، اهواز، شوشتر، زابل، و بسیاری شهرهای دیگر در اعتراض به پرداخت نشدن حقوقها و قراردادهای موقت کاری و بیکارسازیها دست به اعتصاب زده و تجمع کردند. دستمزدهای پرداخت نشده و نوع قراردادهای کاری موقت برده وار و مشخصا قراردادهای "حجمی" موضوع مهم این اعتراضات است. از جمله مدت یکماه است که کارگران شهرداری آبادان و سازمانهای وابسته به آن در اعتراض به سر میبرند. بنا بر خبرها روز ۱۹ آذر کارگران بخش خدماتی و فضای سبز مناطق دو و سه شهرداری همراه با کارگران آتش نشانی آبادان در ادامه اعتراضات قبلی شان در مقابل ساختمان شهرداری مرکزی تجمع کردند. همچنین در روز ۲۰ آذر کارگران شهرداری طبس در اعتراض به قراردادهای موقت حجمی دست به تجمع زدند.

فراخوان رانندگان کامیون به اعتصاب سراسری

رانندگان کامیون و کامیونداران برای روز ۲۶ آذر، روز جهانی حمل و نقل و روزهای اول تا دهم دیماه اعلام اعتصاب سراسری کرده و پیگیر خواستههایشان هستند. رانندگان کامیون در یکساله اخیر با مبارزات قدرتمندشان الگویی از اعتصابات سراسری را در مقابل کل جامعه قرار دادند. بنا بر خبرها روز یکشنبه ۱۸ آذر رانندگان و کامیونداران شهرستان ماه نشان زنجان در اعتراض به گرانی روز افزون وسایل یدکی کامیون و شرایط دشوار کاری خود دست به اعتصاب زدند. در همین روز رانندگان استیجاری شرکت حفاری جنوب واقع در حاشیه اهواز در اعتراض به پرداخت نکردن حقوق شان و وضعیت نابسامان معیشتی اعتصاب کرده و اقدام به بستن جاده اهواز در محل سه راهی فرودگاه نمودند.

تجمع کارگران کارخانه "آریا استیل الوند" با وعده پیگیری پایان یافت

روز ۱۹ آذر گروهی از کارگران کارخانه آریا استیل الوند در استان خوزستان در اعتراض به ۶ ماه دستمزد معوقه مقابل ساختمان فرمانداری اندیشک تجمع کردند. زیر فشار اعتراض کارگران پس از گذشت دو ساعت از این تجمع مسئول حراست فرمانداری ناگزیر در جمع کارگران حاضر شد و وعده پیگیری مطالبات آنان را داد. کارگران با وعده پیگیری خواستههایشان موقتا به تجمع خود پایان دادند و اعلام کردند اگر پاسخی نگیرند دوباره دست به تجمع خواهند زد.

اعتراض دو روزه کارگران شیر پگاه تهران موقتا خاتمه یافت

شامگاه روز هجده آذر کارگران کارخانه پگاه تهران در دومین روز اعتراضاتشان پس از بی نتیجه ماندن مذاکرات جلسه خود با قوه قضائیه، جهت تصمیم گیری برای چگونگی ادامه اعتراضاتشان تا چند روز آینده، موقتا به تجمعات خود خاتمه دادند. این کارگران از روز شنبه (۱۷ آذر ماه) تا شامگاه روز یکشنبه (۱۸ آذر) به صورت شبانه روزی در اعتراض به تصرف زمین هایشان در منطقه تهران پارس در مقابل ساختمان قوه قضائیه و در محدوده زمینها دست به اعتراض زده بودند. به دنبال تجمع روز ۱۸ آذر تعدادی از آنها با مسئولان قوه قضائیه جلسه ای برگزار کردند. در این جلسه نماینده نهاد مربوطه از کارگران فرصت شش ماهه برای پیگیری موضوع درخواست کرده است. اما به دلیل آنکه کارگران شاغل و بازنشسته این مجموعه حکم تخلیه زمینهای متعلق به خود را در دست دارند و پیش از این نیز به همین بهانه

نهاد مربوطه از آنها فرصت خواسته بود و کاری انجام نگرفت، با این پیشنهاد موافقت نکردند و برای تصمیم گیری در مورد چگونگی پیگیری اعتراضاتشان موقتا به تجمع خود خاتمه دادند. به گفته کارگران، مسئولان قوه قضائیه که به خوبی از موضوع بالا کشیدن زمینهای کارگران شیر پگاه واقفند، بازهم وعده توخالی به آنها تحویل دادند. خواسته این کارگران رفع تصرف اراضی آنان در منطقه تهران پارس است.

فراخوان بازنشستگان به تجمع در مقابل مجلس اسلامی

بار دیگر بازنشستگان برای پیگیری خواستههایشان برای بیست و هفتم آذرماه به تجمع در مقابل مجلس اسلامی فراخوان داده اند. بازنشستگان در تجمعات با شکوه قبلی خود از جمله با این شعارها اعتراض خود را به فقر و بی حقوقی و بی تامینی اعلام کردند: شعارهایی چون حقوقهای نجومی، فلاکت عمومی، اگر که ما نبودیم، تو اون بالا نبود، خط فقر ۶ میلیون حقوق، ما یک میلیون، منزلت، معیشت، حق مسلم ماست، یک اختلاس کم بشه، مشکل ما حل میشه، سوریه را رها کن فکری به حال ما کن، تحصیل رایگان برای همه، جای معلم زندان نیست، زندانی سیاسی آزاد باید گردد. سفره شما رنگینه، سفره ما فقیره و شعارهای دیگر.

بازنشستگان یک بخش بسیار معترض جامعه هستند که تا کنون با مبارزات درخشان خود، با برگزاری تجمعات هزاران نفره و با شعارهای رادیکال و تعرضی خود که اساسا کل بساط توحش و بربریت حاکم و فاصله اشکار طبقاتی را به چالش کشیده، به سهم خود نقش مهمی در جلو آوردن گفتمانهای چپ و کارگری در سطح جامعه و تغییر توازن قوای سیاسی به نفع مبارزات کل مردم داشته اند. از خواستها و مبارزات آنان وسیعا حمایت کنیم.

پیش بسوی اعتصابات سراسری
 پیش بسوی ایجاد شوراها
 حزب کمونیست کارگری ایران
 ۲۲ آذر ۱۳۹۷، ۱۳ دسامبر ۲۰۱۸

بهنام ابراهیم زاده باید فوراً آزاد شود!

بهنام ابراهیم زاده را مجدداً در شب ۲۱ آذر دستگیر کردند. بنا به گزارش رحمان ابراهیم زاده، پدر بهنام، شش نفر از ماموران اطلاعات جمهوری اسلامی در تهران بدون اطلاع قبلی وارد خانه بهنام شده، او را دستگیر کرده و لوازم شخصی او از جمله کامپیوترش را با خود بردند. قبلاً در تاریخ ۲۹ آبان دادگاه حکومت در کرمانشاه بهنام را غیابی به ۱۸

اطلاعیه های حزب ...

ماه زندان به اتهام "تبلیغ علیه نظام" محکوم کرده بود.

جرم بهنام که بارها دستگیر شده و سالها در زندان های جمهوری اسلامی مورد شکنجه و اذیت و آزار قرار گرفته این است که از کودکان بیحقوق و محروم در مقابل مشتکی مفتخور حاکم دفاع کرده است. طبق آمار حکومت سالانه ۱۰ هزار نوزاد بدلیل فقر جانشان را از دست میدهند. جرم بهنام این است که به این وضعیت ضد انسانی که قلب هر انسانی را به لرزه در میآورد اعتراض کرده است.

بهنام به کمک مردم زلزله زده کرمانشاه و سرپل ذهاب شناخته و به حکومت اسلامی بدلیل لایقیدی به زندگی هزاران نفر از مردمی که همچنان بدلیل سرما و بی غذایی و بی تامینی جانشان را از دست میدهند اعتراض کرده و دیگران را تشویق به کمک به آنها کرده است. جرم بهنام این است که از کارگران و مردم در مقابل دزدان و میلیاردرهای حاکم دفاع کرده است و گفته است این زندگی شایسته مردم نیست. جرم بهنام این است که از کولبران در کردستان دفاع کرده و به شرایط غیر انسانی آنها و جنایات هر روزه حکومت علیه آنها اعتراض کرده است. جرم بهنام این است که هر جا ظلمی میبیند ساکت نمیشیند و اعتراض میکند. و اینها همه مصداق بارز! تبلیغ علیه نظام است. این نظام است که باید محاکمه شود. این سران حکومت اند که باید بدلیل تحمیل این شرایط غیر انسانی محاکمه شوند. این مقامات و سرکوبگران و شکنجه گراند که باید بدلیل فساد و دزدی و سرکوب و جنایت علیه همه مردم دستگیر و محاکمه شوند.

بهنام چهره شناخته شده حقوق کودک و فعال محبوب جنبش کارگری است. بهنام انسان شریف و شجاع و معترضی است که بدلیل این فعالیت ها در قلب میلیون ها نفر راه یافته و الهامبخش مردم در مبارزه علیه فقر و تبعیض و سرکوب و فساد بوده است. اعتراض بهنام اعتراض مشترک دهها میلیون نفر در سراسر کشور است. آزادی فوری بهنام نیز خواست مشترک همه مردم است.

بهنام باید فوراً و بی قید و شرط آزاد شود. کلیه فعالین اجتماعی و کلیه زندانیان سیاسی باید فوراً و بی قید و شرط آزاد شوند. روزی که مردم در زندان ها را میشکندند و بهنام و علی نجاتی و سپیده و عسل و آتنا و گلرخ و آرش و اسماعیل عبدی و علیرضا بهشتی و کلیه زندانیان سیاسی را آزاد میکنند دور نیست. روزی که حاکمان اسلامی به جرم چهل سال جنایت و دزدی در دادگاههای مردمی محاکمه میشوند دور نیست.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۳ آذر ۱۳۹۷، ۱۴ دسامبر ۲۰۱۸

سی و ششمین روز اعتراضات گسترده کارگران فولاد اهواز همراه با خانواده ها



کارگران گروه ملی فولاد اهواز همچنان به راهپیمایی و اعتصاب و اعتراضات خود ادامه میدهند و بر خواستهای خود پافشاری

میکند. هنوز پاسخی به خواستهای کارگران داده نشده است. این کارگران در سی و ششمین روز از تجمعات خود همراه با خانواده هایشان مقابل استانداری تجمع کردند. در این روز در حالیکه یگان ویژه به همراه ماشین های آتش نشانی و دهها اتوبوس در مرکز شهر مستقر شده اند و علیرغم ممانعت آنان از ورود کارگران به خیابانهای مرکزی شهر، کارگران با مارش و شعار دادن مقابل مراکز مختلف دولتی ایستادند و فریادها و شعارهایشان بر فضای شهر طنین انداخت و توجه همه را به خود جلب میکرد. در خیابان نادری در حالیکه زنان در جلوی صف مارش کارگران در حرکت بودند، شعار "استثمار، بیکاری، پرچم سرمایه داری" سر داده شد. کارگران مردم را به حمایت از اعتراضاتشان فرا میخواندند و مردم شهر اهواز نیز در جاهایی به جمعیت می پیوستند. فضای همبستگی را در شهر به روشنی میشد دید. میثم آل مهدی، کریم سیاحی و غریب حویزروی از فعالین کارگری معترض گروه ملی در تجمعات این روز سخنرانی کردند. میثم آل مهدی از نمایندگان محبوب کارگران در سخنان خود گفت "کسی که بخواهد حق ما را پایمال کند با اتحاد در برابرش می ایستیم. در برابر همه شان می ایستیم". او در ادامه سخنانش رو به نیروی انتظامی گفت "ما هرکدام يك قطره بارانیم کنار هم می ایستیم تا نابودی ما فیا". بدنبال این سخنان کارگران شعار مرگ بر مافیا سر دادند.

شعارهای کارگران در این روز عبارت بودند از: "استثمار، بیکاری، پرچم سرمایه داری"، "مرگ بر مافیا"، "صدای هر کارگر، مرگ بر ستمگر"، "کارگر می میرد، ذلت نمی پذیرد"، "استاندار وفرماندار بیعرضه وبی غیرت"، "گرانی، بیکاری، پاسخ بده روحانی"، "این همه بیعدالتی هرگز ندیده ملت". این شعارها بروشنی عمق اعتراض کارگران را

بیان میکند. گفتنی است که در روز قبل از آن در بیست و سوم آذر ماه کارگران گروه ملی در مسجد شرکت مجمع عمومی خود را بر پا داشتند. محبوب نماینده مجلس اسلامی و دبیر کل "خانه کارگر" نیز در این تجمع شرکت کرده بود. یکی از کارگران بنام براتی در سخنانش به اینکه چگونه این مجتمعه بزرگ کارگری به تعطیلی کشیده شده و زندگی و معیشت آنها به خطر افتاده شدیداً اعتراض کرد. یکی دیگر از کارگران بنام طارق خلقی در بخشی از سخنانش گفت: "متأسفانه برخی تصور می کنند مطالبات ما حقوقی است. حقوق معوقه جزو آخرین خواسته های ماست. ما می خواهیم ورود مواد اولیه بصورت مستمر و با ۱۰۰ درصد ظرفیت به شرکت تضمین شود". محبوب نماینده مجلس اسلامی و دبیر کل "خانه کارگر" جمهوری اسلامی نیز در این تجمع حضور داشت و شاهد این اعتراضات بود.

اعتراض کارگران گروه ملی فولاد اهواز به توقف تولید در بخش های مختلف تولید بخاطر اختلاسهای پشت پرده و نداشتن امنیت شغلی و تعویق پرداخت دستمزدها و وضع فلاکت بار زندگیشان است. این کارگران در اعتراضاتشان کل بساط مافیایی حاکم و توحش و بردگی سرمایه داری را به چالش میکشند. کارگران گروه ملی فولاد اهواز بر تداوم اعتراضاتشان تا رسیدن به خواستهای خود پای میفشازند.

پیش بسوی اعتصابات سراسری

پیش بسوی ایجاد شورا ها

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۴ آذر ۱۳۹۷، ۱۵ دسامبر ۲۰۱۸

شوراهای سازماندهی اعتراضات را در همه جا ایجاد کنیم

روند انقلابی که از دیماه ۹۶ شروع شد با فاصله های هر بار کوتاهی ادامه می یابد و مردم بیشتری حول مسائل و خواست های خود با روحیه ای تعرضی تر به میدان میآیند. توازن قوا به نفع مردم و سازمانیابی مردم در اشکال مختلف تغییر کرده و دورانی از تلاطم های انقلابی آغاز شده است. توده های مردم دریافته اند که برای رهایی از ریج و مشقتی که بر زندگی آنها حاکم شده است، راهی جز سرنگونی حکومت ندارند. حکومت در بی اقبی، استیصال و در هم ریختگی هر چه بیشتر دست و پا میزند و توان ادامه کنترل جامعه به شکل سابق را ندارد. در چنین شرایطی لازم است بسرعت متشکل شویم. تشکل های مناسب این دوره را ایجاد کنیم و سازمان یافته و با نقشه مسیر سرنگونی را با دخالتهای هر چه بیشتر توده های مردم و با قدرت و با کمترین مخاطره به پیش ببریم.

یک ابزار مهم هدایت و سازماندهی مبارزات در این شرایط، شوراهای سازماندهی اعتراضات است. شوراهای سازماندهی میتوانند در محلات و شهرها وسیعاً ایجاد شوند و سازماندهی مبارزات را بعهده بگیرند. شوراهای سازماندهی شکل مناسب هدایت اعتراضات و اعتصابات توده ای و سراسری در شرایط حاضر است که میتوانند در هر محل و شهر و منطقه ای اعتراضات مردم را رهبری کنند، مردم را حول خواست های سیاسی و رفاهی و حول خواست های آزادیخواهانه و عدالت طلبانه متحد نگهدارند، جلو شعارها و تاکتیک های انحرافی را بگیرند و در واقع نقش رهبری میدانی مردم را بعهده بگیرند. رهبران و فعالین کارگری و اجتماعی از تعارض گرانقدری در سازماندهی برخوردارند و در ایجاد این تشکل ها میتوانند نقش بسیار مهمی ایفا کنند.

شوراهای سازماندهی در شرایط کنونی اساساً مخفی هستند اما در اولین شرایط مناسب اعلام موجودیت میکنند و علنی میشوند. شوراهای سازماندهی ایجاد شوراهای مردم برای اداره جامعه را در مراحل بعدی تسهیل میکنند.

حزب کمونیست کارگری فعالین سیاسی و اجتماعی و فعالین و رهبران کارگری و جوانان معترض را فرا میخواند که در هر شهر و محلی که میتوانند، دست به کار ایجاد این شوراها شوند. فعالین میتوانند تعداد هر چه بیشتری از کسانی را که میخواهند در این شرایط علیه حکومت و برای پیروزی انقلاب فعالیت کنند، در این شوراها جمع کنند، با استفاده از روابط و امکانات خود و با استفاده از مدیای اجتماعی حلقه تماس خود با مردم شهر را گسترش دهند و خود را برای ایفای نقش در شرایطی که جامعه وارد تلاطم انقلابی شده و مبارزات روزیروز تعرضی تر و گسترده تر میشود، آماده کنند.

جامعه ایران وارد دوره تازه و تعیین کننده ای شده است. شوراهای سازماندهی یک پاسخ مهم برای استقبال از این شرایط است. حزب کمونیست کارگری از هر اقدام و ابتکار عملی در این راستا حمایت میکند و از تبادل نظر و شنیدن نظرات و پیشنهادها فعالین برای شکل دادن به شوراهای سازماندهی به گرمی استقبال میکند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۵ تیر ۱۳۹۷، ۶ جولای ۲۰۱۸

سرنگون باد جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!